



اسرارِ خورشید

جہان در عصر طلایی ظہور

محمد ہادی ابراہیمی نژاد

مؤسسہ خاتم النبیین ﷺ

سلسله تحقیقات سایت آستی با خرد (شماره ۴)

اشراق خورشید

جهان در عصر طلایی ظهور

محمدهادی ابراهیمی نژاد

- سرشناسه : ابراهیمی نژاد، محمدهادی، ۱۳۴۰ -
- عنوان و نام پدیدآور : اشراق خورشید(جهان در عصر طلایی ظهور) / محمدهادی ابراهیمی نژاد.
- مشخصات نشر : قم: موسسه آموزش عالی حوزوی خاتم النبیین صلی الله علیه و آله و سلم ، ۱۴۰۰.
- مشخصات ظاهری : ۱۲۸ ص.؛ ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.
- شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۵۳۰-۸-۸
- وضعیت فهرست : فیپا
- نویسی
- موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - - غیبت - - احادیث
- موضوع : مهدویت - - انتظار - - احادیث
- Mahdism -- *Waiting -- Hadiths
- احادیث شیعه - - قرن ۱۴
- Hadith (Shiites) -- Texts -- ۲۰th century
- رده بندی کنگره : ۱۴۱/۵BP
- رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۲
- شماره کتابشناسی : ۸۷۸۹۲۲۵
- ملی

اشراق خورشید

جهان در عصر طلایی ظهور

محمد هادی ابراهیمی نژاد

ناشر: موسسه آموزش عالی حوزوی خاتم النبیین صلی الله علیه و آله و سلم

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ اول: چاپخانه معراج / ۱۴۰۱

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۵۳۰-۸-۸

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

مرکز پخش: قم، خیابان صفائیه، کوچه ۳۷ پلاک ۲۱

تلفن: ۰۲۵۳۷۷۴۳۲۵۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حمد و ستایش خداوندی را سزااست که با فرمان «فانتظروا إني معكم من المنتظرين» ما را امر به انتظار ظهور فرمود و درود بی پایان بر پیام‌آور انتظار ظهور و خاندان ایشان امیران عالم و پرچم‌داران انتظار.

مسأله مهدویت یکی از مسائل بنیادین در عقائد اسلامی است که عصر ظهور و مسائل پیرامون آن بخشی از محتوای آن را تشکیل می‌دهد.

آن زمان که قائم آید، تمام حق آشکار و کمال عدل شکوفا گردد (لَا يَبْقَى حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ وَ لَا عَدْلٌ إِلَّا زَهَرَ) تا بهار مردمان و شادابی روزگاران (رَبِيعِ الْأَنَامِ وَ نَضْرَةَ الْأَيَّامِ) را محقق سازد.

شناخت روزگاران ظهور، اشتیاق بیافریند، آتش انتظار برافروزد و سوز دعا بیفزاید.

هر چند در ذات انتظار، فرج نهفته است (اَنْتَظَارُ الْفَرَجِ مِنَ الْفَرَجِ)، اما چه بسا تیر دعایی بر دل هدف نشیند و شب تاریک به سر آید! خدایش فرموده: فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ!

از آدم تا خاتم هم چشم انتظارش!

نشاید که ما بخفتیم!

درنگ بر ویژگی‌های «عصر طلایی ظهور»، شاید ما را از غفلت از
آن محبوب بیدار سازد!
شاید...!

محقق محترم حجت الاسلام و المسلمین آقای محمد هادی
ابراهیمی‌نژاد در پژوهش پیش‌رو تلاش کرده است تا سرفصل‌هایی در
این زمینه را از منابع وحی استخراج نماید.

این تلاش برگ سبزی است تحفه درویش، خدا کند کریمانه
مقبول مولا بقیة الله الاعظم عجل الله فرجه افتد. خدا کند...!

انتشارات خاتم النبیین صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

نوشتار پیش روی شما بخشی از تحقیقات سایت آشتی با خرد است. یکی از میزهای این سایت میز «امام زمان، مصلح کل» است. این میز، این گونه آغاز می‌شود:

«صلح، آرمان مشترک همه‌ی انسانها» است و فراگیری آن، رؤیایی‌ترین آمال و برترین آرزو.

ناگفته پیداست که تحقق این آرمان مشترک، در گرو وجود «مصلح کل» است.

مصلح کلی که شاخص آن «یملأ الارض عدلا و قسطا» است...
مصلح کلی که بر تمامی زمین و ظرفیتهای آن سیطره داشته باشد...
مصلح کلی که بتواند تمامی این ظرفیتهای را از صلح، آن هم از جنس واقعی‌اش، لبالب سازد...

مصلح کلی که امام زمان و زمین باشد...
رابطه اسلام کامل (اندیشه شیعی) با این مهم چیست؟
و چه پشتوانه‌ای برای تضمین مقدس‌ترین آمال و برترین آرزو بشردارد؟!

«اشراق خورشید» یا «جهان در عصر طلایی ظهور» با ساختار
متنی در سایت «آشتی با خرد» هم در دسترس است:

aashtee.org/page/section.aspx?n=۹۰۹۷-۱۶۴۶۳-

ما را در اینجا می‌توانید ببینید:

aashtee.org

aashtee.ir

aashtee.net

aashteebakherad.com

aashteebakherad.ir

aashteebakherad.org

shia-akhbari.com

shia-akhbari.org

از نظرات و انتقادات شما استقبال می‌کنیم:

info@aashtee.org

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ سَيِّمًا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ
وَ اللَّعْنُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ

اشراق خورشید جهان در عصر طلایی ظهور

«منتظر» یکی از نام‌ها و صفات امام زمان علیه السلام است، کسی که چشم به راه اویند.

منتظر کیست؟ و صفاتش چیست؟ و دوران‌هایش کدام است؟ این نوشتار نگاهی کوتاه به یکی از دوران‌های امام «منتظر» علیه السلام دارد.

از حوادث ۱- دوران پیش از ولادت، ۲- دوران ولادت و ۳- دوران پیش از امامت که بگذریم، ۴- دوران غیبت آغاز می‌شود، دورانی که خورشید در پس ابر است. در انتهای دوران غیبت، ۵- طلوع فجر آغاز می‌گردد و نشانه‌های ظهور یکی پس از دیگری تحقق می‌یابد.

تا این که دنیا شاهد ۶- طلوع خورشید می‌گردد و حوادث ظهور رقم می‌خورد.
با طلوع خورشید امام زمان علیه السلام ۷- ظهور یا قیامت صغری بر پا می‌شود.
بخشی از قیامت صغری به شکستن شاخ شیاطین سپری می‌گردد که راه عدالت را سد کرده‌اند.
و بخشی به التیام زخم‌هایی که منافقان بر پیکر اسلام وارد ساخته‌اند می‌گذرد.
و بخشی به بیان اسلام حقیقی می‌پردازد.
ثمره اسلام حقیقی همان ۸- اشراق خورشید اسلام است که عصر طلایی ظهور را رقم می‌زند.
هدف نوشتار پیش روی شما نگاهی کوتاه به روایات مرتبط با عصر طلایی ظهور است.

جهان در عصر طلایی ظهور چگونه است؟

آشنایی با زندگی در دوران ظهور امام زمان علیه السلام، آشنایی با یکی از ادوار مهم دوران مهدوی است.
بی هیچ تردیدی دوران دولت حقه و سلطنت خدایی امام «منتظر»، آن چنان که باید و شاید، شناختنی نیست و فوق درک و تصورات ماست.
ظهور امام «منتظر» ویژگی‌های مشترکی با قیامت کبری دارد و از همین رو احیاناً دوران ظهور، قیامت صغری نامیده می‌شود.
همچنین زندگی در دوران امام «منتظر» علیه السلام مشابهاتی با

جهان در عصر طلایی ظهور / ۹

زندگی بهشتیان دارد. لذا اگر دوران ظهور را «بهشت زمین» بنامیم،
گزاف نگفته‌ایم.

درک بهشت آخرتی برای زمینیان میسر نیست، لذا گاهی با آوردن
مَثَل توصیف می‌گردد و گاهی با بیان کلیات.

از این رو از یک سو بهشت این گونه توصیف می‌گردد که :

فِيهَا مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَ لَا أُذُنٌ سَمِعَتْ وَ لَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ...^۱

در بهشت چیزهایی است که نه چشمی آنها را دیده و نه گوشی
شنیده و نه تصور آن بر قلب بشری خطور کرده.

این گونه جملات بیانگر ناتوانی بشر دنیوی، از درک بهشت است.

و از دیگر سو بیان می‌شود که:

فِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَ تَلَدُّ الْأَعْيُنُ...^۲

و در آنجا است آنچه دلها آن را بخواهند و دیدگان را خوش آید...

این گونه تعبیرات نشانگر اوج لذت‌های نامحدود بهشتی است.

دوران ظهور امام «منتظر» علیه السلام، نمونه‌ی همان بهشت

آخرتی است، اما در روی زمین، بهشتی که نه چشمی دیده و نه

گوشی شنیده و نه تصور آن بر قلب کسی خطور کرده، اما هر آن چه

دل بخواهد و چشم از آن لذت برد، در این بهشت زمینی وجود دارد.

درک بهشت زمینی دوران ظهور، اگر برای همگان محال نباشد،

مسئله بسیار مشکل است. لذا این دوران، همانند بهشت، با بیان

۱- بحار الانوار ج ۸۱ ص ۱۲۵

۲- زخرف ۷۱

کلیات و مَثَل توصیف شده است.

نوشتار پیش روی شما نگاهی دارد به این فصل از ادوار مهدوی، و تلاش می‌کند برخی از ویژگی‌های دوران طلایی زندگی در زمان ظهور را، برشمارد تا که شاید با آشنایی با این دوران، دل به سوی ظهورش پر کشد و بیشتر برای ظهورش دعا کنیم.

ویژگی‌های دوران ظهور در نگاه کلان دو دسته‌اند:

- (۱) عوامل پاکسازی موانع کمال که اوج تطهیر زمین و زمینیان از همه امور منفی را به دنبال دارد.
 - (۲) عوامل رشد و کمال همه ابعاد حیات انسانی که تمام زیبایی‌های آفرینش را محقق می‌کند.
- در ادامه با این ویژگی‌ها آشنا می‌شویم.

دوران ظهور و اوج امنیت

بخش مهمی از ویژگی‌های عصر طلایی ظهور به ابعاد متنوع امنیت زندگی اختصاص دارد.

پیداست که امنیت در گرو پاکسازی عوامل فراوان پدید آورنده ناامنی است.

در این مجال با ابعاد امنیت، که حاصل پاکسازی این عوامل پرشمار است، آشنا می‌شویم.

امنیت جانی و برطرف شدن کشت و کشتار

یکی از شاخص‌های امنیت جانی، امنیت انسانها از کشته شدن

توسط یکدیگر است.

در میان سایر عوامل مخل به امنیت، قتل از شنیع‌ترین آنهاست. با توجه به شاخصهای عدالت، برطرف شدن شر و فساد و... در دوران ظهور، عاملی برای قتل و... باقی نمی‌ماند تا این نوع امنیت مختل گردد.

از آن جایی که تمامی عوامل دخیل در امنیت، مانند عدالت و... مستقلاً مطرح می‌گردد، برای پرهیز از تکرار به همین اندازه اشاره بسنده می‌شود.

امنیت جانی انسان از حیوانات درنده و گزنده

یکی از شاخصهای امنیت جانی، کشته شدن انسانها توسط حیوانات درنده و گزنده است.

با تصرف رحمانی امام زمان علیه السلام در طبع حیوانات، خطراتی که از ناحیه حیوانات متوجه انسان می‌شود مرتفع می‌گردد. (در زمان ظهور امام زمان علیه السلام) زهر هر (حیوان) جنبده‌ای گرفته می‌شود (و حیوانات گزنده آن چنان بی‌خطر می‌گردند که) کودک دستش را دهان افعی می‌کند و زیانی نمی‌زند. (همچنین) کودک با شیر روبرو می‌شود بدون این که شیر زیانی به کودک بزند...^۱

(در زمان ظهور امام زمان علیه السلام) درندگان و چرندگان با هم

۱- تنزع حمة كل دابة حتى يدخل الوليد يده في فم الحنش فلا يضره، و تلقى

الوليدة الأسد فلا يضرها... (روایت ۱۲)

در صلح و صفا زندگی می‌کنند (و امنیت آن چنان گسترده می‌شود) تا این که زنی زنبیل بر سر، مسیر میان عراق و شام را پیاده طی می‌کند در حالی که پایش را جز بر سبزه نگذارد (با آرامش کامل به مقصد برسد و) هیچ درنده‌ای او را مضطرب نسازد و نترساند.^۱

(در زمان ظهور امام زمان علیه السلام آن چنان امنیت و آرامش حاکم گردد که) حیوانات وحشی و درندگان (در کنار یکدیگر در آسایش) می‌چرند و زندگی می‌کنند و کودکان با آنها بازی نمایند.^۲

(در زمان ظهور امام زمان علیه السلام) در روی زمین حیوان موذی و شر و گناه و فساد اصلا نیست. زیرا دعوت امام زمان علیه السلام، دعوت آسمانی است و دعوت زمینی نیست...^۳

امنیت جانی حیوانات از درندگان (رام شدن درندگان)

در دوران ظهور، علاوه بر برقراری امنیت انسانها از ناحیه حیوانات (که پیش از این گذشت) در میان خود حیوانات نیز امنیت برقرار می‌گردد.

دلیل آن هم تصرف رحمانی است که بر اثر آن، طبیعت درندگی آنها از بین می‌رود.

۱- وَ اصْطَلَحَتِ السَّبَاعُ وَ الْبَهَائِمُ حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ وَ الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى نَبَاتٍ وَ عَلَى رَأْسِهَا زَنْبِيلُهَا لَا يُهَيِّجُهَا سَبْعٌ وَ لَا تَخَافُهُ... (روایت ۱۴)

۲- حَتَّى تَرعى الْوَحُوشَ وَ السَّبَاعَ وَ تَلْعَبُ بِهِمُ الصَّبِيَانَ... (روایت ۲۳)

۳- وَ لَا يَكُونُ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ مُؤَذٍ، وَ لَا شَرٌّ، وَ لَا إِثْمٌ، وَ لَا فَسَادٌ أُصْلًا، لِأَنَّ الدَّعْوَةَ سَمَاوِيَّةً، لَيْسَتْ بِأَرْضِيَّةٍ... (روایت ۴)

جهان در عصر طلایی ظهور / ۱۳

در زمان سلطنت امام زمان علیه السلام درندگان با یکدیگر در صلح و آرامش زندگی می‌کنند.^۱

حیوانات وحشی (همچون آهو و...) آن چنان امنیت پیدا می‌کنند که همانند چهارپایان اهلی در راه‌های زمین (با آرامش) می‌چرند.^۲ (در زمان ظهور امام زمان علیه السلام آن چنان آرامش و امنیت میان حیوانات حاکم می‌گردد که) شیر در گله شتران و گرگ در گله گوسفندان، همچون سگ نگهبان است.^۳

امنیت اشیاء از فساد و خسارت

یکی از شاخص‌های امنیت، امنیت از ناحیه خسارت به اشیاء و اموال است. برخی روایات ناظر به نفی کلی شر و فساد است. از جمله: (در زمان ظهور امام زمان علیه السلام امنیت آن چنان فراگیر است که) بر روی زمین موزی و شر و گناه و فساد اصلاً نیست...^۴ در برخی دیگر از روایات به شمول و گستره امنیت از ناحیه خسارت به اموال، این چنین تصریح شده است:

۱- وَ تَصْطَلِحُ فِي مُلْكِهِ السَّبَاعُ... (روایت ۱۳)

۲- تَأْمَنُ الْوَحُوشُ حَتَّى تَرْتَعِيَ فِي طُرُقِ الْأَرْضِ كَأَنْعَامِهِمْ... (روایت ۷)

۳- تَنْزَعُ حِمَةَ كُلِّ دَابَّةٍ حَتَّى يَدْخُلَ الْوَلِيدُ يَدَهُ فِي فَمِ الْحَنْشِ فَلَا يَضُرُّهُ، وَ تَلْقَى الْوَلِيدَةَ الْأَسَدِ فَلَا يَضُرُّهَا، وَ يَكُونُ فِي الْإِبِلِ كَأَنَّهُ كَلْبُهَا، وَ يَكُونُ الذَّنْبُ فِي الْغَنَمِ كَأَنَّهُ كَلْبُهَا... (روایت ۱۲)

۴- وَ لَا يَكُونُ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ مُؤَذٌّ، وَ لَا شَرٌّ، وَ لَا إِثْمٌ، وَ لَا فَسَادٌ أَصْلًا، لِأَنَّ الدَّعْوَةَ سَمَاوِيَّةً، لَيْسَتْ بِأَرْضِيَّةً... (روایت ۴)

(در زمان ظهور امام زمان علیه السلام) حتی موشی هم کیسه‌ای را سوراخ نکند...^۱

امنیت بهداشتی و برطرف شدن بیماری‌ها، معلولیتها و...

یکی از شاخصه‌های امنیتی، امنیت بهداشتی و امنیت از اختلالات جسمی مانند بیماری‌ها، معلولیتها و... است. این شاخصه در زمان ظهور امام زمان علیه السلام به کمال و تمام تحقق می‌یابد.

آن زمان که قائم ما قیام کند خداوند عز و جل بیماری را از شیعیان ما برطرف نماید...^۲

هر بیماری که (دوران) قائم اهل بیت مرا درک کند، خوب می‌شود و هر ناتوانی که او را درک کند توانا می‌گردد.^۳

زمانی که قائم علیه السلام قیام کند خداوند بیماری هر مؤمنی را ببرد و نیروی (از دست رفته) او را باز می‌گرداند.^۴

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) مرضها و بیماری‌های مزمن برطرف می‌گردد و مؤمن... از علم پزشکی و از پزشک بی‌نیاز می‌گردد...^۵

۱- وَ حَتَّىٰ لَا تَقْرَضَ فَارَةً جِرَابًا (روایت ۳۴)

۲- إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْ شِبَعِنَا الْعَاهَةَ... (روایت ۲۱)

۳- مَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي مِنْ ذِي عَاهَةٍ بَرًّا وَمِنْ ذِي ضَعْفٍ قَوِيًّا. (روایت ۳۷)

۴- إِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ الْعَاهَةَ وَ رَدَّ إِلَيْهِ قُوَّتَهُ. (روایت ۳۸)

۵- وَ تَرْتَفِعُ الْأَمْرَاضُ وَ الْأَسْقَامُ وَ يَسْتَغْنِي الْمُؤْمِنُ... عَنْ طِبِّ وَ طَبِيبٍ... (روایت ۳۰)

جهان در عصر طلایی ظهور / ۱۵

بر روی زمین کور و زمینگیر و مبتلایی باقی نماند، جز این که خداوند به برکت ما اهل بیت، بلایش را از او برطرف سازد.^۱

امنیت غذایی (نابودی پلیدی‌ها و...)

یکی از شاخصه‌های امنیت، شاخصه امنیت غذایی است. تحقق این شاخصه به این است که نگرانی‌های بشر از ناحیه تأمین و سلامت غذا مرتفع گردد.

بخش مهمی از نگرانی‌هایی که در تأمین غذا وجود دارد، بر اثر آبادانی زمین مرتفع می‌گردد، چه با فراوانی بارندگی و چه با سرسبزی زمین.

دوران ظهور از حیث آبادانی زمین، واقعا دوران طلایی است. بخشی از مطالب مربوطه در همین نوشتار ارایه شده است. بخشی دیگر از امنیت غذایی با سلامت غذا مرتبط است.

البته که هر جنبنده‌ای که خداوند گوشت آن را حرام کرده، می‌کشم، تا این که بر زمین جز پاک و پاکیزه باقی نماند...^۲
(در دوران ظهور) خوک کشته می‌شود (و از صفحه زمین نابود می‌گردد)^۳

۱- وَ لَا يَبْقَى عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَعْمَى وَ لَا مُقْعَدٌ وَ لَا مُبْتَلَىٰ إِلَّا كَشَفَ اللَّهُ عَنْهُ بَلَاءَهُ بِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ... (روایت ۳۹)

۲- ثُمَّ لَأَقْتُلَنَّ كُلَّ دَابَّةٍ حَرَّمَ اللَّهُ لَحْمَهَا حَتَّىٰ لَا يَكُونَ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ إِلَّا الطَّيِّبُ... (روایت ۳۹)

۳- فَيَدُقُّ الصَّلِيبَ وَ يَقْتُلُ الْخَنْزِيرَ وَ يَضَعُ الْجِزْيَةَ وَ يَتْرِكُ الصَّدَقَةَ... (روایت ۱۲ و

مسئله با نابودی پلیدی‌ها، امنیت غذایی هم جهت مادی و هم از جهت معنوی تأمین می‌گردد.

این توضیح در این جا لازم است که تمامی آن چه خداوند واجب یا حرام کرده، بر اساس مصالح و مفاسد واقعی است. مسلماً کار خداوند حکیمانه است. بخلی هم در کار نیست. بنا بر ریشه اصلی تکالیف سود و زیان خود انسان است.

البته دایره سود و زیان محدود به سود و زیان مادی نیست، بلکه علاوه بر آن، سود و زیان معنوی هم مورد توجه است.

نابودی خبائث هم بر همین اساس است. از آن جایی که بخش بزرگی از خبائث در حوزه تغذیه قرار دارد، و تغذیه ناسالم بر جسم و روح اثر منفی دارد، به همین دلیل نابودی خبائث، شاخه دوم سلامت تغذیه در امنیت غذایی را محقق می‌سازد.

امنیت ناموسی

یکی از شاخصهای مهم امنیت، امنیت زنان است. زمینه ناامنی این حوزه بیشتر تنهایی زنان، مکانهای خلوت و بی حفاظ، همچنین محیطهای مدیریت نشده جوانان است. در روایات متعددی اشاره ضمنی به این شاخص امنیتی در دوران ظهور امام زمان علیه السلام شده است. پیش از این گذشت:

(در زمان ظهور امام زمان علیه السلام) درندگان و چرندگان با هم

جهان در عصر طلایی ظهور / ۱۷

در صلح و صفا زندگی می‌کنند (و امنیت آن چنان گسترده می‌شود) تا این که زنی زنبیل بر سر، مسیر میان عراق و شام را پیاده طی می‌کند در حالی که پایش را جز بر سبزه نگذارد (با آرامش کامل به مقصد برسد و) هیچ درنده‌ای او را مضطرب نسازد و نترساند.^۱

اما برخی از روایات در این زمینه صراحت بیشتری دارد.

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) زنان در مورد خودشان (آن چنان) امنیت دارند که حتی اگر (تنها) در بیابان خلوتی باشند بر خودشان نگران نمی‌شوند.^۲

(در دوران امام زمان علیه السلام) دختر نوجوان و پیر فرتوت از خانه‌اش بیرون می‌آید در حالی که بر سرش مقداری آرد یا گندم یا سویق است و (مسیرش را طی می‌کند تا) به سرزمینی که می‌خواهد می‌رسد، در حالی که نه خستگی به او می‌رسد و نه رنجی و نه امر ناگواری...^۳

امنیت راه‌ها

مسلمانان فراگیر شدن عدالت، امنیت همه جانبه به ارمغان می‌آورد.

۱- وَ اصْطَلَحَتِ السَّبَاعُ وَ الْبَهَائِمُ حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ وَ الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى نَبَاتٍ وَ عَلَى رَأْسِهَا زَنْبِيلُهَا لَا يُهَيِّجُهَا سَبْعٌ وَ لَا تَخَافُهُ... (روایت ۱۴)

۲- وَ تَأْمَنُ النِّسَاءُ مِنْ أَنْفُسِهِنَّ حَتَّى لَوْ أَنَّ امْرَأَةً فِي الْعَرَبِاءِ لَمْ تَخَفْ عَلَى نَفْسِهَا... (روایت ۲۳)

۳- وَ تَخْرُجُ الْفَتَاةُ الْعَاتِقُ وَ الْعَجُوزُ الْعَاقِرُ وَ عَلَى رَأْسِهَا مِكْيَالٌ مِنْ دَقِيقٍ أَوْ بُرٍّ أَوْ سَوِيقٍ وَ تَبْلُغُ حَيْثُ شَاءَتْ مِنَ الْأَرْضِ وَ لَا يَمَسُّهَا نَصَبٌ وَ لَا لُغُوبٌ (روایت ۳۰)

جایی باقی نمی‌ماند، مگر این که امنیت در آن حاکم می‌شود. همچنان که پیشتر از در «امنیت ناموسی» اشاره رفت، زنان حتی در بیابان و مکانهای خطرناک در آرامش هستند. از جمله جاهایی که در معرض ناامنی است، راه‌هاست که به دلیل دور بودن از مدیریت اجتماعی، در معرض انواع خطرات است. به این شاخصه مهم امنیتی نیز در دوران ظهور اشاره شده است. هنگامی که قائم ما قیام کند به عدالت حکم نماید و در روزگارش ستم برطرف شود و راه‌ها امن گردد...^۱ روشن است که امنیت راه‌ها، خود شامل شاخص‌های متعددی از امنیت است. مانند امنیت جانی، مالی، ناموسی و...

امنیت اقتصادی

یکی از سرچشمه‌های مهم مفسد فردی و اجتماعی، طمع و حرص به مال دنیا یا همان ثروت اندوزی است. ثروت اندوزی موجب می‌شود که فرد برای اندوختن بیشتر ثروت دست به هر کاری بزند.

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) تمامی اموال اهل دنیا از درون و برون زمین نزد آن حضرت جمع می‌شود. سپس به مردم گفته می‌شود برای گرفتن آن چه (از مال دنیا که برای به دست آوردن آن) قطع رحم می‌کردید و خون حرام می‌ریختید و مرتکب

۱- إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَ ارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ وَ أُمِنَتْ بِهِ السُّبُلُ...

مخارم می‌شدید بیایید...^۱

در دوران ظهور ریشه تمامی عوامل ناامنی اقتصادی می‌خشکد. زیرا همان گونه که در سرفصلهای متعدد آینده خواهد آمد، ثروت آن چنان فراوان است که نیازمندی باقی نمی‌ماند و از همین رو، چشم حرص، کور می‌گردد.

علاوه بر این، در دوران ظهور از سایر ریشه‌های ناامنی اقتصادی نیز اثری نیست.

هنگامی که طمع از همه جا رخت بر بندد و...، دیگر کسی چشم به مال دیگری نخواهد داشت تا بخواهد برای اموال دیگران خطری به وجود آید.

بر اساس همین نکته است که در دوران ظهور سایه امنیت اقتصادی بر همه جا فراگیر می‌گردد.

امنیت روانی واقعی در جامعه

یکی از مقوله‌های مهم اجتماعی، امنیت روانی یا همان احساس امنیت است.

ایجاد احساس امنیت دو گونه است: یکی این که با شگردها و ترفندهای گوناگونی، احساس امنیت کاذب را در مردم ایجاد نماییم، هر چند در واقع امنیتی در کار نباشد. ساده‌ترین شگرد، بی‌خبر

۱- وَ يَجْتَمِعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ أَهْلِ الدُّنْيَا كُلِّهَا مِنْ بَطْنِ الْأَرْضِ وَ ظَهْرَهَا فَيَقَالُ لِلنَّاسِ تَعَالَوْا إِلَى مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ وَ سَفَكْتُمْ فِيهِ الدَّمَ الْحَرَامَ وَ رَكِبْتُمْ فِيهِ الْمَخَارِمَ... (روایت ۱۶)

گذاشتن مردم از واقعیت‌های اجتماعی است که به احساس امنیت کاذب می‌انجامد.

اما اگر احساس امنیت همراه با واقعیت بود، احساس امنیت واقعی است.

احساس امنیت واقعی در گرو دو چیز است: یکی وجود امنیت واقعی در تمامی ابعاد و دیگری اعتماد مردم به پایداری وضعیت. با توجه به برخی از سرفصل‌های گذشته، روشن شد که در زمان ظهور امام زمان علیه السلام امنیت واقعی در تمامی ابعاد آن گسترده می‌شود.

با ضمیمه شدن رابطه پدر فرزندی که بین امام زمان علیه السلام و رعیت وجود دارد و با توجه به اقتدار واقعی حضرت، فضای اجتماعی، فضایی لبالب از اعتماد به استقرار و پایداری امنیت گسترده است.

در حدیثی این چنین آمده است:

(روزگار ظهور امام زمان علیه السلام آن چنان می‌شود که) پیرزنی ناتوان از (خانه‌اش در) مشرق بیرون آید به طرف مغرب (سفر) کند (آن چنان امنیت اجتماعی بر جامعه حاکم است که همگی به سلامت رسیدن او اطمینان دارند و از این رو) احدی او را از این سفر نهی نمی‌کند.^۱

پیش از این در سرفصل امنیت ناموسی چند روایت در مسافرت

۱- حَتَّى يَخْرُجَ الْعَجُوزُ الضَّعِيفَةُ مِنَ الْمَشْرِقِ تُرِيدُ الْمَغْرِبَ وَ لَا يَنْهَاهَا أَحَدٌ...

جهان در عصر طلایی ظهور / ۲۱

زنان گذشت که نشان از امنیت اجتماعی فوق العاده دارد.

امنیت نظامی

با توجه به امنیت فراگیر در دوران ظهور امام زمان علیه السلام (که توضیح بیشتر آن همچنان خواهد آمد) خود به خود ریشه‌های جنگ خشکانده خواهد شد.

اگر آبادانی‌های مادی و معنوی و... هم ضمیمه شود، جایی برای جنگ باقی نخواهد ماند.

و اگر سایر شاخصه‌های دوران ظهور هم افزوده شود، دیگر جنگ شبه محال خواهد بود.

از این رو امنیت نظامی در دوران ظهور، امری مسلم و تردید ناپذیر خواهد بود.

امنیت اخلاقی (دل‌های بی‌کینه)

یکی از شاخصه‌های امنیت، امنیت اخلاقی است.

روزی که قائم ما قیام کند... کینه از دل‌های بندگان زدوده شود^۱ (در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) کینه و دشمنی مرتفع خواهد شد^۲

مسلمانان کینه و دشمنی خود ریشه بسیاری دیگر از اخلاق ناپسند

۱- وَ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ لَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَ لَذَهَبَتِ

الشَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ... (روایت ۱۴)

۲- و ترفع الشحناء و التباض (روایت ۱۲)

است.

با مرتفع شدن کینه و دشمنی بسیاری دیگر از اخلاق رذیله مرتفع خواهند شد.

آن چه مهم است برطرف شدن کینه و دشمنی، مصداق برجسته امور اخلاقی و از سرآمدان آن است. اما مسلماً مقصود این نیست که بقیه رذائل اخلاقی باقی می‌ماند. همچنان که در سایر روایات به ریشه کن شدن حرص، حسد، طمع و... نیز اشاره شده است.

امنیت از شیاطین (پایان حکومت شیطان)

یکی از شاخص‌های شگفت‌انگیز امنیت در دوران ظهور، امنیت از شیطان است.

ناگفته پیداست که بسیاری از ناامنی‌ها ریشه در وسوسه‌ها و کارهای شیاطین دارد. در نتیجه با ریشه کن شدن تحرکات شیاطین برکات فراوانی به ثمر می‌نشینند.

در این رابطه دو تعبیر در روایات نقل شده است.

تعبیر نخست نفی کارهای شیطانی است. اما تعبیر دوم پیچیده‌تر است. توجه کنید:

و در آن روزگار برای شیطان قدرت وسوسه و انجام کاری (برای تباهی) نیست. همچنین حسد و چیزی از فساد وجود ندارد... و برای ابلیس هیكلی (وجود جسمانی) که در آن ساکن باشد نیست و مقصود از هیكل بدن است...^۱

۱- وَ لَا يَكُونُ لِلشَّيْطَانِ فِيهَا وَسْوَسَةٌ، وَ لَا عَمَلٌ، وَ لَا حَسَدٌ، وَ لَا شَيْءٌ مِنَ الْفَسَادِ...

جهان در عصر طلایی ظهور / ۲۳

احتمال می‌رود که مقصود از روایت این باشد که با کشته شدن شیطان، بدنی برای او در دنیا نمی‌ماند. اما روح او مانند سایر ارواح باقی باشد.

همان گونه که اشاره کردیم با نابودی شیطان یا محدودیت او، ریشه بسیاری از فسادها خشک شده و ناامنی‌ها برچیده خواهد شد.

دوران ظهور و اوج شکوفایی

با پاکسازی همه عوامل مخرب، خواه ناخواه امنیت فراگیر و گسترده تحقق می‌یابد.

پیداست که با صرف مرتفع ساختن موانع کمال، بستر شکوفایی زمین و زمینیان آماده می‌شود.

در دوران ظهور شاهد تحقق همه عوامل رشد و کمال هستیم آن چنان که اوج زیبایی زمین و زمینیان جلوه‌گر می‌شود.

در این مجال با زیبایی‌های دوران ظهور امام زمان علیه السلام آشنا می‌شویم.

پیش از آغاز این بخش، توجه به این نکته بسیار شایسته و بایسته است که ویژگی‌های دوران ظهور، آن چنان شگفت است که ممکن است مورد انکار خردهای خرد قرار گیرد.

ناگفته پیداست که درک مطالب پیچیده، متکی بر اصول اولیه متناسب با آن است. این امر یک قانون عقلی بنیادین و فراگیر در

وَلَا يَكُونُ لِإِبْلِيسَ هَيْكَلٌ يَسْكُنُ فِيهِ - وَ الْهَيْكَلُ الْبَدَنُ (روایت ۴)

همه رشته‌های علوم است.^۱

مثلا حل کردن برخی از معادلات ریاضی، بدون در نظر گرفتن عملیات جمع و تفریق، افسانه می‌نمایاند.

معارف و حیانی نیز از این قانون عقلی مستثنا نیست. لذا با درنگ بر اصول اولیه دین، ساختار دین نیز برهانی می‌گردد.

به عنوان نمونه توصیفی که قرآن از جهان به شکل عمومی و از قبر، قیامت، بهشت، دوزخ و... آورده، کاملا متکی بر اصول موضوعه است.

اگر اساس و بنیادهای عقلانی دین درک شود، تکذیب و ویژگی‌های دوران ظهور نیز، نه با خرد سازگار است و نه با دین. لذا هیچ جایی برای انکار امور یاد باقی نمی‌ماند.

۱- اصول اولیه دارای ثبات و ارزش و اعتبار هستند، و خود به خود (مانند بدیهیات) و یا با استدلال (البته در مجال خودش) متصف به درستی می‌گردند؛ بر خلاف اصول موضوعه که خود به خود متصف به درستی و نادرستی نیستند، مانند تعریف خط و نقطه در هندسه، و عدد در ریاضیات و...

برخی از اصول اولیه دین عبارتند از: ۱- خداوند حقیقی است واقعی و نه ساخته‌ی اندیشه‌ی بشر؛ ۲- و بی‌نیاز مطلق است و احتیاجی به چیزی ندارد؛ ۳- هرگز گرد جهل و نادانی بر دامن کبریايش ننشیند؛ ۴- ظلم، بیهودگی و بازیچه‌گری در او راه ندارد؛ ۵- هدف او از آفرینش، سود ماست و نه سود خود او؛ ۶- دین برنامه‌ای مدون برای رساندن بشر به آن هدف مقدس است؛ ۷- در دوران کنونی، این برنامه‌ی مدون منحصر به اسلام است؛ ۸- اسلام حقیقی توسط پیامبر صلی الله علیه و آله ابلاغ و توسط اهل بیت علیهم السلام تفسیر و توسط امام زمان علیه السلام اجراء می‌شود؛ و ۹- ...

جهان در عصر طلایی ظهور / ۲۵

البته و صد البته باید توجه داشت که اصول اولیه بایسته است که در جای خودش اثبات و برهانی شود که قطعاً انجام شده است.

اوج پرباری آسمان

از مهم‌ترین شاخصه‌های آبادانی، بارندگی است. در دوران ظهور امام زمان علیه السلام آسمان، اوج باروری را خواهد داشت.

روزی که قائم ما قیام کند آسمان باران (رحمت) ببارد...^۱
(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) آسمان چیزی از بارانش را ذخیره نمی‌کند، مگر اینکه خداوند عز و جل آن را فراوان بر مردم فرو ریزد...^۲

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) آسمان بارانش را عطا کند...^۳

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) آسمان برکتش را فرو ریزد...^۴

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) آسمان بر مردم فراوان

۱- وَ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا... (روایت ۱۴)

۲- لَا تَدْخِرُ الْأَرْضُ مِنْ بَذْرِهَا شَيْئاً إِلَّا أَخْرَجَتْهُ وَ السَّمَاءُ مِنْ قَطْرِهَا شَيْئاً إِلَّا صَبَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِمْ مِدْرَاراً... (روایت ۶)

۳- تُعْطِي السَّمَاءُ قَطْرَهَا... (روایت ۷)

۴- وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبْتَهَا وَ تُنْزِلُ السَّمَاءُ بَرَكَتَهَا... (روایت ۱۳)

لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ لَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا... (روایت ۱۴)

ببارد...^۱

روشن است با برکات آسمان، برکات فراوان دیگری هم جاری می‌شود که در ادامه با بعضی از آنها آشنا می‌شویم.

جریان رودها و جوشش چشمه‌ها

از برکات و آثار بارش فراوان باران، جاری شدن رودها و جوشش چشمه‌هاست.

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) رودها به جریان می‌افتد و چشمه‌ها می‌جوشد^۲

جریان رودها و جوشش چشمه‌هاست که آبادانی را در سرتاسر زمین به ارمغان آورد.

اوج باروری گیاهان

یکی از شاخصه‌های آبادانی، سرسبزی و حاصلخیزی زمین است. پیداست که با اوج باروری آسمان، زمین هم سرسبز و حاصلخیز گردد.

اما علاوه بر آن، در دوران ظهور امام زمان علیه السلام قابلیت باروری زمین نیز به اوج خود می‌رسد.

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) زمین گیاهش را (برویاند

۱- يُرْسَلُ السَّمَاءُ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا... (روایت ۱۱)

۲- و تمد الأنهار، و تفيض العيون... (روایت ۱۷)

و) خارج سازد.^۱

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) زمین چیزی از گیاهش را دریغ نکند^۲

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) زمین چیزی از گیاهش را فروگذار نکند مگر آن که برویاند^۳

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) زمین چیزی از محصول بذرش را ذخیره نمی‌کند، مگر این که تمام محصول آن را خارج سازد (و هر بذری به تمام و کمال حاصل می‌دهد)^۴

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) زمین خوراکش را (به مردم) می‌دهد و چیزی از آنها ذخیره نمی‌کند^۵

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) زمین محصولش را دو برابر می‌رویاند^۶

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) درخت میوه‌اش را و زمین

۱- وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا (روایت ۱۳)

وَلَا تُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا (روایت ۱۴)

۲- وَلَا تَدَّخِرُ الْأَرْضُ شَيْئاً مِنْ نَبَاتِهَا... (روایت ۱۱)

۳- وَلَا تَدَّخِرُ الْأَرْضُ شَيْئاً مِنْ نَبَاتِهَا إِلَّا أَخْرَجَتْهُ (روایت ۴۱)

۴- لَا تَدَّخِرُ الْأَرْضُ مِنْ بَذْرِهَا شَيْئاً إِلَّا أَخْرَجَتْهُ وَالسَّمَاءُ مِنْ قَطْرِهَا شَيْئاً إِلَّا صَبَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِمْ مِدْرَاراً (روایت ۶)

۵- يَتَنَعَّمُ فِيهِ أُمَّتِي نِعْمَةً لَمْ يَتَنَعَّمُوا مِثْلَهَا قَطُّ تُؤْتِي الْأَرْضُ أَكْلَهَا وَلَا تَدَّخِرُ مِنْهُمْ شَيْئاً (روایت ۱۰)

۶- وَ تُنْبِتُ الْأَرْضُ ضِعْفَ أَكْلِهَا (روایت ۱۷)

گیاهش را به مردم می‌دهد...^۱

و علاوه بر آن:

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) قطعاً برکت از آسمان به سوی زمین فرود می‌آید، آن چنان که درخت به خاطر فراوانی میوه‌ای که خداوند در آن قرار داده (شاخه‌هایش از سنگینی) می‌شکند و قطعاً میوه زمستانی را در تابستان می‌خورید و میوه تابستانی را در زمستان و این (دوران، مصداق) این گفته خدای عز و جل است که: و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم، ولی تکذیب کردند؛ پس به [کیفر] دستاوردهشان [گریبان] آنان را گرفتیم.^۲

زیبایی زمین

پیداست که بارش باران و جریان رودها و جوشش چشمه‌ها، زمین را آن چنان سرسبز می‌کند که جز بر سبزه پا گذاشته نمی‌شود. اما این تمام مسئله نیست. بلکه هر نازیبایی از زمین رخت بر می‌بندد. از جمله:

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) زمین و درخت خار

۱ - وَالشَّجَرُ ثَمَرَهَا وَالْأَرْضُ نَبَاتَهَا... (روایت ۷)

۲ - لِيُنزِلَنَّ الْبَرَكَاتَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ حَتَّىٰ إِنَّ الشَّجَرَ لَتُقْصَفُ بِمَا يَزِيدُ اللَّهُ فِيهَا مِنَ الثَّمَرَةِ وَ لَتَأْكُلَنَّ ثَمَرَةَ الشِّتَاءِ فِي الصَّيْفِ وَ ثَمَرَةَ الصَّيْفِ فِي الشِّتَاءِ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (روایت ۳۹)

جهان در عصر طلایی ظهور / ۲۹

نرویانند و گیاهان (از طراوت و شادابی پیوسته) ایستاده بمانند...^۱
با حذف نازیبایی‌ها، آراستگی زمین جلوه‌گر می‌گردد.
(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) زمین از آبادانی و
سرسبزی همچون تشت نقره (درخشان و زیبا) شود، گیاهش را
همچون زمانی که آدم علیه السلام (پا بر آن گذاشت) برویانند...^۲
(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) زمین خود را برای اهل
زمین بیاراید^۳

باران طلا از آسمان

یکی از شاخصه‌های مهم توسعه رفاه و آبادانی، ثروت است.
اینک ببینیم ثروت در زمان ظهور امام زمان علیه السلام چگونه
است.

سپس مهدی به کوفه باز می‌گردد و قطعاتی از طلا به شکل ملخ
از آسمان می‌بارد همچنان که در بنی اسرائیل بر ایوب (پیامبر ملخ
طلایی بارید)^۴

۱- وَ لَا تَشُوكُ الْأَرْضُ وَالشَّجَرُ، وَ تَبْقَى زُرُوعُ الْأَرْضِ قَائِمَةً، كُلَّمَا أَخَذَ مِنْهَا شَيْءٌ نَبَتَ مِنْ وَقْتِهِ، وَ عَادَ كَحَالِهِ (روایت ۴)

۲- وَ تَكُونُ الْأَرْضُ كَفَاثُورِ الْفِضَّةِ تَنْبِتُ نَبَاتَهَا كَمَا كَانَتْ عَلَى عَهْدِ آدَمَ... (روایت ۱۲)

۳- وَالشَّجَرُ ثَمَرَهَا وَالْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَ تَتَزَيَّنُّ لِأَهْلِهَا (روایت ۷)

۴- ثُمَّ يَعُودُ الْمَهْدِيُّ عَ إِلَى الْكُوفَةِ وَ تُمْطِرُ السَّمَاءُ بِهَا جَرَادًا مِنْ ذَهَبٍ كَمَا أَمْطَرَهُ اللَّهُ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى أَيُّوبَ (روایت ۲)

آشکار شدن گنج‌ها از دل زمین

یکی از منابع مهم ثروت، دستیابی به گنج‌هاست.
 چون قائم ما قیام کند... زمین گنج‌های خود را آشکار سازد آن
 چنان که مردم در روی زمین گنج‌ها را ببینند...^۱
 (در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) زمین گنج‌هایش را
 برایشان بیرون می‌کند.^۲
 (در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) گنج‌ها برای آن حضرت
 آشکار می‌شود.^۳
 (در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) خداوند گنج‌های زمین را
 برای مؤمنین آشکار می‌کند.^۴
 (در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) زمین گنج‌هایش را آشکار
 سازد.^۵
 (در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) زمین گنج‌هایش را آن
 چنان آشکار می‌کند که مردم آنها را بر روی زمین مشاهده می‌کنند.^۶

۱- وَ تَظْهَرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا حَتَّى يَرَاهَا النَّاسُ عَلَى وَجْهِهَا... (روایت ۱)

۲- تُخْرِجُ لَهُمُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا... (روایت ۷)

و تُخْرِجُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا (روایت ۳۰)

۳- وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ... (روایت ۱۳)

۴- وَ يَظْهَرُ اللَّهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ لِلْمُؤْمِنِينَ (روایت ۲۳)

۵- فَحِينَئِذٍ تَظْهَرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا... (روایت ۲۰)

۶- وَ تَظْهَرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا حَتَّى يَرَاهَا النَّاسُ عَلَى وَجْهِهَا (روایت ۱)

آشکار شدن تمام ثروت زمین

یکی از منابع مهم ثروت دسترسی به معادن زمین است.
(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) خداوند عزوجل گنج ها و معادن زمین را برای آن حضرت آشکار می گرداند...^۱
برخی از روایات به شکل عام از دسترسی به تمامی ثروت های زمین پرده برداشته است.

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام تمامی) اموال دنیا از درون و برون زمین نزد آن حضرت جمع می شود...^۲

اوج صلح و سازش تمامی موجودات

پیش از این گذشت:

(در زمان ظهور امام زمان علیه السلام) درندگان و چرندگان با هم در صلح و صفا زندگی کنند...^۳

۱- وَ يُظْهِرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ وَ مَعَادِنَهَا... (روایت ۲۲)
۲- وَ تُجْمَعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ الدُّنْيَا مِنْ بَطْنِ الْأَرْضِ وَ ظَهْرَهَا فَيَقُولُ لِلنَّاسِ تَعَالَوْا إِلَى مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ وَ سَفَكْتُمْ فِيهِ الدَّمَاءَ الْحَرَامَ وَ رَكِبْتُمْ فِيهِ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَيُعْطِي شَيْئًا لَمْ يُعْطَهُ أَحَدٌ كَانَ قَبْلَهُ (روایت ۱۵)
وَ يَجْتَمِعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ أَهْلِ الدُّنْيَا كُلِّهَا مِنْ بَطْنِ الْأَرْضِ وَ ظَهْرَهَا فَيَقَالُ لِلنَّاسِ تَعَالَوْا إِلَى مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ وَ سَفَكْتُمْ فِيهِ الدَّمَاءَ الْحَرَامَ وَ رَكِبْتُمْ فِيهِ الْمَحَارِمَ (روایت ۱۶)

۳- وَ اصْطَلَحَتِ السَّبَاعُ وَ الْبَهَائِمُ حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ وَ الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى نَبَاتٍ وَ عَلَى رَأْسِهَا زُبَيْلُهَا لَا يُهَيِّجُهَا سَبْعٌ وَ لَا تَخَافُهُ... (روایت ۱۴)

(در زمان ظهور آن چنان امنیت و آرامش حاکم گردد که) حیوانات وحشی و درندگان (در کنار یکدیگر در آسایش) می‌چرند و زندگی می‌کنند و کودکان با آنها بازی نمایند.^۱ اما آن چه بسیار جالب است تعبیر برادری مهربانانه میان دشمنان دیرینه است.

(در زمان ظهور امام زمان علیه السلام) انسان و درندگان و پرندگان و مارها و بقیه جنبندگان در یک مکان اجتماع می‌کنند، بدون این که بعضی از بعضی دیگر وحشت کنند، بلکه این حیوانات، مونس انسان خواهند بود و با او سخن می‌گویند و گرگ و گوسفند از یک آبشخور آب می‌خورند و آن گونه که دو برادر ایمانی از آبشخورشان (با همدیگر و به مهربانی) برمی‌گردند...^۲

(در زمان ظهور امام زمان علیه السلام) گوسفند و گرگ و گاو و شیر و انسان و مار در امان باشند...^۳

پس زمین را از عدل پر می‌کند آن گونه که پیش از این از جور پر شده است، آن چنان که حیوانات وحشی و درندگان (در کنار یکدیگر در آسایش) می‌چرند و زندگی می‌کنند و کودکان با آنها بازی می‌کنند...^۴

۱- حَتَّى تَرعى الْوَحُوشَ وَ السَّبَاعَ وَ تَلعبُ بِهِم الصَّبِيانُ... (روایت ۲۳)

۲- وَ يَجْتَمِعُ الْإِنْسَانُ وَ السَّبْعُ وَ الطَّيْرُ وَ الْحَيَّةُ وَ سَائِرُ مَنْ يَدِبُ فِي بُقْعَةٍ وَاحِدَةٍ فَلَا يُوحِشُ بَعْضُهُمْ بَعْضاً بَلْ يُؤْنِسُهُ وَ نُحَادِثُهُ وَ يَشْرَبُ الذَّنْبُ وَ الشَّاةُ مِنْ مَّوْرِدٍ وَاحِدٍ وَ يَصْدُرَانِ كَمَا يَصْدُرُ الرَّجُلَانِ الْمُتَوَاحِيانِ فِي اللَّهِ مِنْ وَرْدِهِمْ... (روایت ۳۰)

۳- حَتَّى يَأْمَنَ الشَّاةُ وَ الذَّنْبُ وَ الْبَقْرَةُ وَ الْأَسَدُ وَ الْإِنْسَانُ وَ الْحَيَّةُ (روایت ۳۴)

۴- فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدلاً كَمَا مَلَأَتْ جُوراً حَتَّى تَرعى الْوَحُوشَ وَ السَّبَاعَ وَ تَلعبُ بِهِم

تسویه همه دیون و رد مظالم عباد

یکی از برکات جالب دوران ظهور امام زمان علیه السلام، تسویه امور مالی است. جالب تر این که این امر نخستین کاری است که امام زمان انجام می دهد.

توجه کنید:

مفضل پرسید ای آقای من اگر کسی از شیعیان شما بمیرد و به برادران شیعه اش یا مخالفینش بدهکار باشد چه می شود؟ امام صادق علیه السلام فرمود نخستین کاری که مهدی آغاز می کند این است که در همه جهان اعلام عمومی می شود (ای مردم) آگاه باشید که هر کس طلبی از شیعه ای دارد باید اعلام کند. (سپس طلبکاران به آن حضرت مراجعه می کنند و حضرت طلب آنان را پرداخت می کند) حتی طلب (آن قدر اندک باشد که به اندازه) دانه سیر یا دانه خردل باشد به صاحبش رد می شود، چه برسد به کیسه های بزرگ پر از طلا و املاک (بزرگ، هر چه باشد) حضرت آن را پرداخت خواهد کرد.^۱

الصبيان... (روایت ۲۳)

۱- ثُمَّ يَعُودُ الْمَهْدِيُّ ع إِلَى الْكُوفَةِ وَ تُمْطِرُ السَّمَاءُ بِهَا جَرَادًا مِنْ ذَهَبٍ كَمَا أَمْطَرَهُ اللَّهُ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى أَيُّوبَ وَ يَقْسِمُ عَلَى أَصْحَابِهِ كُنُوزَ الْأَرْضِ مِنْ تِبْرِهَا وَ لُجَيْنِهَا وَ جَوْهَرِهَا قَالَ الْمُفْضَلُ يَا مَوْلَايَ مَنْ مَاتَ مِنْ شِيعَتِكُمْ وَ عَلَيْهِ دَيْنٌ لِإِخْوَانِهِ وَ لِأَضْدَادِهِ كَيْفَ يَكُونُ قَالَ الصَّادِقُ ع أَوَّلُ مَا يَبْتَدِئُ الْمَهْدِيُّ ع أَنْ يُنَادِيَ فِي جَمِيعِ الْعَالَمِ أَلَا مَنْ لَهُ عِنْدَ أَحَدٍ مِنْ شِيعَتِنَا دَيْنٌ فَلْيَذْكُرْهُ حَتَّى يَرُدَّ الثُّومَةَ وَ الْخَرْدَلَةَ فَضَلًّا عَنِ الْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْأَمْلاكِ فَيُوقِيَهُ إِيَّاهُ (روایت ۲)

قائم علیه السلام رو به کوفه آورد، و منزلش در کوفه باشد و هیچ غلام مسلمانی را رها نمی‌کند مگر این که آن را بخرد و آزاد کند و هیچ مقروضی را رها نمی‌کند مگر این که قرضش را اداء نماید و هیچ مظلومه‌ای از احدی از مردم را رها نمی‌کند مگر این که آن را به صاحبش برگرداند و بنده‌ای از مردم را نمی‌کشد مگر این که دیه او را به اهلیش بدهد و کسی کشته نمی‌شود مگر این که قرضش را اداء نماید و خانواده‌اش را در فهرست عطای (بیت المال) جا دهد، تا این که زمین پر از قسط و عدل گردد، بدان سان که پیش از آن پر از ظلم و جور و عدوان شده بود.^۱

تقسیمی مضاعف

دو نمونه‌ی دیگر از تقسیمی و توزیع ثروت در دوران ظهور امام زمان علیه السلام:

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) مردی از ما اهل بیت در هر سال دوبار عطاء می‌دهد و هر ماه دوبار سهمیه روزی می‌دهد^۲
(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) حضرت در سال دو مرتبه

۱- ثُمَّ يَقْبَلُ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَكُونُ مَنْزِلُهُ بِهَا فَلَا يَتْرُكُ عَبْدًا مُسْلِمًا إِلَّا اشْتَرَاهُ وَ أَعْتَقَهُ وَ لَا غَارِمًا إِلَّا قَضَى دَيْنَهُ وَ لَا مَظْلَمَةً لِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَدَّهَا وَ لَا يَقْتُلُ مِنْهُمْ عَبْدًا إِلَّا أَدَّى ثَمَنَهُ دِيَّةً مُسَلَّمَةً إِلَى أَهْلِهِ وَ لَا يَقْتُلُ قَتِيلًا إِلَّا قَضَى عَنْهُ دَيْنَهُ وَ أَلْحَقَ عِيَالَهُ فِي الْعَطَاءِ حَتَّى يَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا وَ عُذْوَانًا.
(روایت ۳۳)

۲- فَيُعْطِيكُمْ فِي السَّنَةِ عَطَاءَيْنِ وَ يَرْزُقُكُمْ فِي الشَّهْرِ رِزْقَيْنِ... (روایت ۸)

به مردم عطا خواهد کرد و در ماه دو بار روزی آنها را خواهد داد.^۱

سخاوت بی‌پایان

باروری ثروت در درجه نخست به منابع ثروت بستگی دارد. در مطالب پیشین به برخی از منابع ثروت در زمان ظهور امام زمان علیه السلام اشاره کردیم.

در باروری ثروت علاوه بر منابع ثروت، توزیع ثروت نیز بر آن تأثیر می‌گذارد.

از ویژگی‌هایی که در دروان ظهور امام زمان علیه السلام که به بیانهای گوناگون بر آن تأکید بسیار شده، توزیع ثروت عادلانه است، اما تقسیمی بدون حد و مرز.

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) حضرت گنجهای طلا و نقره و جواهر زمین را، بر اصحابش تقسیم می‌کند...^۲

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) حضرت در میان مردم با حقوق برابر رفتار خواهد کرد (و مردم بدان پایه از توانگری می‌رسند) که نیازمند زکات نمی‌یابی...^۳

آن زمان که قائم ما اهل بیت قیام نماید، (بیت المال را) به تساوی

۱- وَ عَنْهُ عِ إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ... وَ يُعْطَى النَّاسَ عَطَايَا مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ وَ يَرْزُقُهُمْ فِي الشَّهْرِ رِزْقَيْنِ (روایت ۱۶)

۲- وَ يَقْسِمُ عَلَى أَصْحَابِهِ كُنُوزَ الْأَرْضِ مِنْ تِبْرِهَا وَ لُجَيْنِهَا وَ جَوْهَرِهَا (روایت ۲)

۳- وَ يُسَوِّي بَيْنَ النَّاسِ حَتَّى لَا تَرَى مُحْتَاجاً إِلَى الزَّكَاةِ... (روایت ۱۶)

قسمت کند و در میان رعیت عدالت ورزد ...^۱

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: (در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) حضرت اموال را «صحاح» (درست) تقسیم می‌کند. از حضرت پرسیده شد تقسیم «صحاح» (درست) چیست؟ فرمود: فرمود به تساوی میان مردم تقسیم می‌کند.^۲

این توضیح لازم است که تقسیم درست دارائی میان مردم، تقسیم بر اساس حقوق برابر است. اما این امر الزاما به معنی تساوی عددی در همه حالات نیست. چرا که اساس، بر تقسیم درست و عادلانه است و تقسیم با حقوق برابر از مصادیق تقسیم درست است.

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) حضرت گنجهای زمین را از طلا و نقره و جواهر، بر اصحابش تقسیم می‌کند.^۳ نمونه‌ای دیگر از توزیع ثروت در دوران ظهور امام زمان علیه السلام:

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) مردی به سوی حضرت می‌آید و می‌گوید ای مهدی عطا کن، حضرت آن چنان (اموال را) برایش در دامانش می‌پاشد که نمی‌تواند آن را حمل کند^۴ دارائی و ثروت در (دوران ظهور امام زمان علیه السلام) آن چنان

۱- إِذَا قَامَ قَائِمُ أَهْلِ الْبَيْتِ قَسَمَ بِالسَّوِيَّةِ وَ عَدَلَ فِي الرَّعِيَّةِ ... (روایت ۱۵)

۲- يَقْسِمُ الْمَالَ صِحَاحًا فَقَالَ رَجُلٌ مَا صِحَاحًا قَالَ بِالسَّوِيَّةِ بَيْنَ النَّاسِ (روایت ۵)

۳- وَ يَقْسِمُ عَلَى أَصْحَابِهِ كُنُوزَ الْأَرْضِ مِنْ تِبْرِهَا وَ لُجَيْنِهَا وَ جَوْهَرِهَا (روایت ۲)

۴- فَيَجِيءُ إِلَيْهِ الرَّجُلُ فَيَقُولُ يَا مَهْدِيُّ أَعْطِنِي قَالَ فَيَحْتَبِي لَهُ فِي ثَوْبِهِ مَا اسْتَطَاعَ

أَنْ يَحْمِلَهُ. (روایت ۹)

جهان در عصر طلایی ظهور / ۳۷

فراوان است که) روی هم انباشته و خرمن شده است (آن چنان که) مردی برمی‌خیزد و می‌گوید ای مهدی عطا نما، حضرت می‌فرماید (خود هر چه می‌خواهی) بردار.^۱

هنگامی که قائم اهل بیت قیام کند... به مردم بخششی می‌کند که هیچ کس پیش از آن چنین بخششی نکرده است...^۲

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) تمام اموال دنیا از دل زمین و روی زمین، نزد او جمع می‌شود، پس به مردم می‌گوید بیایید به سوی آن چه (مالی که به خاطر آن) قطع رحم می‌کردید و خون حرام می‌ریختید و آن چه خداوند عز و جل حرام کرده بود مرتکب می‌شدید، پس بخششی می‌کند که هیچ کس پیش از او نبخشیده بود...^۳

نعمت بی سابقه

فراوانی و سرشاری ثروت در دوران ظهور امام زمان علیه السلام، بدان پایه است که تا آن دوران سابقه نداشته است.

پیامبر صلی الله علیه و آله: امت من در دوران مهدی آن چنان

۱- الْمَالُ يَوْمَئِذٍ كُدُوسٌ يَقُومُ الرَّجُلُ فَيَقُولُ يَا مَهْدِيُّ اعْطِنِي فَيَقُولُ خُذْ. (روایت ۱۰)

۲- فَيُعْطِي عَطَاءً لَمْ يُعْطِهِ أَحَدٌ قَبْلَهُ. (روایت ۱۶)

۳- وَ تُجْمَعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ الدُّنْيَا مِنْ بَطْنِ الْأَرْضِ وَ ظَهْرَهَا فَيَقُولُ لِلنَّاسِ تَعَالَوْا إِلَيَّ مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ وَ سَفَكْتُمْ فِيهِ الدِّمَاءَ الْحَرَامَ وَ رَكِبْتُمْ فِيهِ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَيُعْطِي شَيْئاً لَمْ يُعْطَهُ أَحَدٌ كَانَ قَبْلَهُ (روایت ۱۵)

غرق نعمت می‌شوند که چنین نعمتی هرگز سابقه نداشته است^۱
 پیامبر صلی الله علیه و آله: در دوران امام زمان، امت من، چه
 خوبان و چه بدان، آن چنان نعمت می‌یابند که هرگز پیش از آن
 متنعم نشده‌اند.^۲

نابودی فقر

نتیجه فراوانی منابع ثروت و توزیع عادلانه و کریمانه آن در دوران
 ظهور امام زمان علیه السلام، ثروتمندی و بی‌نیازی همگان است و در
 یک کلمه فقر نابود می‌گردد.

چون قائم ما قیام کند... مردی از شما به دنبال کسی می‌گردد تا
 با مال خود به او احسان کند و او زکاتش را بپذیرد، اما هیچ کس را
 نیابد که آن را از او بپذیرد، مردم به واسطه آنچه خداوند از فضلش به
 آن‌ها روزی کرده بی‌نیاز شوند^۳

هنگامی که قائم ظهور کند... (مردم بدان پایه از توانگری
 می‌رسند) که نیازمند زکات، نمی‌یابی و زکات داران زکاتشان را نزد
 شیعیان (به ظاهر) نیازمند می‌آورند ولی (آنان به خاطر بی‌نیازی)
 نمی‌پذیرند، پس مال زکات را در کیسه می‌کنند و میان خانه‌های
 مردم می‌چرخانند و به آنان عرضه می‌کنند، اما آنان می‌گویند نیازی

۱- يَتَنَعَّمُ فِيهِ أُمَّتِي نِعْمَةً لَمْ يَتَنَعَّمُوا مِثْلَهَا قَطُّ (روایت ۱۰)

۲- يَتَنَعَّمُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ نَعِيمًا لَمْ يَتَنَعَّمُوا مِثْلَهُ قَطُّ الْبَرُّ وَالْفَاجِرُ (روایت ۱۱)

۳- وَ يَطْلُبُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مَنْ يَصِلُهُ بِمَالِهِ وَ يَأْخُذُ مِنْهُ زَكَاتَهُ فَلَا يَجِدُ أَحَدًا يَقْبَلُ مِنْهُ

ذَلِكَ اسْتَغْنَى النَّاسُ بِمَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ (روایت ۱)

به اموال شما نداریم^۱

به قدرت الهی (در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) تمامی مؤمنان بی‌نیاز می‌شوند^۲

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام هیچ) مردی از شما جایی برای صدقه دادن و احسان پیدا نمی‌کند زیرا توانگری همه مؤمنان را فراگرفته است^۳

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام از زیادی ثروتمندی مردم) صدقه ترک می‌شود^۴

امام صادق علیه السلام: با یکدیگر صلح رحم کنید و به همدیگر نیکوکاری و مهربانی نمایید پس سوگند به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید البته که زمانی بر شما خواهد آمد که هیچ کدام از شما موردی برای درهم و دینارش پیدا نمی‌کند. به دلیل این که همه مردمان به فضل خدا و فضل ولی خدا بی‌نیاز شده‌اند.^۵

۱- حَتَّىٰ لَا تَرَىٰ مُحْتَاجًا إِلَىٰ الزَّكَاةِ وَ يَجِيءُ أَصْحَابُ الزَّكَاةِ بِزَكَاتِهِمْ إِلَىٰ الْمَحَاوِجِ مِنْ شِيعَتِهِ فَلَا يَقْبَلُونَهَا فَيَصْرُوهَا وَ يَدُورُونَ فِي دُورِهِمْ فَيَخْرُجُونَ إِلَيْهِمْ فَيَقُولُونَ لَا حَاجَةَ لَنَا فِي دَرَاهِمِكُمْ (روایت ۱۶)

۲- وَ يَسْتغْنَىٰ كُلُّ مُؤْمِنٍ فَقِيرٍ بِقَدْرَةِ اللَّهِ (روایت ۲۳)

۳- فَلَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعًا لِمَوْضِعِهِ وَ لَا لِبِرِّهِ لِسُمْوَلِ الْغِنَىٰ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ (روایت ۲۰)

۴- يترك الصدقة (روایت ۱۲)

۵- تَوَاصَلُوا وَ تَبَارَوْا وَ تَرَاحَمُوا فَوَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ لِيَأْتِيَنَّ عَلَيْكُمْ وَقْتُ لَا يَجِدُ أَحَدُكُمْ لِدِينَارِهِ وَ دِرْهَمِهِ مَوْضِعًا يَعْنِي لَا يَجِدُ عِنْدَ ظُهُورِ الْقَائِمِ ع مَوْضِعًا يَصْرِفُهُ فِيهِ لِاسْتِغْنَاءِ النَّاسِ جَمِيعًا بِفَضْلِ اللَّهِ وَ فَضْلِ وِلِيِّهِ (روایت ۲۴)

نظام حمایتی مؤثر

یکی از ویژگی‌های جالب دوران ظهور حمایت از کسانی است که سرپرست خود را از دست داده‌اند. کسی کشته نمی‌شود مگر این که قرضش را اداء نماید و خانواده‌اش را در فهرست عطای (بیت المال) جا دهد...^۱

رودهای شگفت انگیز

رودخانه‌های دوران ظهور همچون رودخانه‌های بهشت شگفت انگیز است.

رودهای زمین با آب و شیر و عسل و شراب جریان پیدا می‌کند، بدون این که بلائی و هلاک کننده‌ای (در آنها) باشد...^۲

تغذیه شگفت انگیز

یکی از شگفتی‌های دوران ظهور امام زمان علیه السلام، کیفیت تغذیه در آن زمان است.

در روایات به گوشه‌ای از این مسئله این چنین اشاره رفته است: هنگامی که قائم ما قیام کند مؤمن پرنده‌ای را در آسمان (می‌بیند و به خوردن آن میل پیدا می‌کند) فرو می‌خواند که پرنده فرود آید،

۱- لَا يُقْتَلُ قَتِيلٌ إِلَّا قَضَىٰ عَنْهُ دَيْنَهُ وَ أَلْحَقَ عِيَالَهُ فِي الْعَطَاءِ.... (روایت ۳۳)

۲- فَإِذَا صَفَتْ جَرَتْ أَنْهَارُهَا بِالْمَاءِ وَاللَّبَنِ وَالْعَسَلِ وَالْخَمْرِ بغيرِ بَلَاءٍ وَ لَا غَائِلَةٍ

(روایت ۳۰)

جهان در عصر طلایی ظهور / ۴۱

(بعد از فرود) آن را ذبح می‌کند و بریان می‌کند و گوشتش را می‌خورد و لکن استخوانش را نمی‌شکند، سپس بدان می‌گوید به اذن خدا زنده شو. او زنده می‌شود و پرواز می‌کند و همچنین آهو (نیز چنین است به محض اشتهای مؤمن، نزد او آمده و پس از ذبح و بریان شدن و خوردن، دوباره زنده شده و به بیابان می‌رود).^۱

پیش از این گذشت:

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) زمین از آبادانی و سرسیزی همچون تشت نقره (درخشان و زیبا) شود، گیاهش را همچون زمانی که آدم علیه السلام (پا بر آن گذاشت) برویاند (و آن چنان باروری آن فراوان شود که) حتی اگر گروهی با همدیگر بر (خوردن) یک خیار و (یا) یک انار اجتماع کنند، همگی سیر شوند.^۲

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) یک دانه گندم آن چنان رشد می‌کند که به اندازه بار یک شتر می‌گردد...^۳

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) زمین و درخت خار نرویاند و گیاهان (از طراوت و شادابی پیوسته) برافراشته بمانند و هر چه از آنها گرفته شود (و مصرف گردد) بلافاصله جایش برآید و به

۱- اسْتَنْزَلَ الْمُؤْمِنُ الطَّيْرَ مِنَ الْهَوَاءِ، فَيَذْبَحُهُ، فَيَشْوِيهِ، وَ يَأْكُلُ لَحْمَهُ، وَ لَا يَكْسِرُ عَظْمَهُ، ثُمَّ يَقُولُ لَهُ: اِحْيِ بِإِذْنِ اللَّهِ، فَيَحْيَا وَ يَطِيرُ؛ وَ كَذَلِكَ الظُّبَاءُ مِنَ الصَّحَارِي (روایت ۴)

۲- وَ تَكُونُ الْأَرْضُ كَفَاثُورِ الْفِضَّةِ تَنْبِتُ نَبَاتَهَا كَمَا كَانَتْ عَلَى عَهْدِ آدَمَ، يَجْتَمِعُ النَّفَرُ عَلَى الْقَتَاءِ فَتَشْبِعُهُمْ، وَ يَجْتَمِعُ النَّفَرُ عَلَى الرَّمَّانَةِ فَتَشْبِعُهُمْ (روایت ۱۲)

۳- وَ تَعْظُمُ الْبُرَّةُ حَتَّى تَصِيرَ حِمْلَ بَعِيرٍ (روایت ۳۰)

پوشاک شگفت انگیز

یکی از شگفتی‌های دوران ظهور امام زمان علیه السلام، کیفیت پوشاک در آن زمان است.

در روایات به گوشه‌ای از این مسئله این چنین اشاره رفته است:
(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) شخص لباسی که می‌پوشد هر اندازه که قدش بلند شود، لباس نیز بلند گردد و هر رنگی که بخواهد لباسش به آن رنگ درآید.^۲

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) و به راستی که مرد لباسی بر فرزندش می‌پوشاند پس هر چه فرزندش بزرگ شود لباس نیز بر تن او بزرگ می‌گردد و به هر رنگی که دوست داشته باشد و بخواهد در می‌آید.^۳

یکی از ویژگی‌های شگفت این است که لباس هیچ گاه چرک و کثیف نمی‌شود.

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) مؤمن از... شستن لباسهایش... بی‌نیاز می‌گردد...^۴

۱- وَ لَا تَشُوكُ الْأَرْضُ وَالشَّجَرُ، وَ تَبْقَى زُرُوعُ الْأَرْضِ قَائِمَةً، كُلَّمَا أَخَذَ مِنْهَا شَيْءٌ نَبَتَ مِنْ وَقْتِهِ، وَ عَادَ كَحَالِهِ (روایت ۴)

۲- يَكْسُوهُ الثَّوْبُ فَيَطُولُ عَلَيْهِ كُلَّمَا طَالَ، وَ يَتَلَوَّنُ عَلَيْهِ أَيَّ لَوْنٍ شَاءَ... (روایت ۳)

۳- وَ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَكْسُو ابْنَهُ الثَّوْبَ فَيَطُولُ مَعَهُ كُلَّمَا طَالَ، وَ يَتَلَوَّنُ عَلَيْهِ أَيَّ لَوْنٍ أَحَبَّ وَ شَاءَ... (روایت ۴)

۴- وَ يَسْتَغْنِي الْمُؤْمِنُ عَنْ قَصِّ شَعْرِهِ وَ تَقْلِيمِ أَظْفَرِهِ وَ غَسْلِ أَثْوَابِهِ وَ عَنْ حَمَامٍ...

شهرسازی سالم

بشر موجودی اجتماعی است. لازمه اجتماعی بودن زندگی کردن در کنار یکدیگر است. این چنین است که شهرها به وجود می‌آید. مدیریت شهری بسیار پیچیده، گسترده و متنوع است.

بزرگ‌ترین و سالم‌ترین اجتماع بشری نیز در دوران ظهور رقم می‌خورد. بنا بر این مدیریت شهری در دوران ظهور هم خود داستان مفصلی دارد.

گوشه‌ی بسیار کوچکی از مدیریت شهری در دوران ظهور را ببینید:

هنگامی که قائم قیام کند... هیچ مسجدی که دارای سازه مشرف و برجسته باشد را در زمین باقی نگذارد مگر این که (بخش مشرف و مرتفع را خراب کرده و آن را) صاف نماید و راه اصلی را توسعه دهد و تمامی پیش آمدگی‌های ساختمانها را که از فضای راه استفاده کرده، از بین می‌برد...^۱

مدیریت ازدحام جمعیت

یکی از ویژگی‌های دوران امام زمان مدیریت تراکم جمعیتی است.

(روایت ۳۰)

۱- إِذَا قَامَ الْقَائِمُ سَارَ إِلَى الْكُوفَةِ فَهَدَمَ بِهَا أَرْبَعَةَ مَسَاجِدَ وَ لَمْ يَبْقَ مَسْجِدٌ عَلَى الْأَرْضِ لَهُ شَرْفٌ إِلَّا هَدَمَهَا وَ جَعَلَهَا جَمَاءً وَ وَسَّعَ الطَّرِيقَ الْأَعْظَمَ وَ كَسَرَ كُلَّ جَنَاحٍ خَارِجٍ عَنِ الطَّرِيقِ وَ أَبْطَلَ الْكُنْفَ وَ الْمَيَازِبَ إِلَى الطَّرِيقَاتِ... (روایت ۱۸)

به یکی از موارد مدیریت ازدحام توجه کنید:
 نخستین عدالتی که قائم علیه السلام آشکار می‌کند این است که
 منادی از جانب ایشان ندا می‌دهد کسی که حج مستحب دارد، مکان
 حجر الاسود و طواف را به کسی که حج واجب دارد واگذار کند.^۱
 پیداست که این آغاز عدالت است و این عدالت همچنان در
 مدیریت جمعیت و سایر حوزه‌ها ادامه پیدا خواهد کرد آن چنان که
 تمامی زمین از عدالت پر گردد.

آزادی همه بردگان

در دوران ظهور امام زمان علیه السلام پرونده بردگی کاملاً
 مختومه می‌گردد.
 توضیح این که بردگی، حاصل اسیر گرفتن در جنگ‌هاست،
 پیداست که با لبالب شدن عدالت و فراگیر شدن اسلام کامل، موردی
 برای جنگ باقی نمی‌ماند. در نتیجه شاهد اسیر جدید نخواهیم بود.
 پرونده اسارت اسرای حاصل از جنگ‌های پیشین نیز با آزادی آنها
 برای همیشه بسته می‌شود و دیگر اسیری وجود نخواهد داشت.
 سپس رو به کوفه آورد و منزلش در کوفه باشد و هیچ غلام
 مسلمانی را رها نمی‌کند مگر این که آن را بخرد و آزاد کند...^۲

۱- أَوَّلُ مَا يُظْهِرُ الْقَائِمُ مِنَ الْعَدْلِ أَنْ يُنَادِيَ مُنَادِيَهُ أَنْ يُسَلِّمَ صَاحِبُ الثَّأْفَلَةِ لِصَاحِبِ

الْفَرِيضَةِ - الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ وَالطَّوَّافَ. (روایت ۳۲)

۲- ثُمَّ يَقْبَلُ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَكُونُ مَنْزِلُهُ بِهَا فَلَا يَتْرُكُ عَبْدًا مُسْلِمًا إِلَّا اشْتَرَاهُ وَ

أَعْتَقَهُ... (روایت ۳۳)

اوج طول عمر (امید به زندگی)

ناگفته پیداست که شاخصه‌های دوران ظهور امام زمان علیه السلام که تا کنون به آن اشاره کردیم، تنها بخش کوچکی از واقعیت آن زمان است.

اما همین اندازه برای ارایه ناقصی از ابعاد گسترده امنیت و باروری و طراوت و... کافی است.

فضای یاد شده خود آثار متعدد و گسترده‌ای دارد و برکات فراوانی را به دنبال دارد. از جمله آنها عمر طولانی است. توجه کنید:

مرد در زمان ظهور امام زمان علیه السلام هزار سال عمر می‌کند...^۱

اوج باروری نسل

یکی از شاخصه‌های مهم سلامت اجتماعی، تناسل و توالد است. پیش از این گذشت:

آدمی در زمان ظهور امام زمان علیه السلام هزار سال عمر می‌کند و در هر سالی پسری برایش متولد می‌شود...^۲
و علاوه بر آن چه گذشت:

۱- وَ عَاشَ الرَّجُلُ فِي زَمَانِهِ أَلْفَ سَنَةٍ، يُوَلِّدُ لَهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ غُلَامًا، لَا يُوَلِّدُ لَهُ جَارِيَةً (روایت ۳)

۲- وَ عَاشَ الرَّجُلُ فِي زَمَانِهِ أَلْفَ سَنَةٍ، يُوَلِّدُ لَهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ غُلَامًا، لَا يُوَلِّدُ لَهُ جَارِيَةً (روایت ۳)

در زمان سلطنت امام زمان علیه السلام انسان آن چنان عمر طولانی کند که هزار پسر برای او متولد شود^۱
(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) مؤمن از دنیا نمی‌رود مگر این که از نسلش هزار پسر مؤمن موحد با تقوا ببیند.^۲

بدن شگفت انگیز

در دوران ظهور، ویژگی‌های بدن نیز شگفت انگیز است. توجه کنید:
(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) مؤمن از کوتاه کردن مو و ناخن و شستن لباسهایش و حمام رفتن بی‌نیاز می‌شود...^۳

اوج شنوایی و بینایی

انسان توانایی‌های جسمی و روحی متنوعی دارد.
از مهم‌ترین توانایی‌های جسمی، بینایی و شنوایی است.
آن زمان که قائم ما قیام کند، خداوند چنان توانی به گوش‌ها و دیدگان آنان می‌دهد که میان آنها و قائم علیه السلام پیام‌رسانی نخواهد بود، (چرا که در هر کجا که باشند مستقیماً) قائم علیه السلام

-
- ۱- وَ يُعَمَّرُ الرَّجُلُ فِي مُلْكِهِ حَتَّى يُوَلِّدَ لَهُ أَلْفَ ذَكَرٍ لَّا يُوَلِّدُ فِيهِمْ أَنْثَى (روایت ۱)
 - ۲- وَ لَّا يَخْرُجُ الْمُؤْمِنُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَرَى مِنْ صُلْبِهِ أَلْفَ وَادٍ ذَكَرٍ مُؤْمِنٍ مُوَحَّدٍ تَقِيٍّ. (روایت ۳۰)
 - ۳- وَ يَسْتَغْنَى الْمُؤْمِنُ عَنْ قَصِّ شَعْرِهِ وَ تَقْلِيمِ أَظْفَرِهِ وَ غَسْلِ أَثْوَابِهِ وَ عَنْ حَمَامٍ... (روایت ۳۰)

جهان در عصر طلایی ظهور / ۴۷

با آنها صحبت می‌کند و آنان هم صدای او را می‌شنوند و او را می‌بینند، انگار که آنجا هستند.^۱

به راستی که مؤمن در زمان قائم علیه السلام از مشرق (زمین) برادرش را که در مغرب است می‌بیند و همچنین مؤمنی که در مغرب است برادرش را که در مشرق است می‌بیند.^۲

اوج توانایی‌های جسمی

پیش از این از توانایی شگفت انگیز بینایی و شنوایی در دوران ظهور سخن به میان آمد.

اما توانایی‌های شگفت انگیز دوران ظهور منحصر به شنوایی و بینایی نیست.

آن زمان که قائم ما قیام نماید خداوند عزوجل... توانایی هر مردی از شیعیان ما را به اندازه چهل مرد قرار می‌دهد.^۳

شیعیان ما در دولت قائم علیه السلام بزرگان زمین و حاکمان آن هستند. به هر مردی از آنان نیروی چهل مرد عطا می‌شود.^۴

۱- *إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ لَشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ حَتَّىٰ لَّا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ يُكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ.* (روایت ۴۲)

۲- *سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَ هُوَ بِالْمَشْرِقِ لَيَرَىٰ أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ وَ كَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَىٰ أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَشْرِقِ.* (روایت ۴۳)

۳- *إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ وَ جَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ وَ جَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا* (روایت ۲۱)

۴- *يُعْطَىٰ كُلُّ رَجُلٍ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا.* (روایت ۴۴)

اوج شادمانی

در لابلای این نوشتار به بخشهای کوچکی از واقعیت دوران ظهور امام زمان علیه السلام اشاره کردیم. گفتیم همین اشارات کوتاه و ناقص کافی است تا روشن شود که برکات آن دوران بسیار فراوان تر از آن است که ما تصور کنیم. یکی از این برکات شادمانی است. چرا که امنیت همه جانبه و فراگیر از یک طرف، باروری و طراوت فراگیر هم از سوی دیگر دست به دست یکدیگر داده، مجالی برای غم و غصه باقی نمی ماند. همچنین گذشت که برکات دوران ظهور منحصر به زندگی انسانها نیست، بلکه شامل حیوانات هم می شود. شادمانی عصر او نیز فراگیر است و علاوه بر انسانها، حیوانات نیز شادمان هستند.

توجه کنید:

در هنگام ظهور امام زمان علیه السلام (شادمانی منحصر به انسانها نیست، بلکه) پرندگان در لانه هایشان و ماهی ها در دریا هایشان شادمان خواهند شد.^۱

پر شدن قلبها از غنی

احساس فقر، غیر از فقر واقعی است. (همان گونه که احساس

۱- فَعِنْدَ ذَلِكَ تُفْرِحُ الطُّيُورُ فِي أَوْكَارِهَا وَ الْحَيْتَانِ فِي بَحَارِهَا... (روایت ۱۷) در ریاض الابرار به جای تُفْرِحُ الطُّيُورُ...، تفرح الطيور... آمده است. ترجمه متن نوشتار نیز بر اساس نسخه ریاض الابرار است.

امنیت، غیر از امنیت واقعی است.)

اگر فقر و کمبودی هم واقعا وجود نداشته باشد، اما احساس فقر زندگی را بر آدمی تباه می‌سازد و مفسد فراوانی به دنبال می‌آورد. اما اگر احساس غنا باشد، علاوه بر آسایش فوق العاده، ریشه بسیاری از مفسد نیز خشکانده خواهد شد.

از احساس غنا با تعبیرات مختلفی همچون قناعت یا غنای روحی و... یاد می‌شود.

یکی از ویژگی‌های دوران ظهور، احساس غنا و بی‌نیاز روحی است. حال اگر غنای روحی به ثروت واقعی هم ضمیمه شود، چه آسایشی را به دنبال خواهد داشت.

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) خداوند دل‌های امت محمد صلی الله علیه و آله را از بی‌نیازی پر می‌کند و عدل مهدی علیه السلام همه مردم را فرامی‌گیرد تا جایی که مهدی علیه السلام فرمان می‌دهد منادی جار زند چه کسی به مالی نیاز دارد؟ حضرت در ادامه فرمود پس از میان مردم به جز یک نفر بر نمی‌خیزد و آن یک نفر می‌گوید من نیاز دارم پس به او گفته می‌شود نزد خزانه‌دار برو و به او بگو به راستی که مهدی به تو فرمان می‌دهد مالی به من بدهی. خزانه‌دار می‌گوید بگیر و مال را به او می‌دهد وقتی مال به دست آن فرد می‌رسد، پشیمان می‌شود و با خودش می‌گوید (آیا) از جهت نفسانی من حریص‌ترین فرد امت محمد بودم یا این که از آن چه به دیگران رسیده به من کمتر رسیده؟! سپس از پشیمانی مال را برمی‌گرداند، اما از او پس گرفته نمی‌شود و به او گفته می‌شود چیزی

که بخشیدیم باز پس نمی‌گیریم.^۱

اوج توانایی‌های روحی

مهم‌تر از توانایی‌های جسمی، توانایی‌های روحی است. در دوران امام زمان علیه السلام توانایی روحی نیز شگفت است.

آن زمان که قائم ما قیام نماید خداوند عزوجل... دل‌های آن‌ها را (شیعیان) همچون قطعه‌های آهن محکم سازد...^۲

اما آن زمان که امر ظهور ما اتفاق افتد و مهدی ما خارج شود هر یک از شیعیان ما جسورتر از شیر و برنده‌تر از نیزه خواهد بود، با قدمش پا بر دشمن ما می‌گذارد و با دو دستش (بدون نیاز به اسلحه) او را می‌کشد.^۳

به راستی که خداوند ترس را از دل‌های شیعیان ما می‌کند و در دل‌های دشمنان ما می‌نشاند پس یکی از شیعیان ما برنده‌تر از نیزه و جسورتر از شیر است، دشمنش را با نیزه‌اش زخمی می‌کند و با

۱- وَ يَمَلَأُ اللَّهُ قُلُوبَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَ غِنَى وَ يَسَعُهُمْ عَدْلُهُ حَتَّى يَأْمُرَ مُنَادِيًا يُنَادِي يَقُولُ مَنْ لَهُ فِي الْمَالِ حَاجَةٌ فَمَا يَقُومُ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَجُلٌ وَاحِدٌ فَيَقُولُ أَنَا فَيَقُولُ أَتَيْتَ السَّدَانَ يَعْنِي الْخَازِنَ فَقُلْ لَهُ إِنَّ الْمَهْدِيَّ يَأْمُرُكَ أَنْ تُعْطِيَنِي مَالًا فَيَقُولُ لَهُ احْتُ حَتَّى إِذَا جَعَلَهُ فِي حَجْرِهِ وَ أُبْرَزَهُ نَدِمَ فَيَقُولُ كُنْتُ أَجْشَعَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ نَفْسًا أُعْجَزَ عَمَّا وَسَعَهُمْ فِيرُدُّهُ وَ لَا يَقْبَلُ مِنْهُ فَيَقَالُ لَهُ إِنَّا لَا نَأْخُذُ شَيْئًا أُعْطِينَاهُ (روایت ۵)

۲- وَ جَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبُرِ الْحَدِيدِ (روایت ۲۱)

۳- قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَ الْقِيَّ الرَّعْبُ فِي قُلُوبِ شِيعَتِنَا مِنْ عَدُوِّنَا فَإِذَا وَقَعَ أَمْرُنَا وَ خَرَجَ مَهْدِيَّنَا كَانَ أَحَدُهُمْ أَجْرَى مِنَ اللَّيْثِ وَ أَمْضَى مِنَ السَّنَانِ يَطَأُ عَدُوَّنَا بِقَدَمَيْهِ وَ يَقْتُلُهُ بِكَفَيْهِ. (روایت ۴۵)

شمشیرش می‌زند و با پایش لگد مال می‌کند.^۱

شکوفایی ایمان و اخلاق (اوج یک رنگی)

در دوران ظهور امام زمان علیه السلام دانش و خرد شکوفا و بارور می‌گردد و به اوج خود می‌رسد.

و در نتیجه آن، ایمان و اخلاق و سایر کمالات، تعالی یافته و به اوج می‌رسد.

در این روایت یک نمونه از نقصان خرد و آثار آن بیان شده است: امام باقر علیه السلام از یکی از اصحابش پرسید آیا (شما به این کمال رسیده‌اید که) یکی از شما نزد برادر (دینی‌اش) بیاید و دست در جیب او کرده و آن چه نیاز دارد بردارد و برادرش (اعتراضی نکند) و او را از این کار باز ندارد؟! به حضرت پاسخ دادم که من چنین چیزی را در میان خودمان نمی‌شناسم. حضرت فرمود پس اگر چنین است چیزی (از کمال در شما) نیست. به حضرت عرض کردم پس هلاکت و نابودی (نصیب ما) است. حضرت فرمود به راستی که مردم تا کنون (آن چنان که باید و شاید) خرده‌هایشان عطا نشده است.^۲

۱- إِنَّ اللَّهَ نَزَعَ الْخَوْفَ مِنْ قُلُوبِ شِيعَتِنَا وَ أَسْكَنَهُ قُلُوبَ أَعْدَائِنَا فَوَاحِدُهُمْ أَمْضَى مِنْ سِنَانٍ وَ أَجْرَى مِنْ لَيْثٍ يَطْعَنُ عَدُوَّهُ بِرُمْحِهِ وَ يَضْرِبُهُ بِسَيْفِهِ وَ يَدُوسُهُ بِقَدَمِهِ. (روایت ۵۲)

۲- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: أَ يَجِيءُ أَحَدَكُمْ إِلَى أَخِيهِ فَيَدْخُلُ يَدَهُ فِي كَيْسِهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ فَلَا يَدْفَعُهُ فَقُلْتُ مَا أَعْرِفُ ذَلِكَ فِينَا قَالَ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ فَلَا شَيْءَ إِذَا قُلْتُ فَأَلْهَكَةُ إِذَا قَالَ إِنَّ الْقَوْمَ لَمْ يُعْطُوا أَحْلَامَهُمْ بَعْدُ. (روایت ۵۱)

اینک به این روایت درباره دوران ظهور توجه نمایید:

زید زراد می‌گوید به امام صادق عرض کردم می‌ترسیم که مؤمن نباشیم. حضرت فرمود چرا؟ گفتم به دلیل این که در میان خودمان کسی را نمی‌یابیم که برادر (مؤمنش) نزد او عزیزتر از درهم و دینارش باشد. و می‌یابیم که دینار و درهم نزد ما مهم‌تر از برادری است که ولایت امیرالمؤمنین، ما و او را (در یک گروه) گرد آورده است. حضرت فرمود هرگز چنین نیست، واقعا شما مؤمن هستید و لکن ایمان شما کامل نشده است، تا این که قائم ما خروج کند در آن هنگام خداوند خردهای شما را کامل می‌سازد پس (در نتیجه) مؤمن کامل خواهید شد.^۱

مسلمانان چه در این روایات از آن به عنوان مؤمن کامل یاد شده، مصداق منحصر نیست. با باروری خردها در دوران ظهور امام زمان علیه السلام، تمامی مظاهر ایمان و اخلاق بارور خواهد شد. با توجه به کمال عقل و کمال ایمان در دوران ظهور، شاهد اوج رفاقت و یک رنگی کامل هستیم.

آن زمان که قائم قیام نماید (آنگاه) یک رنگی می‌آید، آن چنان که مردی دست در جیب برادرش می‌کند و به مقدار نیاز از آن بر می‌دارد

۱- زید الزراد، قال: قلتُ لأبي عبد الله ع نخشى أن لا نكون مؤمنين قال و لم ذاك فقلتُ و ذلك أنا لا نجدُ فينا من يكون أخوه عنده أثر من درهمه و دیناره و نجدُ الدینار و الدرهم أثر عندنا من أخ قد جمع بيننا و بينه موالاة أمير المؤمنين ع قال كلاً إنكم مؤمنون و لكن لا تكملون إيمانكم حتى يخرج قائمنا فعندها يجمع الله أحمالكم فتكونون مؤمنين كاملين... (روایت ۴۷)

و برادرش او را منع نمی‌کند.^۱

علم به تمام لغات

یکی از ویژگی‌های دوران ظهور، عالم شدن به همه لغات، حتی زبان حیوان است.

(در دوران امام زمان علیه السلام) معنی زبان هر صاحب سخنی از بشر و چهارپا و پرنده و گزنده و جنبده آشکار می‌شود و (سپس) همه زبانها نابود می‌شود و جز زبان عربی باقی نمی‌ماند...^۲

اوج آگاهی

یکی از شاخصه‌های مهم دوران ظهور اوج آگاهی در زمینه‌های گوناگون است.

به دو نمونه از این آگاهی‌ها توجه کنید:

در دوران امام زمان حکمت به شما ارزانی می‌شود (و همه از آن بهره می‌برند آن چنان که) حتی زن در خانه‌اش مطابق کتاب خدای تعالی و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله حکم می‌کند.^۳

۱- حَتَّىٰ إِذْ قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتِ الْمُزَامِلَةُ وَ يَأْتِي الرَّجُلُ إِلَىٰ كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ لَا يَمْنَعُهُ. (روایت ۴۶)

۲- وَ يُفْصَحُ عَنْ كُلِّ ذِي نُطْقٍ مِنَ الْبَشَرِ وَ الدَّوَابِّ وَ الطَّيْرِ وَ الْهَوَامِّ وَ الدَّبِيبِ وَ تُفْقَدُ جَمِيعُ اللُّغَاتِ وَ لَمْ يَبْقَ إِلَّا اللُّغَةُ الْعَرَبِيَّةُ بِإِفْصَاحِ لِسَانِ وَاحِدٍ (روایت ۳۰)

۳- تَوْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّىٰ إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَىٰ وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ص (روایت ۸)

این چنین است که (در دوران امام زمان علیه السلام) خداوند به خاطر کرامت شیعیان، هدیه‌ای (آگاهی) به آنان می‌بخشد که چیزی در زمین و درون زمین از آنان پوشیده نخواهد بود. آن چنان که اگر مردی از آنان اراده کند بداند خانواده‌اش چه می‌کنند، خواهد دانست، و به خانواده‌اش اطلاع خواهد داد که نسبت به کارهای آنان آگاهی می‌یابد.^۱

سرازیر شدن همه‌ی دانش‌ها

یکی از ویژگی‌های شگفت عصر ظهور که درک آن دشوار است پخش شدن همه دانش در میان مردم است.

علم بیست و هفت حرف است. تمامی آن چه پیامبران آورده‌اند دو حرف علم است و مردم تا کنون به غیر دو حرف، نمی‌شناسند. آن زمان که قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را آشکار سازد و آنها را در میان مردم منتشر می‌کند و دو حرف (پیشین) را به آن ضمیمه نماید تا تمام آن بیست و هفت حرف را منتشر نماید.^۲

۱- ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ لِيَهَبُ لِشِيعَتِنَا كَرَامَةً - لَا يَخْفَى عَلَيْهِمْ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَ مَا كَانَ فِيهَا حَتَّىٰ إِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ يُرِيدُ أَنْ يَعْلَمَ عِلْمَ أَهْلِ بَيْتِهِ فَيُخْبِرُهُمْ بِعِلْمِ مَا يَعْمَلُونَ (روایت ۳۹)

۲- الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَ عِشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّىٰ الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَ الْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَيَّنَّهَا فِي النَّاسِ وَ ضَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّىٰ يَبَيَّنَّهَا سَبْعَةً وَ عِشْرِينَ حَرْفًا. (روایت ۵۳)

عدم نیاز به آموزش

با «اوج آگاهی» و «سرازیر شدن همه‌ی دانش‌ها» در دوران ظهور آشنا شدیم.

اما نکته مهم در دانشمند شدن مؤمنین این است که دانش با عنایت خدا به دلها راه پیدا می‌کند و نه با آموزش.
توجه کنید:

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) دانش در دل‌های مؤمنان افکنده می‌شود. از این رو مؤمن به آموزش و دریافت دانشی که نزد برادر (مؤمن)ش هست، نیاز ندارد. در این روز تأویل این آیه (محقق می‌شود که) خداوند از (رحمت) و اسعه خودش (آن چنان می‌دهد که) همگی را بی نیاز می‌کند.^۱

اوج شکوفایی خردها

دوران ظهور امام زمان علیه السلام، ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که در اندیشه ما نمی‌گنجد. همچنان که بهشت آن چنان والاست که در قلب هیچ بشر دنیایی خطور نمی‌کند.
یکی از علل این که دوران ظهور، همچون بهشت، در اندیشه بشری نمی‌گنجد، این است که ریشه و اساس آن ویژگی‌ها، شناخته نشده است.

۱- يُقَدِّفُ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ الْعِلْمَ فَلَا يَخْتَاجُ مُؤْمِنٌ إِلَى مَا عِنْدَ أَخِيهِ مِنْ عِلْمٍ فَيَوْمئِذٍ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ يُغْنِي اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ (روایت ۷)

مهمترین عامل و مؤلفه ترقی فردی و اجتماعی دوران ظهور، رشد خرد و بلوغ عقلانی است.

البته به دلیل این که حقیقت خود عقل ناشناخته است، درک تمامی آثار آن نیز کار آسانی نیست.

پیش از این یکی از آثار رشد خرد ذکر شد:

ایمان شما کامل نمی‌شود تا این که قائم ما خروج کند پس در آن هنگام خداوند درک شما را جمع (و متمرکز و کامل) می‌کند، پس از آن شما مؤمن کامل می‌گردید.^۱

قوت خرد و تکمیل عقلها، ریشه‌ی همه کمالات است. این مهم یکی از دستاوردهای ریشه‌ای ظهور امام زمان علیه السلام است:

امام باقر علیه السلام فرمود: هنگامی که قائم ما قیام کند دستش را بر سر بندگان قرار می‌دهد و خداوند به واسطه آن، عقول آنها را جمع می‌کند و درکها را کامل می‌نماید...^۲

هنگامی که قائم ما قیام کند دستش را بر روی سر بندگان قرار می‌دهد و به (برکت) دست آن حضرت، عقول آنها را جمع می‌کند و درک آنها را کامل می‌نماید.^۳

در برخی از روایات به جای واژه «احلامکم» واژه «اخلاقکم» آمده

۱- کَلَّا إِنَّكُمْ مُؤْمِنُونَ وَ لَكِنَّ لَّا تُكْمِلُونَ إِيمَانَكُمْ حَتَّىٰ يَخْرُجَ قَائِمُنَا فَعِنْدَهَا يَجْمَعُ اللَّهُ أَحْلَامَكُمْ فَتَكُونُونَ مُؤْمِنِينَ كَامِلِينَ... (روایت ۴۷)

۲- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَىٰ رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ اللَّهُ بِهِ عُقُولَهُمْ وَ أَكْمَلَ بِهِ أَحْلَامَهُمْ. (روایت ۴۸)

۳- عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ قَالَ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَىٰ رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهَا أَحْلَامَهُمْ. (روایت ۵۰)

است.

هنگامی که قائم ما قیام کند دستش را بر روی سر بندگان قرار می‌دهد و به (برکت) دست آن حضرت، عقول آن‌ها را تجمیع (و کامل) می‌کند و اخلاق آن‌ها را کامل می‌نماید.^۱

در این روایت ممکن است «اخلاق» نسخه بدل «احلام» باشد. اما احتمال این هم می‌رود که در این روایت تکمیل اخلاق به عنوان یکی از آثار تکمیل خرد، مطرح شده باشد.

دست خدا بر سر رعیت امام زمان

از شگفتی‌های دوران ظهور امام زمان علیه السلام رشد عقول و علوم است. در برخی از روایات اشاره به ریشه این امر آمده است:

آن زمان که مشیت الهی درباره (ظهور قائم علیه السلام) تحقق یابد، خروج می‌کند. پس مردم از تعجب می‌گویند این چه امری بود که اتفاق افتاد؟ و خداوند به خاطر قائم علیه السلام دستی بر سر شهروندان او می‌گذارد.^۲

پیداست که همه معصومین علیهم السلام، دست خدا (ید الله) هستند، اما پیش از ظهور امام زمان علیه السلام دچار موانع دشمنان هستند. با ظهور حضرت همه موانع برطرف می‌گردد و به برکت دست امام زمان علیه السلام، رشد علمی و عقلی رقم می‌خورد.

۱- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا
عُقُولَهُمْ وَأَكْمَلَ بِهَا أَخْلَاقَهُمْ. (روایت ۴۹)

۲- وَ يَضَعُ اللَّهُ لَهُ يَدًا عَلَى رَأْسِ رَعِيَّتِهِ. (روایت ۶۴)

پرواز در آسمان و حرکت بر روی آب

از توانایی‌های فوق العاده انسان در دوران ظهور حرکت در فضا و بر روی آب دریاهاست.

و پیامبر صلی الله علیه و آله به مهدی علیه السلام می‌گوید که همراه با فرشتگان و مؤمنان خالص جنی و انسی و همراه نقیبانت که انتخاب شده‌اند و همراه هر کسی که صدای تو را شنید و خدا را فرمان برد، حرکت کن پس سوارانت را در هوا بتازان که آنان همچنان که در زمین می‌دوند در هوا نیز حرکت می‌کنند و همچنین سوارانت را بر روی آب در دریاها و سرزمین‌ها بتازان، پس آنان با اسبهایشان (در دریاها) می‌دوند، ولی پایشان تر نمی‌گردد و سوارانت همراه پرندگان پرواز می‌کنند و از هر چیز پیشی می‌گیرند...^۱

حضور فرشتگان در میان مردم

یکی از شاخصه‌های دوران ظهور امام زمان علیه السلام، نقش فرشتگان در زندگی انسان است.

نقش فرشتگان در دوران ظهور بسیار متنوع و گسترده است. در ادامه با برخی از آنها آشنا می‌شویم.

حضور فرشتگان در میان مردم، به شکلهای مختلفی در روایات

۱- وَ يَقُولُ لِلْمَهْدِيِّ سِرُّ بِالْمَلَائِكَةِ وَ خُلَصَاءِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ نُقَبَائِكَ الْمُخْتَارِينَ وَ مَنْ سَمِعَ وَ أَطَاعَ اللَّهَ لَنَا فَأَحْمِلْ خَيْلَكَ فِي الْهَوَاءِ فَإِنَّهَا تَرْكُضُ كَمَا تَرْكُضُ عَلَى الْأَرْضِ وَ أَحْمِلْهَا عَلَى وَجْهِ الْمَاءِ فِي الْبَحَارِ وَ الْأَمْصَارِ فَإِنَّهَا تَرْكُضُ بِحَوَافِرِهَا عَلَيْهِ فَلَا يُبَلُّ لَهَا حَافِرٌ وَ إِنَّهَا تَسِيرُ مَعَ الطَّيْرِ وَ تَسْبِقُ كُلَّ شَيْءٍ (روایت ۲۹)

بیان شده است. توجه کنید:

زمانی که قائم قیام کند خداوند به فرشتگان فرمان دهد تا آنها بر مؤمنان سلام کنند و در مجالسشان با آنها همنشین گردند^۱ (در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) مؤمنان با فرشتگان مصافحه می‌کنند و به مؤمنان وحی می‌شود^۲ مفضل گفت ای آقای من آیا فرشتگان و جنیان برای مردم آشکار می‌شوند؟ حضرت فرمود بله، سوگند به خدا ای مفضل، و مردم با فرشتگان و جنیان سخن خواهند گفت همچنان که انسان با اطرافیان و بستگانش سخن می‌گوید. گفتم ای آقای من آیا فرشتگان و جنیان با او حرکت (و همراهی) می‌کنند؟ فرمود بله، سوگند به خدا ای مفضل، مطمئناً در سرزمین هجرت که میان کوفه و نجف است فرود می‌آیند (و ساکن می‌گردند)...^۳

سفر با ابر و پرواز با فرشتگان

یکی از شاخصه‌های دوران ظهور امام زمان علیه السلام، سفر با ابر

۱- إِذَا قَامَ الْقَائِمُ، يَأْمُرُ اللَّهُ الْمَلَائِكَةَ بِالسَّلَامِ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ، وَالْجُلُوسِ مَعَهُمْ فِي مَجَالِسِهِمْ (روایت ۲۵)

۲- وَيُصَافِحُ الْمُؤْمِنُونَ الْمَلَائِكَةَ، وَيُوحَى إِلَيْهِمْ (روایت ۴)

۳- قَالَ الْمُفْضَلُ يَا سَيِّدِي وَ تَظْهَرُ الْمَلَائِكَةُ وَالْجِنُّ لِلنَّاسِ قَالَ إِي وَ اللَّهُ يَا مُفْضَلُ وَ يُخَاطِبُونَهُمْ كَمَا يَكُونُ الرَّجُلُ مَعَ حَاشِيَتِهِ وَ أَهْلِهِ قُلْتُ يَا سَيِّدِي وَ يَسِيرُونَ مَعَهُ قَالَ إِي وَ اللَّهُ يَا مُفْضَلُ وَ لَيَنْزِلَنَّ أَرْضَ الْهَجْرَةِ مَا بَيْنَ الْكُوفَةِ وَ النَّجْفِ وَ عَدَدُ أَصْحَابِهِ عَ حِينَئِذٍ سِتَّةٌ وَ أَرْبَعُونَ أَلْفًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ سِتَّةٌ أَلْفٌ مِنَ الْجِنِّ وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى وَ مِثْلَهَا مِنَ الْجِنِّ بِهِمْ يَنْصُرُهُ اللَّهُ وَ يَفْتَحُ عَلَى يَدَيْهِ (روایت ۲۸)

و پرواز با فرشتگان و همراهی با آنان و... است.

پیش از این گذشت که:

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) برخی از مؤمنان در ابرها سیر می‌کنند و برخی از آنها با فرشتگان پرواز می‌کنند و برخی با فرشتگان راه می‌روند^۱

در ادامه روایت به خدمت ترابری فرشتگان اشاره می‌شود. توجه کنید:

زمانی که قائم قیام کند... هر گاه یکی از مؤمنان نیازی پیدا کند قائم برخی از فرشتگان را برای آوردنش می‌فرستد آن فرشته نیز مؤمن را برداشته تا نزد قائم بیاورد پس قائم خواسته‌اش را برآورده می‌سازد و فرشته او را باز گرداند. برخی از مؤمنان در ابرها سیر می‌کنند و برخی از آنها با فرشتگان پرواز می‌کنند و برخی با فرشتگان راه می‌روند...^۲

ربودن گوی سبقت از فرشتگان

اقتضای آفرینش الهی برتری نوع آدمی بر فرشتگان است. اما این

۱- وَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ يَسِيرُ فِي السَّحَابِ، وَ مِنْهُمْ مَنْ يَطِيرُ مَعَ الْمَلَائِكَةِ، وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي مَعَ الْمَلَائِكَةِ مَشْيًا (روایت ۲۵)

۲- إِذَا قَامَ الْقَائِمُ، يَأْمُرُ اللَّهُ الْمَلَائِكَةَ بِالسَّلَامِ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ، وَ الْجُلُوسِ مَعَهُمْ فِي مَجَالِسِهِمْ، فَإِذَا أَرَادَ وَاحِدٌ حَاجَةً أَرْسَلَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْضِ الْمَلَائِكَةِ أَنْ يَحْمِلَهُ، فَيَحْمِلُهُ الْمَلِكُ حَتَّى يَأْتِيَ الْقَائِمَ، فَيَقْضِي حَاجَتَهُ، ثُمَّ يَرُدُّهُ. وَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ يَسِيرُ فِي السَّحَابِ، وَ مِنْهُمْ مَنْ يَطِيرُ مَعَ الْمَلَائِكَةِ، وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي مَعَ الْمَلَائِكَةِ مَشْيًا... (روایت ۲۵)

جهان در عصر طلایی ظهور / ۶۱

اقتضا به دلیل آلودگی برخی از انسانها به گناه تا مرز پست‌تر از چهارپایان تنزل می‌یابند.

یکی از شاخصه‌های دوران ظهور امام زمان علیه السلام این است که برتری ذاتی انسان بر فرشتگان از مرحله اقتضا به فعلیت رسیده و تحقق می‌یابد.

این چنین است که امام معصوم می‌فرماید:

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) برخی از مؤمنان از فرشتگان سبقت گرفته و پیش می‌افتند^۱

مرجعیت و قضاوت مؤمن بر فرشتگان

پیش از این از همنشینی فرشتگان با انسان و خدمت فرشتگان به انسان و نیز برتری انسان از فرشتگان سخن گفتیم.

اما اینک یک شاخصه مهم دیگر مرجعیت مؤمن برای حل اختلاف فرشتگان و قضاوت میان آنهاست. توجه کنید:

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) فرشتگان نزد برخی از مؤمنان برای رفع اختلاف می‌آیند و مؤمن نزد خدا عزیزتر از فرشتگان است و قائم علیه السلام برخی از مؤمنان را میان صدهزار فرشته قاضی قرار می‌دهد.^۲

۱- وَ مِنْهُمْ مَنْ يَسْبِقُ الْمَلَائِكَةَ (روایت ۲۵)

۲- وَ مِنْهُمْ مَنْ تَتَحَاكَمُ الْمَلَائِكَةُ إِلَيْهِ؛ وَ الْمُؤْمِنُونَ أَكْرَمُ عَلَى اللَّهِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ؛ وَ مِنْهُمْ مَنْ يُصِيرُهُ الْقَائِمُ قَاضِيًا بَيْنَ مِائَةِ أَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ (روایت ۲۵)

دوران ظهور و عدالت حقیقی و واقعی (حکم داودی)
 عدالت در جهان معاصر از طریق اجرای قانون تجلی می‌یابد.
 یکی از چالش‌های اساسی اجرای عدالت، عادلانه بودن خود قانون است.

اسلام کامل، عدالت ممکن را (تأکید می‌شود عدالت ممکن را) از طریق مجموعه قوانین، در مرحله ظاهر تأمین و تضمین کرده است.
 چالش دوم اجرای عدالت، در رابطه با ساختار اجرای عدالت است.
 شرایط قضاوت با همه سخت‌گیری‌ها و حتی با وجود عدالت قاضی، متضمن عصمت نیست. از این رو پیوسته خطاهای ناخواسته‌ی ناشی از خطای قاضی محتمل است.

همچنین در مواردی که شاکی فاقد مستندات کافی است و نیاز به شهود و قسم پیدا می‌شود، خطا محتمل است.

زیرا در این گونه موارد، هر چند یکی از اساسی‌ترین شرایط شهود، عدالت است، اما عدالت، هیچ‌گاه مستلزم عصمت و موجب خطاپذیری شهود و قسم خورنده نیست. چرا که علاوه بر خطاهای ناخواسته‌ی شهود، چه بسا شهود دچار لغزش گردند و به ناحق شهادت دهند و....

از این رو عدالت واقعی، علاوه بر قانون عادلانه و حاکم عادل و مجری عادل، همچنان با خلأ اساسی روبروست.

از آن جایی که در دوران پیش از ظهور، بستر عدالت در مرحله واقع فراهم نیست، اسلام بر اساس ضرورت، این خلأ را پذیرفته و به همان عدالت در مرحله ظاهر بسنده کرده است.

جهان در عصر طلایی ظهور / ۶۳

اما در دوران ظهور بستر عدالت در مرحله واقع نیز فراهم می‌گردد و ویژگی‌های دوران ظهور، شرایط الزامی تحقق عدالت واقعی را تأمین و تضمین می‌کند.

بر همین اساس پای حکم داودی برای مرتفع ساختن این خلأ در دوران ظهور به میان آمده است.

حکم داودی نمادی است که ریشه در تاریخ حکومت داود پیامبر و نیز امیرالمؤمنین علیه السلام دارد.

با صرف نظر از جنبه‌های تاریخی آن، حکم داودی عبارت است از حکمی که در آن از شاهد و قسم استفاده نمی‌شود. بلکه در صورت فقدان مستندات کافی، با علم واقعی، حقیقت قضایا آشکار می‌شود.

با توجه به علم بی‌پایان امام و نیز عصمتی که از آن علم متولد می‌شود، دیگر هیچ‌گاه امکان خطا در رسیدن حق به حقدار نمی‌رود.

هر چند تاریخ بشریت به تعداد انگشت شماری، این ویژگی قضاوت را تجربه کرده است، اما دوران ظهور، این ویژگی قضاوت، فراگیر و گسترده می‌گردد، تا آن‌جا که در هیچ حکمی، ناخواسته حق حقدار را پایمال نمی‌کند.

به برخی از احادیث در این باره توجه کنید:

چون قائم آل محمد علیهم السلام قیام نماید بحکم داود میان مردم حکم کند، نیازمند به گواه نباشد، خدای تعالی به او الهام فرماید و او از روی علم خود داوری کند و هر قومی را به آن چه که پنهان کرده‌اند خبر می‌دهد...^۱

۱- إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ لَنَا يَحْتَاجُ إِلَى

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: دنیا تمام نمی شود تا این که مردی از (نسل) من خروج کند که به حکم آل داود حکم می کند و (از همین رو در تشخیص حق) از شاهی نمی پرسد (بلکه) به هر کسی حکم (واقعی) خودش را عطا می کند.^۱

هنگامی که قائم آل محمد قیام کند به حکم داود و سلیمان حکم می کند از مردم شاهی نمی طلبد.^۲

آن زمان که قائم ما قیام کند... میان مردم به حکم داودی و حکم محمدی حکم نماید.^۳

آن زمان که قائم آل محمد علیهم السلام قیام نماید، میان مردم به حکم داود قضاوت کند نیازی به بیّنه ندارد خداوند تعالی به او الهام نماید پس او به علم خودش حکم نماید.^۴

همان گونه که اشاره شد حکم داودی پیشینه‌ی تاریخی دارد. از تاریخ داود پیامبر که بگذریم، رد پای آن را در قضاوت‌های امیرالمؤمنین علیه السلام نیز می‌یابیم.

تاریخ، قضاوت‌هایی از امیرالمؤمنین علیه السلام را ثبت کرده است

بَيِّنَةٌ يُلْهِمُهُ اللَّهُ تَعَالَى فَيَحْكُمُ بِعِلْمِهِ وَ يُخْبِرُ كُلَّ قَوْمٍ بِمَا اسْتَبْطَنُوهُ... (روایت ۵۹)
 ۱- لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ نَسَبِي رَجُلٌ يَحْكُمُ بِحُكْمَةِ آلِ دَاوُدَ وَ لَا يَسْأَلُ
 عَنْ بَيِّنَةٍ يُعْطَى كُلَّ نَفْسٍ حُكْمَهَا. (روایت ۶۰)

۲- عَنْهُ ع قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ حَكَمَ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ لَا يَسْأَلُ النَّاسَ
 بَيِّنَةً. (روایت ۶۱)

۳- وَ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ حُكْمِ مُحَمَّدٍ ص (روایت ۲۰)

۴- إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ لَا
 يَحْتَاجُ إِلَى بَيِّنَةٍ يُلْهِمُهُ اللَّهُ تَعَالَى فَيَحْكُمُ بِعِلْمِهِ. (روایت ۵۸)

جهان در عصر طلایی ظهور / ۶۵

که حضرت در عین رعایت همه موازین قضاوت (از بینه و شهود و قسم)، با به کار بردن شگردهایی، واقع را کشف کرده و مطابق عدالت در مرحله واقع حکم نموده است.

به سخنی دیگر حضرت میان رعایت موازین قضاوت که متکفل عدالت در مرحله ظاهر است و نیز عدالت واقعی، جمع کرده است.

بر همین اساس در قضاوت‌های محدودی که از معصومین علیهم السلام سر زده است، یک مورد پیدا نمی‌شود که حکم آنها، تنها مطابق عدالت ظاهری و در تضاد با عدالت در مرحله واقع بوده است.

اما به تصریح روایات در دوران ظهور دیگر نیازی به رعایت عدالت در مرحله ظاهر وجود ندارد، بلکه به علم الهی امام، برای اجرای عدالت واقعی بسنده می‌شود.

در منابع وحی از این امر با تعبیر حکم داودی یاد شده است. چرا که در حکم داودی هیچ گاه احتمال خطا نمی‌رود.

حکومت فرازمینی

یکی از مسائل جالبی که در روایات اشاره شده، آبادانی آسمانها و کرات دیگر است. به این معنا که حیات منحصر به کره خاکی نیست، بلکه در سایر کرات نیز حیات جریان دارد.

به برخی از این روایات توجه کنید:

این ستارگانی که در آسمان است، شهرهایی هستند همانند شهرهای زمین...^۱

۱- هَذِهِ التُّجُومُ الَّتِي فِي السَّمَاءِ مَدَائِنٌ مِثْلُ الْمَدَائِنِ الَّتِي فِي الْأَرْضِ... (روایت ۵۴)

هفت آسمان، هیچ آسمانی نیست مگر این که در آن مخلوقاتی وجود دارد و میان هر آسمانی با آسمان دیگر (نیز) مخلوقاتی وجود دارد، تا این که به آسمان هفتم برسد. پرسیدم زمین (نیز این چنین است)؟ فرمود زمین نیز هفت تاست، در پنج تایی آنها آفریدگانی از آفریدگان پروردگار وجود دارد و دو تایی آنها هواء (و خالی) است در آن دو چیزی نیست.^۱

یکی از ویژگی‌های امام زمان علیه السلام بهرمنندی از اسبابی است که امکان بالا رفتن در آسمانهای هفتگانه را فراهم می‌آورد. امام باقر علیه السلام فرمود: آگاه باشید که ذوالقرنین در انتخاب یکی از دو (نوع) ابر آزاد گذاشته شد. پس او ابر رام را برگزید و ابر دشوار (و سخت و نیرومند) برای صاحب شما (امام زمان علیه السلام) ذخیره شده است. از امام پرسیدم ابر دشوار چیست؟ ابرهایی که در آن رعد و برق و صاعقه است. پس صاحب شما بر آن سوار خواهد شد. آگاه باشید که به راستی که او به زودی بر ابر سوار خواهد شد و در اسباب، اسباب آسمانهای هفتگانه بالا خواهد رفت که پنج آسمان آن آباد و دو آسمان آن متروکه است.^۲

۱- سَبْعُ سَمَاوَاتٍ لَيْسَ مِنْهَا سَمَاءٌ إِلَّا وَفِيهَا خَلْقٌ وَبَيْنَهَا وَبَيْنَ الْأُخْرَى خَلْقٌ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى السَّابِعَةِ قُلْتُ وَالْأَرْضُ قَالَ سَبْعٌ مِنْهُنَّ خَمْسٌ فِيهِنَّ خَلْقٌ مِنْ خَلْقِ الرَّبِّ وَاثْنَتَانِ هَوَاءٌ لَيْسَ فِيهِمَا شَيْءٌ. (روایت ۵۵)

۲- أَمَا إِنَّ ذَا الْقَرْنَيْنِ قَدْ خَيْرَ السَّحَابِينَ فَاخْتَارَ الدَّلُولَ وَذَخَرَ لِصَاحِبِكُمُ الصَّعْبَ قُلْتُ وَمَا الصَّعْبُ قَالَ مَا كَانَ مِنْ سَحَابٍ فِيهِ رَعْدٌ وَبَرْقٌ وَصَاعِقَةٌ فَصَاحِبِكُمْ يَرْكَبُهُ أَمَا إِنَّهُ سَيَرْكَبُ السَّحَابَ وَيَرْقَى فِي الْأَسْبَابِ أَسْبَابِ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ خَمْسَةَ عَوَامِرٍ وَاثْنَيْنِ [اثْنَانِ] خَرَابٍ. (روایت ۵۶)

جهان در عصر طلایی ظهور / ۶۷

و صد البته که زمین را به وسیله آخرین فرد از آل محمد، از دشمنانم پاک خواهم ساخت و او را مالک تمام شرق و غرب زمین خواهد ساخت و بادهای را مسخر او خواهم ساخت و ابرهای دشوار را رام او خواهم ساخت و او را در اسباب بالا خواهم برد و او را با سربازانم پیروز خواهم ساخت و با فرشتگانم مدد خواهم کرد تا این که دعوت من آشکار گردد و تمامی خلایق (اعتقاد به) وحدانیت من مجتمع شوند. سپس فرمانروایی او را ادامه خواهم داد و روزگاران را تا روز قیامت میان اولیائهم دست به دست خواهم کرد.^۱

پیش از این نیز گذشت که:

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) فرشتگان نزد برخی از مؤمنان برای رفع اختلاف می‌آیند و مؤمن بر خدا عزیزتر از فرشتگان است و قائم برخی از مؤمنان را میان صدهزار فرشته قاضی قرار می‌دهد.^۲

امور یاد شده این احتمال را تقویت می‌کند که حکومت امام زمان در دوران ظهور محدود به کره خاکی نبوده و حکومتی فرازمینی برقرار خواهد شد.

۱- وَ لَأُطَهِّرَنَّ الْأَرْضَ بِآخِرِهِمْ مِنْ أَعْدَائِي وَ لَأَمْلِكُنَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا وَ لَأَسْحَرَنَّ لَهُ الرِّيحَ وَ لَأَذَلَّنَّ لَهُ السَّحَابَ الصَّعَابَ وَ لَأَرْقِيَنَّهُ فِي الْأَسْبَابِ وَ لَأَنْصُرُهُ بِجُنْدِي وَ لَأَمِدُّهُ بِمَلَائِكَتِي حَتَّى يُعْلِنَ دَعْوَتِي وَ يَجْمَعَ الْخَلْقَ عَلَيَّ تَوْحِيدِي ثُمَّ لَأَدِيَمَنَّ مُلْكَهُ وَ لَأَدَاوِلَنَّ الْأَيَّامَ بَيْنَ أَوْلِيَائِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. (روایت ۵۷)

۲- وَ مِنْهُمْ مَنْ تَتَحَاكَمُ الْمَلَائِكَةُ إِلَيْهِ؛ وَ الْمُؤْمِنُونَ أَكْرَمُ عَلَيَّ مِنَ الْمَلَائِكَةِ؛ وَ مِنْهُمْ مَنْ يُصَيِّرُهُ الْقَائِمُ قَاضِيًا بَيْنَ مِائَةِ أَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ (روایت ۲۵)

ظهور و بی نیازی از نور خورشید

یکی از ویژگی‌های شگفت دوران ظهور امام زمان علیه السلام تفسیر این آیه از قرآن است:

وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا... (زمر ۶۹)

و زمین به نور پروردگارش روشن گردد...

این آیه به بی نیازی مردم از نور مادی در زمان ظهور امام زمان علیه السلام تفسیر شده است. زیرا نور معنوی خورشید ولایت بر جهان پرتو افکنی می‌کند.

به راستی که قائم ما هنگامی که قیام کند زمین به نور پروردگارش درخشان می‌گردد و بندگان از نور خورشید بی‌نیاز می‌گردند و تاریکی می‌رود...^۱

به راستی که قائم ما هنگامی که قیام نماید زمین به نور پروردگارش درخشان شود و مردم از نور خورشید بی‌نیاز گردند، و شب و روز یکی گردد و تاریکی یکسره از میان برود...^۲

روشنی سرزمین‌ها، نور امام زمان خواهد بود و مردم دیگر نیازی به خورشید و ماه پیدا نمی‌کنند...^۳

۱- إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ اسْتَغْنَى الْعِبَادُ عَنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَ ذَهَبَتِ الظُّلْمَةُ... (روایت ۱)

۲- إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا، وَ اسْتَغْنَى الْعِبَادُ عَنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ، وَ صَارَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَاحِدًا، وَ ذَهَبَتِ الظُّلْمَةُ... (روایت ۳)

۳- وَ يَكُونُ ضَوْءُ الْبِلَادِ نُورَهُ، وَ لَا يَحْتَاجُونَ إِلَى شَمْسٍ وَ لَا قَمَرٍ (روایت ۴)

جهان در عصر طلایی ظهور / ۶۹

زمانی که قائم علیه السلام خروج کند زمین به نور او درخشان می‌گردد...^۱

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام شنید که حضرت درباره این سخن خدا در قرآن که «و زمین به نور پروردگارش درخشان گردد» فرمود: پروردگار زمین، امام زمین است. به امام گفتم پس زمانی که امام خروج کند چه خواهد شد؟ فرمود در این دوران مردم از پرتو خورشید و نور ماه بی‌نیاز خواهند شد و به نور امام بسنده می‌کنند.^۲

تأکید مجدد بر این نکته شایسته و بایسته است که درک هر مطلبی، متکی بر اصول اولیه آن است. این امر یک قانون عقلی بنیادین و فراگیر در همه رشته‌های علوم است.

به صراحت قرآن، نور معنوی (اشراق رب) موجب بی‌نیازی بهشتیان از نور خورشید مادی می‌گردد.

پیدا است که درک و ایمان به این آیه مسلم قرآنی، بدون اصول اولیه ممکن نیست.

بی‌نیاز از نور خورشید در دوران ظهور نیز بر همین قانون عقلی استوار است.

ناگفته پیدا است که بدون در نظر گرفتن اصول اولیه، نه تنها بی‌نیازی از نور خورشید قابل درک نیست، بلکه ویژگی‌های بسیاری از

۱- فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ... (روایت ۲۶)

۲- رَبُّ الْأَرْضِ إِمَامٌ الْأَرْضِ قُلْتُ فَإِذَا خَرَجَ يَكُونُ مَا ذَا قَالَ إِذَا يَسْتَعْنِي النَّاسُ عَنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَنُورِ الْقَمَرِ وَيَجْتَزُّونَ بِنُورِ الْإِمَامِ. (روایت ۲۷)

دوران ظهور و حتی برخی از مسلمات دین در سایر حوزه‌ها قابل درک نخواهد بود.

فرمانبرداری نظام کیهانی از قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ و طولانی شدن زمان

یکی از شگفتی‌های دوران ظهور، تصرف قائم علیه السلام در نظام کیهانی است. از جمله‌های تصرفات، فرمانبرداری ماه و خورشید از آن حضرت است.

(در دوران ظهور، قائم علیه السلام) خورشید و ماه را فرا می‌خواند و آن دو (فرمانبرداری کرده و) به حضرت پاسخ می‌دهند و زمین برای آن حضرت پیچیده می‌شود (و با طی الارض حرکت می‌کند) و به او وحی می‌شود پس به فرمان خداوند عمل خواهد کرد.^۱

یکی از مصادیق تصرف در نظام کیهانی، تغییر واحد زمان در دوران ظهور امام زمان علیه السلام است. توجه کنید.

هنگامی که قائم قیام کند... هفت سال عمر کند که هر سالش برابر ده سال از این سالهای شماسست، سپس خداوند آن چه را که بخواهد انجام می‌دهد. به حضرت عرض کردم فدای شما کردم چگونه سالها طولانی می‌گردد؟ فرمود خداوند به فلک دستور می‌دهد که

۱- وَ عَنْهُ ع قَالَ يَمْلِكُ الْقَائِمُ ثَلَاثِمِائَةَ سَنَةً وَ يَزْدَادُ تِسْعًا كَمَا لَبِثَ أَهْلُ الْكَهْفِ فِي كَهْفِهِمْ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا فَيَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ شَرْقَ الْأَرْضِ وَ غَرْبَهَا وَ يَقْتُلُ النَّاسَ حَتَّى لَا يَبْقَى إِلَّا دِينَ مُحَمَّدٍ وَ يَسِيرُ بِسِيرَةِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ وَ يَدْعُو الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ فَيَجِيبَانِهِ وَ تَطْوِي لَهُ الْأَرْضُ وَ يُوحَى إِلَيْهِ فَيَعْمَلُ بِالْوَحْيِ بِأَمْرِ اللَّهِ. (روایت ۶۲)

جهان در عصر طلایی ظهور / ۷۱

درنگ نموده و به کندی حرکت کند، از این رو روزها طولانی می‌گردد...^۱

عبدالکریم خثعمی گفت به امام صادق علیه السلام گفتم قائم چند سال حکومت می‌کند؟ فرمود هفت سال. (اما) روزها و شبها طولانی می‌شود آن چنان که یک سال از سالهای دوران ظهور به اندازه ده سال از سالهای شماسست پس سلطنت او هفتاد سال از سالهای شما می‌شود...^۲

ناگفته پیداست که در نظام پیچیده کیهانی، اندک تصرفی در حرکت خورشید و ماه مستلزم تصرف در تمام کیهان است.

فخر فروشی زمین

یکی از ویژگی‌های دوران ظهور امام زمان علیه السلام فخر فروشی زمین به خاطر عبور یاران قائم علیه السلام است.

۱- فَيَمُكْتُ عَلَى ذَلِكَ سَبْعَ سِنِينَ مِقْدَارُ كُلِّ سَنَةٍ عَشْرُ سِنِينَ مِنْ سِنِيكُمْ هَذِهِ ثُمَّ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ قَالَ قُلْتُ لَهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ فَكَيْفَ تَطُولُ السُّنُونَ قَالَ يَا مَرْءَ اللَّهِ تَعَالَى الْفَلَكَ بِاللَّبُوثِ وَ قِلَّةِ الْحَرَكَةِ فَتَطُولُ الْأَيَّامُ لِذَلِكَ وَ السُّنُونَ قَالَ قُلْتُ لَهُ إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّ الْفَلَكَ إِذَا تَغَيَّرَ فَسَدَ قَالَ ذَلِكَ قَوْلُ الرِّتَادِقَةِ فَأَمَّا الْمُسْلِمُونَ فَلَا سَبِيلَ لَهُمْ إِلَى ذَلِكَ وَ قَدْ شَقَّ اللَّهُ الْقَمَرَ لِنَبِيِّهِ ص وَ رَدَّ الشَّمْسَ مِنْ قَبْلِهِ لِيُوشَعَ بَنِي نُونٍ وَ أَخْبَرَ بِطُولِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ أَنَّهُ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ. (روایت ۱۸)

۲- عَبْدُ الْكَرِيمِ الْخَثْعَمِيُّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع كَمْ يَمْلِكُ الْقَائِمُ ع فَقَالَ سَبْعَ سِنِينَ يَطُولُ الْأَيَّامُ وَ اللَّيَالِي حَتَّى تَكُونَ السَّنَةُ مِنْ سِنِيهِ مِقْدَارَ عَشْرِ سِنِينَ مِنْ سِنِيكُمْ فَيَكُونُ سِنُو مُلْكِهِ سَبْعِينَ سَنَةً مِنْ سِنِيكُمْ هَذِهِ (روایت ۳۱)

(همگی) در همه امور به دنبال جلب خشنودی یاران قائم هستند، حتی قطعه‌ای از زمینی بر قطعه دیگر افتخار می‌کند و می‌گوید امروز مردی از یاران قائم علیه السلام از روی من گذشت.^۱

رضایت عمومی

برخی از ویژگی‌های دوران امام زمان علیه السلام ناظر به موردهای خاصی است. اما برخی دیگر از ویژگی‌ها ناظر به مجموعه‌ای از امور است. از جمله رضایت و خشنودی عمومی از اوضاع و احوال آن دوران است. در روایات متعددی این چنین آمده است:

(در دوران امام زمان علیه السلام) فرشتگان ساکن آسمان و مردم ساکن زمین از او خشنود گردند.^۲

تردیدی نیست که خشنودی تمامی ساکنین زمین، نتیجه وجود ویژگی‌های فراوانی است.

اما فوق العادگی امر آن جاست که این خشنودی منحصر به زمینیان نیست، بلکه آسمانیان نیز همگی خشنود می‌گردند. خشنودی آسمانیان تعبیر دیگری از خشنودی تمامی عالم آفرینش است.

پیدا است که در دل خشنودی تمامی عالم آفرینش، امور فراوانی نهفته است.

۱- يَطْلُبُ رِضَاهُمْ فِي كُلِّ شَيْءٍ، حَتَّى تَفْخَرَ الْأَرْضُ عَلَى الْأَرْضِ وَ تَقُولَ: مَرَّ بِي

الْيَوْمَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (روایت ۶۵)

۲- يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ (روایت ۵ و ۶)

شکستن طلسم مشکلات

گفتیم برخی از ویژگی‌ها ناظر به مجموعه‌ای از امور است. از جمله، باز شدن همه گره‌های کور حیات فردی و اجتماعی بشر. ناگفته پیداست مدیریت یک جامعه کوچک هزاران دشواری دارد تا چه رسد به دولت جهانی امام زمان علیه السلام. اما تمامی دشواری‌ها و سختی‌ها در این دوران آسان می‌گردد و هر گره پیچیده‌ای گشوده می‌شود. قائم علیه السلام کسی است که زمین برایش پیچیده می‌شود (و با طی الارض حرکت می‌کند) و هر (گره کور و) دشواری برایش گشوده می‌گردد...^۱

آرزوی بازگشت مردگان

(در دوران ظهور امام زمان علیه السلام) به خاطر خیر فراوانی که خداوند با زمینیان می‌کند، زندگان آرزو می‌کنند مردگان هم زنده شوند (و از آن بهره‌مند گردند).^۲ مردگان هم تمنا و آرزوی زندگی در دوران ظهور را می‌کنند. اما تنها به افراد خاصی اجازه بازگشت به دنیا داده می‌شود که ذکر آنها از مجال این نوشتار خارج است.

۱- وَ هُوَ الَّذِي تَطْوِي لَهٗ الْأَرْضُ وَيَذِلُّ لَهٗ كُلُّ صَعْبٍ... (روایت ۶۳)

۲- يَعْيشُ فِيهِمْ سَبْعَ سِنِينَ أَوْ ثَمَانًا أَوْ تِسْعًا يَتَمَنَّى الْأَحْيَاءُ الْأَمْوَاتَ مِمَّا صَنَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنَ الْخَيْرِ. (روایت ۶)

مردگان به اذن خدا زنده شده و گرد هم آیند.^۱

گشوده شدن درهای آسمان

در برخی از روایات سخن از گشوده شدن برکات آسمان و زمین بر زمینیان به میان آمده است. اما تعبیر دیگر نقل شده است که بسیار جالب است و آن گشوده شدن درهای آسمان برای نزول خوبی‌هاست.

درهای آسمان به نیکی گشوده می‌شود و آسمان خیرش را می‌بارد...^۲

دوران ظهور، بهشت زمینیان

ویژگی‌های فوق العاده‌ای که بیان شد، نمونه‌هایی از بشمار است. چرا که خیرات و برکات مادی و معنوی آن دوران قابل گردآوری نیست، گذشته از این که بسیاری از گفته‌ها قابل درک افراد عادی نیست تا چه رسد به ناگفته‌ها.

لذا شناخت واقعی آن دوران، مترتب بر اصول اولیه‌ی مهمی است که در جای خودش اثبات و برهانی شده است.

در توصیف دوران ظهور امام زمان، همان به که به کلیاتی در توصیف بهشت، بسنده کنیم:

فِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَ تَلَذُّ الْأَعْيُنُ...^۳

۱- وَ يُحْيَوْنَ - وَ يَجْتَمِعُونَ - الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ. (روایت ۴)

۲- تَفْتَحُ أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِالْبُرِّ وَ تُمْطِرُ السَّمَاءَ خَيْرَهَا... (روایت ۳۰)

۳- زخرف ۷۱

جهان در عصر طلایی ظهور / ۷۵

و در آنجا آنچه دلها آن را بخواهد و دیدگان را خوش آید
[هست]...

فِيهَا مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَ لَا أُذُنٌ سَمِعَتْ وَ لَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ...^۱
در بهشت چیزهایی است که نه چشمی آنها را دیده و نه گوش
شنیده و نه تصور آن بر قلب بشری خطور کرده.
این گونه تعبیرات نشانگر اوج کمالات مادی و معنوی و اوج
لذتهای نامحدود انسانی در دوران ظهور امام زمان علیه السلام است.

رمز گشایی از ویژگی‌های حکومت آسمانی قائم

گذشت که دوران ظهور امام زمان علیه السلام، بهشت زمینی
است، آن هم با تمام خوشی‌هایی که نه چشمی دیده و نه گوش
شنیده و نه بر دل بشری خطور کرده است.
درک این امر اسرار آمیز، برای همگان آسان نیست.
اما با درنگ شایسته در روایات اهل بیت، از این امر اسرار آمیز رمز
گشایی می‌گردد.

از یک سو سخن از سلطنت جهانی به میان آمده است:
سلطنت قائم چهل سال، مشرق و مغرب را فرامی‌گیرد، پس خوشا
به حال کسی که روزگار او را درک کند و سخن او را بشنود.^۲
در متن عربی روایت تعبیر «خافقین» آمده است. برخی خافقین

۱- بحار الانوار ج ۸۱ ص ۱۲۵

۲- يَمْلِكُ مَا بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ اَرْبَعِينَ عَامًا فَطُوبَى لِمَنْ اَدْرَكَ اَيَّامَهُ وَ سَمِعَ كَلَامَهُ.

(روایت ۱۳)

را، میان مشرق و مغرب زمین معنی کرده‌اند.

اما از برخی از روایات استفاده می‌شود که مقصود از خافقین، تنها مغرب و مشرق زمین نیست، بلکه مقصود مغرب و مشرق جهان است. از یک سو سخن از دولتی گفته شده که ظلمتی در آن متصور نیست.

حکومت قائم حکومتی است که در او شب و تاریکی و غبار نیست...^۱

تعبیر حکومت بدون تاریکی و غبار، به این معناست که نه تنها نقطه سیاهی در دولت قائم علیه السلام وجود ندارد، بلکه از نقطه خاکستری نیز اثری در حکومت حضرت پیدا نمی‌شود.

از یک سو ویژگی‌های شگفت آن دوران بیان شده است.

آن زمان که قائم قائم کند... بر روی زمین مودی و شر و گناه و فساد اصلا نیست. زیرا دعوت امام زمان علیه السلام، دعوت آسمانی است و دعوت زمینی نیست...^۲

همه امور یاد شده در این روایت، نتیجه یک عامل مهم شمرده شده است و آن آسمانی بودن دعوت امام زمان علیه السلام است. دعوت آسمانی، یعنی دعوت الهی.

برای شناخت دعوت الهی، باید خداوند شناخته شود، شناخت

۱- فَإِنَّهَا دَوْلَةٌ لَا يُبْلَ فِيهِ وَلَا ظُلْمَةٌ وَلَا قَتَامٌ (روایت ۲۹)

۲- وَلَا يَكُونُ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ مُؤَذٌّ وَلَا شَرٌّ وَلَا إِثْمٌ، وَلَا فَسَادٌ أَصْلًا، لِأَنَّ الدَّعْوَةَ سَمَاوِيَّةً، لَيْسَتْ بِأَرْضِيَّةً، وَلَا يَكُونُ لِلشَّيْطَانِ فِيهَا وَسْوَسةٌ، وَلَا عَمَلٌ، وَلَا حَسَدٌ، وَلَا شَيْءٌ مِنَ الْفَسَادِ (روایت ۴)

جهان در عصر طلایی ظهور / ۷۷

خداوند به این است که هم قدرتش و هم حکمتش و هم رحمتش...
شناخته شود.

اگر پای شناخت واقعی خداوند به میدان آید، دیگر هر چه از
حکومت قائم آل محمد گفته شود باز هم کم گفته شده است.
همچنان که هر چه از بهشت آخرتی گفته شود باز هم کم گفته شده
است.

منابع روایی عصر طلایی ظهور

روایت (۱) رَوَى الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَاسْتَغْنَى الْعِبَادُ عَنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَذَهَبَتِ الظُّلْمَةُ وَ يُعَمَّرُ الرَّجُلُ فِي مَلِكِهِ حَتَّى يُوَلَّدَ لَهُ أَلْفٌ ذَكَرَ لَا يُوَلَّدُ فِيهِمْ أَنْثَى وَ تُظْهِرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا حَتَّى يَرَاهَا النَّاسُ عَلَى وَجْهِهَا وَ يَطْلُبُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مَنْ يَصِلُهُ بِمَالِهِ وَ يَأْخُذُ مِنْهُ زَكَاتَهُ فَلَا يَجِدُ أَحَدًا يَقْبَلُ مِنْهُ ذَلِكَ اسْتَغْنَى النَّاسُ بِمَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۷

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: به راستی که قائم ما هنگامی که قیام کند، زمین به نور پروردگارش درخشان می گردد و بندگان از نور خورشید بی نیاز می گردند و تاریکی می رود و مرد، در دوران حکومت او آن چنان عمرش طولانی می گردد که برایش هزار پسر متولد می گرد که در میان آنها دختر نیست. زمین گنج هایش را آن چنان آشکار می کند که مردم آن را روی زمین می بینند و (ثروت آن چنان فراوان می شود که) مردی از شما برای پیدا کردن کسی که

جهان در عصر طلایی ظهور / ۷۹

بتواند به او بخشش کند و زکات مالش را بگیرد، جستجو می‌کند، اما هیچ کس را نمی‌یابد که مال او را بپذیرد مردم به آن چه خداوند از فضلش روزی آنان کرده بی‌نیاز شده‌اند.

روایت ۲) ثُمَّ يَعُودُ الْمَهْدِيُّ ع إِلَى الْكُوفَةِ وَ تُمْطِرُ السَّمَاءُ بِهَا جَرَادًا مِنْ ذَهَبٍ كَمَا أَمْطَرَهُ اللَّهُ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى أَيُّوبَ وَ يَقْسِمُ عَلَى أَصْحَابِهِ كُنُوزَ الْأَرْضِ مِنْ تِبْرِهَا وَ لُجَيْنِهَا وَ جَوْهَرِهَا قَالَ الْمُفْضَلُ يَا مَوْلَايَ مَنْ مَاتَ مِنْ شِيعَتِكُمْ وَ عَلَيْهِ دَيْنٌ لِإِخْوَانِهِ وَ لِأَضْدَادِهِ كَيْفَ يَكُونُ قَالَ الصَّادِقُ ع أَوَّلُ مَا يَبْتَدِي الْمَهْدِيُّ ع أَنْ يُنَادِيَ فِي جَمِيعِ الْعَالَمِ أَلَا مَنْ لَهُ عِنْدَ أَحَدٍ مِنْ شِيعَتِنَا دَيْنٌ فَلْيَذْكُرْهُ حَتَّى يَرُدَّ الثُّومَةَ وَ الْخَرْدَلَةَ فَضَلًّا عَنِ الْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْأَمْلاكِ فَيُوقِّيَهُ إِيَّاهُ بَحَارِ الْأَنْوَارِ
ج ۵۳ ص ۳۴

سپس مهدی علیه السلام به کوفه باز می‌گردد و آسمان ملخ‌هایی از طلا می‌بارد، همچنان که در بنی اسرائیل بر ایوب (پیامبر ملخ طلایی بارید). حضرت گنجهای طلا و نقره و جواهر زمین را، بر اصحابش تقسیم می‌کند. مفضل پرسید ای آقای من اگر کسی از شیعیان شما بمیرد و به برادران شیعه‌اش یا به مخالفینش بدهکار باشد، چه می‌شود؟ امام صادق علیه السلام فرمود نخستین کاری که مهدی علیه السلام آغاز می‌کند، این است که در همه جهان، اعلام عمومی می‌شود (ای مردم) آگاه باشید که هر کس طلبی از شیعه‌ای دارد، باید اعلام کند. (سپس طلبکاران به آن حضرت مراجعه می‌کنند و حضرت طلب آنان را پرداخت می‌کند) حتی اگر طلب (آن قدر

اندک باشد که به اندازه) دانه سیر یا دانه خردل باشد، به صاحبش رد می‌شود، چه برسد به کیسه‌های بزرگ پر از طلا و املاک (بزرگ، هر چه باشد)، حضرت آن را به طلبکار پرداخت خواهد کرد.

روایت ۳) عَنْ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ الْجُعْفِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَقُولُ: إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا، وَاسْتَغْنَى الْعِبَادُ عَنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ، وَصَارَ اللَّيْلُ وَالثَّهَارُ وَاحِدًا، وَذَهَبَتِ الظُّلْمَةُ، وَعَاشَ الرَّجُلُ فِي زَمَانِهِ أَلْفَ سَنَةٍ، يُوَلِّدُ لَهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ غُلَامًا، لَا يُوَلِّدُ لَهُ جَارِيَةً، يَكْسُوهُ الثَّوْبَ فَيَطُولُ عَلَيْهِ كَلَّمَا طَالَ، وَيَتَلَوَّنُ عَلَيْهِ أَيْ لَوْنَ شَاءَ دَلَائِلُ الْإِمَامَةِ ۴۵۴

به راستی که قائم ما هنگامی که قیام نماید، زمین به نور پروردگارش درخشان شود و مردم از نور خورشید بی‌نیاز گردند، و شب و روز یکی گردد و تاریکی یکسره از میان برود و مرد در زمان حضرت هزار سال عمر کند که در هر سالی پسری برای او متولد شود بدون این که دختری برای او به دنیا آید. شخص لباسی که می‌پوشد هر اندازه که قدش بلند شود، لباس نیز بلند گردد و هر رنگی که بخواهد لباسش به آن رنگ درآید.

روایت ۴) عَنْ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) اسْتَنْزَلَ الْمُؤْمِنُ الطَّيْرَ مِنَ الْهَوَاءِ، فَيَذْبُحُهُ، فَيَشْوِيهِ، وَيَأْكُلُ لَحْمَهُ، وَلَا يَكْسِرُ عَظْمَهُ، ثُمَّ يَقُولُ لَهُ: اْحْيِ بِإِذْنِ اللَّهِ، فَيَحْيَا وَيَطِيرُ؛ وَكَذَلِكَ الظُّبَاءُ مِنَ الصَّحَارِي. وَيَكُونُ ضَوْءُ الْبِلَادِ نُورَهُ،

وَلَا يَخْتَجُونَ إِلَى شَمْسٍ وَلَا قَمَرٍ، وَلَا يَكُونُ عَلَىٰ وَجْهِ الْأَرْضِ مُؤَذٍ، وَلَا شَرًّا، وَلَا إِثْمًا، وَلَا فَسَادًا أَصْلًا، لِأَنَّ الدَّعْوَةَ سَمَاوِيَّةً، لَيْسَتْ بِأَرْضِيَّةٍ، وَلَا يَكُونُ لِلشَّيْطَانِ فِيهَا وَسْوَسةٌ، وَلَا عَمَلٌ، وَلَا حَسَدٌ، وَلَا شَيْءٌ مِنْ الْفَسَادِ، وَلَا تَشُوكُ الْأَرْضُ وَالشَّجَرُ، وَتَبْقَى زُرُوعُ الْأَرْضِ قَائِمَةً، كُلَّمَا أَخَذَ مِنْهَا شَيْءٌ نَبَتَ مِنْ وَقْتِهِ، وَعَادَ كَحَالِهِ، وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَكْسُو ابْنَهُ الثَّوْبَ فَيَطُولُ مَعَهُ كُلَّمَا طَالَ، وَيَتَلَوَّنُ عَلَيْهِ أَيْ لَوْنٌ أَحَبُّ وَشَاءَ. وَلَوْ أَنَّ الرَّجُلَ الْكَافِرَ دَخَلَ جُحْرَ ضَبٍّ، أَوْ تَوَارَى خَلْفَ مَدْرَةٍ، أَوْ حَجَرَ، أَوْ شَجَرَ، لَأَنطَقَ اللَّهُ ذَلِكَ السِّتْرَ الَّذِي يَتَوَارَى فِيهِ، حَتَّى يَقُولَ: يَا مُؤْمِنُ، خَلْفِي كَافِرٌ فَخُذْهُ. فَيَأْخُذُهُ وَيَقْتُلُهُ. وَلَا يَكُونُ لِإِبْلِيسَ هَيْكَلٌ يَسْكُنُ فِيهِ - وَ الْهَيْكَلُ: الْبَدَنُ - وَ يُصَافِحُ الْمُؤْمِنُونَ الْمَلَائِكَةَ، وَ يُوحَى إِلَيْهِمْ، وَ يُخَيَّوْنَ - وَ يَجْتَمِعُونَ - الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ. دلائل الإمامة ص: ۴۶۳

هنگامی که قائم ما قیام کند مؤمن پرنده‌ای را در آسمان (می‌بیند و به خوردن آن میل پیدا می‌کند) فرو می‌خواند که پرنده فرود آید، (بعد از فرود) آن را ذبح می‌کند و بریان می‌کند و گوشتش را می‌خورد و لکن استخوانش را نمی‌شکند، سپس بدان می‌گوید به اذن خدا زنده شو. او زنده می‌شود و پرواز می‌کند و همچنین آهو (نیز چنین است) و روشنی سرزمین‌ها، نور حضرت خواهد بود و مردم دیگر نیازی به خورشید و ماه پیدا نمی‌کنند و بر روی زمین موذی و شر و گناه و فساد اصلاً نیست. زیرا دعوت امام زمان علیه السلام، دعوت آسمانی است و دعوت زمینی نیست و در آن روزگار برای

شیطان قدرت وسوسه و انجام کاری (برای افساد) نیست. همچنین حسد و چیزی از فساد وجود ندارد و زمین و درخت خار نمی‌رویاند، کشت زمین پیوسته برپاست، هنگامی که چیزی از آن برداشت شود، همان لحظه دوباره بروید و به حال اولش برگردد و به راستی که مرد لباسی بر فرزندش می‌پوشاند، پس هر چه فرزندش بزرگ شود، لباس نیز بر تن او بزرگ می‌گردد و به هر رنگی که دوست داشته باشد و بخواهد، در می‌آید و اگر مرد کافر داخل لانه سوسماری شود یا پشت کلوخی یا سنگی یا درختی پنهان شود، خداوند آن چیزی که کافر در آن پنهان شده را به سخن آورد، تا این که بگوید ای مؤمن، پشت من کافری است، پس او را بگیر، پس مؤمن کافر را می‌گیرد و می‌کشد و برای ابلیس هیکلی (وجود جسمانی) که در آن ساکن باشد، نیست و مراد از هیکل، بدن است و مؤمنان با فرشتگان مصافحه می‌کنند و به مؤمنان وحی می‌شود و مردگان به اذن خدا زنده شده و گرد هم آیند.

روایت ۵) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَبَشْرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلْزَلٍ يَمَلُّهُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ يَقْسِمُ الْمَالَ صِحَاحًا فَقَالَ رَجُلٌ مَا صِحَاحًا قَالَ بِالسَّوِيَّةِ بَيْنَ النَّاسِ وَ يَمَلُّهُ اللَّهُ قُلُوبَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ ص غِنَى وَ يَسْعُهُمْ عَدْلُهُ حَتَّى يَأْمُرَ مُنَادِيًا يُنَادِي يَقُولُ مَنْ لَهُ فِي الْمَالِ حَاجَةٌ فَمَا يَقُومُ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَجُلٌ وَاحِدٌ فَيَقُولُ أَنَا فَيَقُولُ أَتَيْتِ السَّدَانَ يَعْنِي الْخَازِنَ فَقُلْ لَهُ إِنَّ الْمَهْدِيَّ يَأْمُرُكَ أَنْ تُعْطِيَنِي مَالًا فَيَقُولُ لَهُ احْتِ حَتَّى إِذَا جَعَلَهُ فِي حَجْرِهِ وَ أَبْرَزَهُ نَدِمَ فَيَقُولُ كُنْتُ أَجْشَعُ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ نَفْسًا أَعْجَزَ

جهان در عصر طلایی ظهور / ۸۳

عَمَّا وَسِعَهُمْ فَيْرُدُّهُ وَ لَا يَقْبَلُ مِنْهُ فَيَقَالُ لَهُ إِنَّا لَا نَأْخُذُ شَيْئاً أُعْطِينَاهُ بَحَارِ

الانوار ج ۵۱ ص ۹۲

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: به شما (ظهور) مهدی را مژده می‌دهم که در میان امت من مبعوث خواهد شد، در حالی که امت در اختلاف (با یکدیگر) و (گرفتار) زلزله‌ها هستند. پس حضرت، زمین را از قسط و عدل پر خواهد ساخت، همچنان که (پیش از ظهور) از ظلم و جور پر شده بود. با (ظهور) مهدی علیه السلام فرشتگان ساکن آسمان و مردم ساکن زمین، از او خشنود گردند. مهدی علیه السلام اموال را درست تقسیم می‌کند. از حضرت پرسیده شد تقسیم درست چیست؟ فرمود به تساوی میان مردم تقسیم می‌کند. پس خداوند دل‌های امت محمد صلی الله علیه و آله را از بی‌نیازی پر می‌کند و عدل مهدی علیه السلام همه مردم را فرامی‌گیرد، تا جایی که مهدی علیه السلام فرمان می‌دهد منادی جار زند چه کسی به مالی نیاز دارد؟ حضرت در ادامه فرمود پس از میان مردم، به جز یک نفر، کسی بر نمی‌خیزد و آن یک نفر می‌گوید من نیاز دارم، پس به او گفته می‌شود نزد خزانه‌دار برو و به او بگو به راستی که مهدی به تو فرمان می‌دهد مالی به من بدهی. خزانه‌دار می‌گوید بگیر و مال را به او می‌دهد، وقتی مال به دست آن فرد می‌رسد، پشیمان می‌شود و با خودش می‌گوید (آیا) از جهت نفسانی، من حریص‌ترین فرد امت محمد بودم، یا این که از آن چه به دیگران رسیده، به من کمتر رسیده؟! سپس از پشیمانی مال را برمی‌گرداند، اما از او پس گرفته نمی‌شود و به او گفته می‌شود چیزی که بخشیدیم باز پس

نمی گیریم.

روایت ۶) عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: يَنْزِلُ بِأُمَّتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ بَلَاءٌ شَدِيدٌ مِنْ سُلْطَانِهِمْ لَمْ يَسْمَعْ النَّاسُ بِبَلَاءٍ أَشَدَّ مِنْهُ حَتَّى تَضِيقَ عَلَيْهِمُ الرَّحْبَةُ وَ حَتَّى تَمَلَأَ الْأَرْضُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ رَجُلًا يَمَلَأُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ لَا تَدْخِرُ الْأَرْضُ مِنْ بَذْرِهَا شَيْئًا إِلَّا أَخْرَجَتْهُ وَ السَّمَاءُ مِنْ قَطْرِهَا شَيْئًا إِلَّا صَبَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا يَعِيشُ فِيهِمْ سَبْعَ سِنِينَ أَوْ ثَمَانًا أَوْ تِسْعًا يَتَمَنَّى الْأَحْيَاءُ الْأَمْوَاتَ مِمَّا صَنَعَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنَ الْخَيْرِ. بشارة المصطفى

۲۵۰

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: در آخر الزمان بر امت من، بلاء شدیدی از حاکمان آنان نازل می شود که مردم بلائی شدیدتر از آن نشنیده اند، تا این که زمین با این گستردگی بر آنان تنگ می گردد و تا این که زمین از جور و ظلم پر گردد. سپس خداوند مردی را برانگیزد که به دست او زمین را از قسط و عدل پر نماید، همچنان که از جور و ظلم پر گشته بود. فرشتگان ساکن آسمان و مردم ساکن زمین، از او خشنود گردند. زمین چیزی از محصول بذرش را ذخیره نمی کند، مگر این که تمام محصول آن را خارج سازد (و هر بذری به تمام و کمال حاصل می دهد) و آسمان چیزی از بارانش را دریغ نمی دارد، مگر این که خداوند به فراوانی بر مردم ببارد. حضرت در میان مردم هفت یا هشت سال زندگی می کند. به خاطر خیر فراوانی

که خداوند با زمینیان می‌کند، زندگان آرزو می‌کنند مردگان هم زنده شوند (و از آن بهره‌مند گردند).

روایت (۷) **فَيَصْعَدُ مِنْبَرَهُ فَيَخْطُبُ النَّاسَ فَتَسْتَبْشِرُ الْأَرْضُ بِالْعَدْلِ وَ تَعْطِي السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ الشَّجَرُ ثَمْرَهَا وَ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَ تَتَزَيَّنُّ لِأَهْلِهَا وَ تَأْمَنُ الْوُحُوشُ حَتَّى تَرْتَعِيَ فِي طُرُقِ الْأَرْضِ كَأَنْعَامِهِمْ وَ يُقْدَفُ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ الْعِلْمُ فَلَا يَحْتَاجُ مُؤْمِنٌ إِلَى مَا عِنْدَ أَخِيهِ مِنْ عِلْمٍ فَيَوْمئِذٍ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ يُغْنِي اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعْتِهِ وَ تُخْرِجُ لَهُمُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا وَ يَقُولُ الْقَائِمُ كُلُّوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ بحار الانوار ج ۵۳**

ص ۸۵

پس حضرت مهدی از منبرش بالا می‌رود و برای مردم سخنرانی می‌کند، پس زمین، به عدل خوشحال می‌گردد و آسمان بارانش را و درخت میوه‌اش را و زمین گیاهش را به مردم می‌دهد و زمین خود را برای اهل زمین بیاراید (و زیبا شود) و حیوانات وحشی (همچون آهو و...) آن چنان امنیت پیدا می‌کنند که همانند چهارپایان اهلی در راه‌های زمین (با آرامش) می‌چرند و علم، در دل‌های مؤمنین گذارده می‌شود، پس مؤمنی نیازمند دانش مؤمن دیگر نمی‌گردد. آن روز (مصدق) تأویل این آیه است که «خداوند همه را از گشایش (رحمت) خود بی‌نیاز می‌کند». و زمین گنج‌هایش را برای مردم آشکار می‌سازد و قائم علیه السلام می‌فرماید به سبب ابتلائاتی که در زمان‌های گذشته داشتید اینک از نعمتهای خدا بخورید، گوارایتان باد.

روایت (۸) **عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ كَأَنِّي بِدِينِكُمْ هَذَا لَا**

يَزَالُ مُوَلِّياً يَفْحَصُ بِدَمِهِ ثُمَّ لَأَ يَرُدُّهُ عَلَيْكُمْ إِلَّا رَجُلٌ مِّنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ
فَيُعْطِيكُمْ فِي السَّنَةِ عَطَاءَيْنِ وَ يَرْزُقُكُمْ فِي الشَّهْرِ رِزْقَيْنِ وَ تُؤْتُونَ
الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَ
سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ص. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۵۲

گویا من این دین شما را می بینم که همیشه شکست خورده است
و در خون خودش دست و پا می زند، سپس این دین را کسی بر شما
باز نمی گرداند، مگر مردی از ما اهل بیت، پس او در هر سال دوبار
عطاء می دهد و هر ماه دوبار سهمیه روزی می دهد و در زمان او
حکمت به شما ارزانی می شود، (و همه از آن بهره می برند آن چنان
که) حتی زن در خانه اش طابق کتاب خدای تعالی و سنت پیامبر
صلی الله علیه و آله حکم می کند.

روایت ۹) عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ خَشِينَا أَنْ يَكُونَ بَعْدَ نَبِيِّنَا حَدَثٌ
فَسَأَلْنَا نَبِيَّ اللَّهِ ص فَقَالَ إِنَّ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيَّ يَخْرُجُ يَعِيشُ خَمْسًا أَوْ
سَبْعًا أَوْ تِسْعًا زَيْدُ الشَّاكُ قَالَ قُلْنَا وَ مَا ذَاكَ قَالَ سِنِينَ قَالَ فَيَجِيءُ إِلَيْهِ
الرَّجُلُ فَيَقُولُ يَا مَهْدِيُّ أَعْطِنِي قَالَ فَيَحْتِى لَهُ فِي ثَوْبِهِ مَا اسْتَطَاعَ أَنْ
يَحْمِلَهُ. بحار الانوار ج ۵۱ ص ۸۷

ابوسعید خدری گفت ترسیدیم که بعد پیامبر صلی الله علیه و آله
ما اتفاقی بیفتد، لذا از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در این باره
پرسیدیم. حضرت فرمود به راستی که در امت من مهدی است که
خروج می کند و... پس مردی نزد او می آید و می گوید ای مهدی به
من عطا نما، پس حضرت به اندازه ای که توانایی حمل آن را داشته

باشد، در دامنش می‌ریزد.

روایت ۱۰) عَنْ أَبِي سَعِيدٍ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى قَالَ يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ
إِنْ قَصُرَ فَسَبْعُ وَ إِلَّا فَتِسْعُ يَتَنَعَّمُ فِيهِ أُمَّتِي نِعْمَةً لَمْ يَتَنَعَّمُوا مِثْلَهَا قَطُّ
تُوتِي الْأَرْضُ أَكْلَهَا وَ لَا تَدَّخِرُ مِنْهُمْ شَيْئاً وَ الْمَالُ يَوْمئِذٍ كُدُوسٌ يَقُومُ
الرَّجُلُ فَيَقُولُ يَا مَهْدِيُّ أُعْطِنِي فَيَقُولُ خُذْ. بحار الانوار ج ۵۱ ص ۸۸

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود مهدی در امت من می‌باشد... در دوران ظهور مهدی، نعمت آن چنان بر امت من فراوان می‌شود که هرگز مانند آن اتفاق نیفتاده است. زمین تمام محصولش را می‌دهد و چیزی را (از مردم دریغ نمی‌کند و) برای خود ذخیره نمی‌کند و ثروت در آن روزگار (آن چنان فراوان است) که همچون خرمن، روی هم جمع می‌شود. مردی برمی‌خیزد و می‌گوید ای مهدی به من عطا کن حضرت می‌فرماید (هر چه می‌خواهی) بردار.

روایت ۱۱) عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى ص أَنَّهُ قَالَ يَكُونُ مِنْ
أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ إِنْ قَصُرَ عُمُرُهُ فَسَبْعُ سِنِينَ وَ إِلَّا فَثَمَانٍ وَ إِلَّا فَتِسْعُ يَتَنَعَّمُ
أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ نَعِيماً لَمْ يَتَنَعَّمُوا مِثْلَهُ قَطُّ الْبَرُّ وَ الْفَاجِرُ يُرْسَلُ السَّمَاءُ
عَلَيْهِمْ مِدْرَاراً وَ لَا تَدَّخِرُ الْأَرْضُ شَيْئاً مِنْ نَبَاتِهَا. بحار الانوار ج ۵۱
ص ۷۸

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود مهدی در امت من می‌باشد... در دوران امام زمان، امت من، چه خوبان و چه بدان، آن چنان نعمت می‌یابند که هرگز پیش از آن متنعم نشده‌اند. آسمان بر مردم فراوان ببارد و زمین چیزی از گیاهش را دریغ نکند. بحار الانوار ج ۵۱ ص ۷۸

روایت (۱۲) و لا یبقی شیء مما خلق الله یتواری به یهودی إلا أنطق الله ذلك الشيء لا شجر و لا حجر و لا دابة إلا قال: یا عبد الله المسلم هذا کافر فاقتله، إلا الغرقدة فإنها من شجرهم و لا تنطق، و یكون عیسی فی أمّتی حکما عدلا و إماما مقسطا، فیدقّ الصلیب و یقتل الخنزیر و یضع الجزیة و یترک الصدقة و لا یسعی علی شاة، و لا تبقی بقرة، و ترفع الشحناء و التباغض، و تنزع حمة کلّ دابة حتی یدخل الولید یده فی فم الحنش فلا یضره، و تلقی الولیدة الأسد فلا یضرها، و یكون فی الإبل كأنه کلبها، و یكون الذئب فی الغنم كأنه کلبها، و تملأ الأرض من الإسلام، و یسلب الکفار ملکهم، و لا یكون الملك إلا لله و للإسلام، و تكون الأرض کفائور الفضة تنبت نباتها کما كانت علی عهد آدم، یجتمع النفر علی القثاء فتشبعهم، و یجتمع النفر علی الرمانة فتشبعهم، و یكون الفرس بدریهمات» هذا آخر الحدیث، یعنی أنّ الناس یستغنون عن الجهاد، و یرغبون فی صفات الزهاد. التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن ص ۲۹۹

و چیزی آفریده‌های خداوند باقی نمی‌ماند که یهودی خودش را در پناه آن پنهان کند، مگر این که خداوند آن چیز را به سخن درآورد (تا مکان پنهان شدنش را آشکار کند، از این امر هیچ چیزی استثناء نیست) نه درخت و نه سنگ و نه حیوان، مگر این که (به سخن درآید و به مسلمان) گوید ای بنده مسلمان، این کافر است،

پس او را بکش. تنها درخت غرقه سخن نمی‌گوید که از درختانی است که (طینتش) از آنان است و عیسی در امت من حکم عادل و امام دادگر است. پس صلیب را می‌شکند و خنزیر را می‌کشد و جزیه بر کفار می‌نهد. (از زیادی ثروتمندی مردم) صدقه ترک می‌شود و... کینه و دشمنی مرتفع خواهد شد و زهر هر (حیوان) جنبده‌ای گرفته می‌شود (و حیوانات گزنده آن چنان بی‌خطر می‌گردند که) کودک دستش را به دهان افعی می‌زند و افعی زیانی نمی‌زند. (همچنین) کودک با شیر روبرو می‌شود، بدون این که شیر زیانی به کودک بزند، شیر در گله شتران، و گرگ در گله گوسفندان، همچون سگ نگهبان است و زمین از اسلام پر می‌شود و حکومت از کافران گرفته می‌شود و حکومت تنها برای خدا و برای اسلام است و زمین از آبادانی و سرسبزی همچون تشت نقره (درخشان و زیبا) شود، گیاهش را همچون زمانی که آدم علیه السلام (پا بر آن گذاشت)^۱ برویاند، (و آن چنان باروری آن فراوان شود که) گروهی با همدیگر بر (خوردن) یک خیار و یا یک انار اجتماع کنند، همگی سیر شوند و قیمت اسب، بسیار اندک می‌شود. مؤلف توضیح می‌دهد که چون مردم از جهاد بی‌نیاز می‌شوند و رغبت در صفات زهاد می‌کنند قیمت اسب اندک می‌گردد. (در معنای این جمله احتمالات دیگری هم می‌رود.)

روایت ۱۳) قَالَ يَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَ كَلْبٌ مِنَ الدَّهْرِ وَ جَهْلٌ مِنَ النَّاسِ يُؤَيِّدُهُ اللَّهُ بِمَلَائِكَتِهِ وَ يَعْصِمُ أَنْصَارَهُ وَ يَنْصُرُهُ بِآيَاتِهِ وَ

يُظْهِرُهُ عَلَى الْأَرْضِ حَتَّى يَدِينُوا طَوْعاً أَوْ كَرْهاً يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا
 وَ نُورًا وَ بُرْهَانًا يَدِينُ لَهُ عَرْضُ الْبِلَادِ وَ طُولُهَا لَا يَبْقَى كَافِرٌ إِلَّا آمَنَ وَ لَا
 طَالِحٌ إِلَّا صَلَحَ وَ تَصْطَلِحُ فِي مُلْكِهِ السَّبَّاعُ وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبْتَهَا وَ تُنْزِلُ
 السَّمَاءُ بَرَكَتَهَا وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ يَمْلِكُ مَا بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ أَرْبَعِينَ عَامًا
 فَطُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ أَيَّامَهُ وَ سَمِعَ كَلَامَهُ. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۸۰

خداوند مردی را در آخر الزمان و دوران سخت و دوران نادانی
 مردم برمی‌انگیزاند، خداوند او را به فرشتگانش تأیید می‌کند و یارانش
 را حفظ می‌کند و به آیات الهی او را یاری می‌کند و بر زمین مسلطش
 می‌گرداند، تا این که مردم خواسته یا ناخواسته از او اطاعت نمایند،
 زمین را پر از عدل داد و نور و برهان نماید، عرض و طول سرزمینها
 به اطاعت او درمی‌آیند، کافری نمی‌ماند مگر این که به حضرت ایمان
 می‌آورد و فاسد و گنهکاری نمی‌ماند مگر این که نیکوکار می‌شود، در
 زمان سلطنت امام زمان علیه السلام درندگان با یکدیگر در صلح و
 آرامش زندگی می‌کنند و زمین گیاهش را می‌رویاند و آسمان برکتش
 را نازل می‌کند و گنجها برای حضرت آشکار می‌شود و سلطنت قائم
 چهل سال، مشرق و مغرب را فرامی‌گیرد، پس خوشا به حال کسی که
 روزگار او را درک کند و سخن او را بشنود.

روایت (۱۴) وَ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ لَأَخْرَجَتِ
 الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَ لَذَهَبَتِ الشَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ وَ اصْطَلَحَتِ السَّبَّاعُ وَ
 الْبَهَائِمُ حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرَأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى
 النَّبَاتِ وَ عَلَى رَأْسِهَا زِينَتُهَا لَا يُهَيِّجُهَا سُبُعٌ وَ لَا تَخَافُهُ وَ لَوْ تَعْلَمُونَ مَا

جهان در عصر طلایی ظهور / ۹۱

لَكُمْ فِي مَقَامِكُمْ بَيْنَ عَدُوِّكُمْ وَ صَبْرِكُمْ عَلَى مَا تَسْمَعُونَ مِنَ الْأَذَى لَقَرَّتْ
أَعْيُنُكُمْ بحار الانوار ج ۱۰ ص ۱۰۴

و اگر قائم ما قیام نماید، البته که آسمان بارانش را بریزد و البته که زمین گیاهش را برویاند و البته که کینه از دل های بندگان زدوده شود و درندگان و چرندگان با هم در صلح و صفا زندگی کنند (و امنیت آن چنان گسترده می شود) تا این که زنی زنبیل بر سر، مسیر میان عراق و شام را پیاده طی کند در حالی که پایش را جز بر سبزه نگذارد (با آرامش کامل به مقصد برسد و) هیچ درنده ای او را مضطرب نسازد و نترساند و اگر بدانید (در دوران غیبت) در اقامت شما میان دشمنانتان و شکیبایی تان بر ادیتی که می شوید، چی فضیلتی برای شماست، البته از خوشحالی چشم تان روشن می گردد.

روایت (۱۵) عَنْ جَابِرٍ قَالَ: دَخَلَ رَجُلٌ عَلَى أَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ فَقَالَ لَهُ عَافَاكَ اللَّهُ اقْبِضْ مِنِّي هَذِهِ الْخَمْسَمِائَةَ دِرْهَمٍ فَإِنَّهَا زَكَاةٌ مَالِي فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ خُذْهَا أَنْتَ فَضَعْهَا فِي جِيبَانِكَ مِنْ أَهْلِ الْإِسْلَامِ وَالْمَسَاكِينِ مِنْ إِخْوَانِكَ الْمُؤْمِنِينَ ثُمَّ قَالَ إِذَا قَامَ قَائِمُ أَهْلِ الْبَيْتِ قَسَمَ بِالسَّوِيَّةِ وَ عَدَلَ فِي الرِّعِيَّةِ فَمَنْ أَطَاعَهُ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَ إِنَّمَا سُمِّيَ الْمَهْدِيُّ مَهْدِيًّا لِأَنَّهُ يُهْدَى إِلَى أَمْرٍ خَفِيٍّ وَ يَسْتَخْرِجُ التَّوْرَةَ وَ سَائِرَ كُتُبِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ غَارٍ بَانْطَاكِيَّةٍ وَ يَحْكُمُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَةِ بِالتَّوْرَةِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِالْإِنْجِيلِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الزَّبُورِ بِالزَّبُورِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْقُرْآنِ بِالْقُرْآنِ وَ تُجْمَعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ الدُّنْيَا مِنْ بَطْنِ الْأَرْضِ وَ ظَهْرُهَا فَيَقُولُ لِلنَّاسِ

تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ وَ سَفَكْتُمْ فِيهِ الدِّمَاءَ الْحَرَامَ وَ رَكِبْتُمْ فِيهِ
مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَيُعْطَىٰ شَيْئًا لَمْ يُعْطَهُ أَحَدٌ كَانَ قَبْلَهُ وَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ
عَدْلًا وَ قِسْطًا وَ نُورًا - كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا وَ شَرًّا. (الغيبه للنعماني
ص: ۲۳۷)

آن زمان که قائم ما اهل بیت قیام نماید، (بیت المال را) به تساوی
قسمت کند و در میان رعیت عدالت ورزد، پس کسی که از او فرمان
برد، واقعا که از خدا فرمان برده است و کسی که او را نافرمانی کند،
در حقیقت خدا را نافرمانی کرده است و همانا مهدی، مهدی نامیده
شده است، به دلیل این که به امر پنهانی، هدایت می‌شود و تورات
واقعی و سایر کتب خداوند عز و جل را از غاری در انطاکیه بیرون
می‌آورد و در میان اهل تورات به تورات حکم می‌کند و در میان اهل
انجیل به انجیل و در میان اهل زبور (پیروان داود) به زبور و در میان
اهل قرآن به قرآن حکم می‌کند. تمام اموال دنیا از دل زمین و روی
زمین، نزد او جمع می‌شود، پس به مردم می‌گوید بیاید به سوی آن
چه (مالی که به خاطر آن) قطع رحم می‌کردید و خون حرام
می‌ریختید و آن چه خداوند عز و جل حرام کرده بود مرتکب
می‌شدید، پس بخششی می‌کند که هیچ کس پیش از او نبخشیده بود
و زمین را از عدل و داد پر می‌کند همچنان که از ظلم و جور و شر پر
شده بود.

روایت ۱۶) وَ عَنْهُ عِ إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ... وَ يُعْطَى النَّاسَ عَطَايَا مَرَّتَيْنِ فِي
السَّنَةِ وَ يَرْزُقُهُمْ فِي الشَّهْرِ رِزْقَيْنِ وَ يُسَوِّي بَيْنَ النَّاسِ حَتَّى لَا تَرَى

جهان در عصر طلایی ظهور / ۹۳

مُحْتَاَجًا إِلَى الزَّكَاةِ وَ يَجِيءُ أَصْحَابُ الزَّكَاةِ بِزَكَاتِهِمْ إِلَى الْمَحَاوِجِ مِنْ شِيعَتِهِ فَلَا يَقْبَلُونَهَا فَيَصْرُوْنَهَا وَ يَدُورُونَ فِي دُورِهِمْ فَيَخْرُجُونَ إِلَيْهِمْ فَيَقُولُونَ لَنَا حَاجَةٌ لَنَا فِي دَرَاهِمِكُمْ وَ سَاقَ الْحَدِيثِ إِلَى أَنْ قَالَ وَ يَجْتَمِعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ أَهْلِ الدُّنْيَا كُلُّهَا مِنْ بَطْنِ الْأَرْضِ وَ ظَهَرَهَا فَيَقَالُ لِلنَّاسِ تَعَالَوْا إِلَى مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ وَ سَفَكْتُمْ فِيهِ الدَّمَ الْحَرَامَ وَ رَكِبْتُمْ فِيهِ الْمَحَارِمَ فَيُعْطَى عَطَاءً لَمْ يُعْطِهِ أَحَدٌ قَبْلَهُ. (بحار الأنوار ج ۵۲، ص: ۳۹۰)

هنگامی که قائم آشکار شود... و در سال دو مرتبه به مردم عطا خواهد کرد و در ماه دو بار روزی آنها را خواهد داد و در میان مردم با حقوق برابر رفتار خواهد کرد (و مردم بدان پایه از توانگری می‌رسند) که نیازمند زکات، نمی‌یابی و زکات داران زکاتشان را نزد شیعیان (به ظاهر) نیازمند می‌آورند ولی (آنان به خاطر بی‌نیازی) نمی‌پذیرند، پس مال زکات را در کیسه می‌کنند و میان خانه‌های مردم می‌چرخانند و به آنان عرضه می‌کنند، اما آنان می‌گویند نیازی به اموال شما نداریم... تمامی اموال اهل دنیا از درون و برون زمین، نزد آن حضرت جمع می‌شود. سپس به مردم گفته می‌شود برای گرفتن آن چه (از مال دنیا که برای به دست آوردن آن) قطع رحم می‌کردید و خون حرام می‌ریختید و مرتکب محارم می‌شدید، بیایید. پس حضرت بخششی می‌کند که هیچ کس پیش از آن چنین بخششی نکرده است.

روایت ۱۷) قَالَ عِمْرَانُ بْنُ الْحُصَيْنِ يَا رَسُولَ اللَّهِ صِفْ لَنَا هَذَا الرَّجُلَ قَالَ هُوَ رَجُلٌ مِنْ وَدِّ الْحُسَيْنِ كَأَنَّهُ مِنْ رِجَالِ شَنْوَاءَ عَلَيْهِ عِبَاءَتَانِ

قَطَوَانِيَّتَانِ اسْمُهُ اسْمِي فَعِنْدَ ذَلِكَ تُفْرِحُ الطُّيُورُ فِي أَوْكَارِهَا وَ الْحِيَتَانِ فِي
بِحَارِهَا وَ تُمَدُّ الْأَنْهَارُ وَ تَفِيضُ الْعُيُونُ وَ تُنْبِتُ الْأَرْضُ ضِعْفَ أَكْلِهَا ثُمَّ
يُسِيرُ مُقَدِّمَتَهُ جِبْرَائِيلُ وَ سَاقَتَهُ إِسْرَافِيلُ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا
مُلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۰۴

عمران بن حصین گفت ای پیامبر این مرد (یعنی حضرت مهدی
علیه السلام) را برای ما توصیف نما، حضرت فرمود او مردی است از
فرزندان حسین علیه السلام، او از مردانی است که کارهای ناپسند را
مبغوض دارد، بر او دو عبا ی قطوانی است نام او، نام من است، در آن
هنگام پرندگان در لانه‌هایشان و ماهی‌ها در دریا‌هایشان (در کمال
آرامش) تخمگذاری (یا شادی) می‌کنند و رودها به جریان می‌افتد و
چشمه‌ها می‌جوشد و زمین محصولش را دو برابر می‌رویانند، سپس
جبرائیل مقدمه (پیشاهنگان) لشکرش را و اسرافیل ساقه (میانه)
لشکرش را حرکت می‌دهد، پس زمین پر از عدل و داد می‌گردد
همچنان که پیش از این پر از جور و ستم شده بود.

در ریاض الابرار به جای تُفْرِحُ الطُّيُورُ... تفرح الطيور... آمده است.

روایت ۱۸) إِذَا قَامَ الْقَائِمُ سَارَ إِلَى الْكُوفَةِ فَهَدَمَ بِهَا أَرْبَعَةَ مَسَاجِدَ وَ
لَمْ يَبْقَ مَسْجِدٌ عَلَى الْأَرْضِ لَهُ شَرْفٌ إِلَّا هَدَمَهَا وَ جَعَلَهَا جَمَاءً وَ وَسَّعَ
الطَّرِيقَ الْأَعْظَمَ وَ كَسَرَ كُلَّ جَنَاحٍ خَارِجٍ عَنِ الطَّرِيقِ وَ أَبْطَلَ الْكُنْفَ وَ
الْمِيَازِبَ إِلَى الطَّرِيقَاتِ وَ لَا يَتْرُكُ بَدْعَةً إِلَّا أزالَهَا وَ لَا سُنَّةً إِلَّا أَقَامَهَا وَ
يَفْتَحُ قُسْطَنْطِينِيَّةَ وَ الصِّينَ وَ جِبَالَ الدَّيْلَمِ فَيَمْكُثُ عَلَى ذَلِكَ سَبْعَ سِنِينَ

جهان در عصر طلایی ظهور / ۹۵

مِقْدَارُ كُلِّ سَنَةٍ عَشْرُ سِنِينَ مِنْ سِنِيكُمْ هَذِهِ ثُمَّ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ قَالَ قُلْتُ لَهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ فَكَيْفَ تَطُولُ السُّنُونُ قَالَ يَا أَمْرُ اللَّهِ تَعَالَى الْفَلَكَ بِاللُّبُوثِ وَ قِلَّةِ الْحَرَكَةِ فَتَطُولُ الْأَيَّامُ لِذَلِكَ وَ السُّنُونُ قَالَ قُلْتُ لَهُ إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّ الْفَلَكَ إِذَا تَغَيَّرَ فَسَدَ قَالَ ذَلِكَ قَوْلُ الزَّنَادِقَةِ فَأَمَّا الْمُسْلِمُونَ فَلَا سَبِيلَ لَهُمْ إِلَى ذَلِكَ وَ قَدْ شَقَّ اللَّهُ الْقَمَرَ لِنَبِيِّهِ ص وَ رَدَّ الشَّمْسَ مِنْ قَبْلِهِ لِيُوشَعَ بَنُونَ وَ أَخْبَرَ بِطُولِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ أَنَّهُ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۹

هنگامی که قائم قیام کند به سوی کوفه رود، چهار مسجد را در کوفه خراب نماید و هیچ مسجدی که دارای سازه مشرف و برجسته باشد را در زمین باقی نگذارد مگر این که (بخش مشرف و مرتفع را خراب کرده و آن را) صاف نماید و راه اصلی را توسعه دهد و تمامی پیش آمدگی‌های ساختمانها را که از فضای راه استفاده کرده، از بین می‌برد^۱ و تمام مجاری فاضلاب و آب باران که به خیابان باز شده تخریب می‌کند و هیچ بدعتی را رها نمی‌کند مگر این که آن را از بین ببرد و هیچ سنت ترک شده را رها نمی‌کند مگر این که آن را برپا دارد، و قسطنطنیه و چین و کوه‌های دیلم را فتح نماید، پس هفت سال عمر کند که هر سالش برابر ده سال از این سالهای شماست، سپس خداوند آن چه را که بخواهد انجام می‌دهد. به حضرت عرض

۱- احتمال می‌رود در عبارت تصحیفی شده باشد لذا بر اساس سیاق این ترجمه محتمل است.

کردم فدای شما کردم چگونه سالها طولانی می‌گردد؟ فرمود خداوند به فلک دستور می‌دهد که درنگ نموده و به کندی حرکت کند، از این رو روزها طولانی می‌گردد...

روایت (۱۹) عَلِيُّ بْنُ عَاصِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ع قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص وَ عِنْدَهُ أَبِيُّ بْنُ كَعْبٍ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَرْحَبًا بِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا زَيْنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ رَكِبَ فِي صُلْبِ الْحَسَنِ نُطْفَةً مُبَارَكَةً زَكِيَّةً طَيِّبَةً طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً يَرْضَى بِهَا كُلُّ مُؤْمِنٍ مِمَّنْ أَخَذَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِيثَاقَهُ فِي الْوَلَايَةِ وَ يَكْفُرُ بِهَا كُلُّ جَاحِدٍ فَهُوَ إِمَامٌ تَقِيٌّ نَقِيٌّ بَارٌّ مَرْضِيٌّ هَادٍ مَهْدِيٌّ أَوَّلُ الْعَدْلِ وَ آخِرُهُ... كَمَالِ الدِّينِ وَ تَمَامِ النِّعْمَةِ، ج ۱، ص: ۲۶۴

پس او امام تقی نقی نیکوکار هادی مهدی، سرآمد و نخستین عدالت و منتهای عدالت است.

روایت (۲۰) عَلِيُّ بْنُ عُقْبَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَ ارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ وَ أَمِنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا وَ رَدَّتْ كُلَّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ وَ لَمْ يَبْقَ أَهْلٌ دِينٍ حَتَّى يُظْهِرُوا الْإِسْلَامَ وَ يَعْتَرِفُوا بِالْإِيمَانِ أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ وَ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ

جهان در عصر طلایی ظهور / ۹۷

حُكْمِ مُحَمَّدٍ ص فَحِينِيذٍ تُظْهِرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا وَ تُبْدِي بَرَكَاتَهَا وَ لَا يَجِدُ
الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعاً لِمِصَدَقَتِهِ وَ لَا لِبِرِّهِ لِيَسْمُولَ الْغِنَى جَمِيعَ
الْمُؤْمِنِينَ ثُمَّ قَالَ إِنَّ دَوْلَتَنَا آخِرُ الدُّوَلِ وَ لَمْ يَبْقَ أَهْلُ بَيْتٍ لَهُمْ دَوْلَةٌ إِلَّا
مَلَكَوْا قَبْلَنَا لَيْتَا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سِيرَتَنَا إِذَا مَلَكَنَا سِرْنَا بِمِثْلِ سِيرَةِ هَؤُلَاءِ وَ
هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ. بحار الأنوار ج ۵۲، ص ۳۳۸

هنگامی که قائم ما قیام کند، به عدالت حکم نماید و در روزگارش
ستم برطرف شود و راهها امن گردد و زمین برکاتش را بیرون آورد و
تمام حقوق را به اهلش باز گرداند و در زمین اهل دینی دیگر باقی
نماند مگر این که همگی اظهار اسلام نمایند و به ایمان به خدا
اعتراف کنند، آیا نشنیده‌ای که خداوند سبحان می‌فرماید «و هر که
در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است، و
به سوی او بازگردانیده می‌شوند» و میان مردم به حکم داودی و حکم
محمدی حکم نماید. پس در این روزگار زمین گنجهایش را ظاهر
سازد و برکاتش را آشکار کند و مردی از شما جایی برای صدقه دادن
و احسان پیدا نمی‌کند زیرا توانگری همه مؤمنان را فراگرفته است.
سپس فرمود راستی که حکومت ما آخرین حکومتهاست و هیچ اهل
بیتی که مدعی حکومت هستند نمی‌مانند، مگر این که پیش از ما به
قدرت برسند (و شکست عملی خود را ببینند) تا هنگامی که روش
حکومتداری (موفق) ما را دیدند، ادعا نکنند اگر ما به حکومت
می‌رسیدیم به مانند اینان حکومت می‌کردیم و این مصداق سخن
خدای تعالی است که «سرانجام نیکو از آن پرهیزکاران است».

روایت (۲۱) عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ وَجَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ وَجَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا خصال ج ۲ ص ۵۴۱

آن زمان که قائم ما قیام کند، خداوند عز و جل بیماری را از شیعیان برطرف نماید و دل‌های آنها را همچون قطعه‌های آهن محکم سازد و توانایی هر مردی از شیعیان ما را به اندازه چهل مرد قرار می‌دهد.

روایت (۲۲) عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ: ... وَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى سَيَجْرِي سُنَّتُهُ فِي الْقَائِمِ مِنْ وُلْدِي فَيَبْلُغُهُ شَرْقَ الْأَرْضِ وَغَرْبَهَا حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْهَا [مَنْهَلٌ] وَ لَا مَوْضِعًا [مَوْضِعٌ] مِنْ سَهْلٍ وَ لَا جَبَلٍ وَطِئَهُ ذُو الْقَرْنَيْنِ إِلَّا وَطِئَهُ وَ يُظْهِرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ وَ مَعَادِنَهَا وَ يَنْصُرُهُ بِالرُّعْبِ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ بِهِ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۹۴

خداوند تبارک و تعالی به زودی سنت خودش را در قائم از فرزندان من جاری خواهد ساخت، پس او را به شرق زمین و غرب آن می‌رساند، تا این که هیچ آبشخوری و مکانی از دشت و کوه باقی نماند که ذوالقرنین بر آن پا نهاده است، مگر این که قائم علیه السلام بر آن پا نهد و آن را تسخیر نماید و خداوند عز و جل گنجهای زمین و معادن آن را برای حضرت آشکار سازد و او را وسیله رعب و ترس یاری نماید، پس زمین را از عدل و داد پر سازد، آن گونه که پیش از آن از جور و ظلم پر گشته بود.

جهان در عصر طلایی ظهور / ۹۹

روایت ۲۳) فِيمَا الْأَرْضِ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا حَتَّى تَرعى الْوَحُوشَ
وَالسَّبَاعَ وَتَلْعَبُ بِهِمُ الصَّبِيَّانَ وَتَأْمَنُ النِّسَاءَ مِنْ أَنْفُسِهِنَّ حَتَّى لَوْ أَنَّ
امْرَأَةً فِي الْعَرَبِيَّاتِ لَمْ تَخَفْ عَلَى نَفْسِهَا، وَ يَظْهَرُ اللَّهُ كَنُوزَ الْأَرْضِ
لِلْمُؤْمِنِينَ وَ يَسْتَغْنَى كُلُّ مُؤْمِنٍ فَقِيرٍ بِقُدْرَةِ اللَّهِ إِذَا نَاصِبٌ ج ۲، ص:

۲۴۹

پس زمین را از عدل پر می‌کند، آن گونه که پیش از این از جور
پر شده است، آن چنان که حیوانات وحشی و درندگان (در کنار
یکدیگر در آسایش) می‌چرند و زندگی می‌کنند و کودکان با آنها بازی
می‌کنند و زنان در مورد خودشان (آن چنان) امنیت دارند که حتی
اگر (تنها) در بیابان خلوتی باشند بر خودشان نگران نمی‌شوند و
خداوند گنجهای زمین را برای مؤمنین آشکار می‌سازد و به قدرت
الهی تمامی مؤمنان بی‌نیاز می‌شوند.^۱

روایت ۲۴) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: تَوَاصَلُوا وَ تَبَارَكُوا وَ تَرَاحَمُوا
فَوَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ لِيَأْتِيَنَّ عَلَيْكُمْ وَقْتُ لَأَ يَجِدُ أَحَدُكُمْ
لِدِينَارِهِ وَ دِرْهَمِهِ مَوْضِعًا يَعْنِي لَأَ يَجِدُ عِنْدَ ظُهُورِ الْقَائِمِ ع مَوْضِعًا يَصْرِفُهُ

۱- الزام الناصب این روایت را از عقد الدرر نقل می‌کند و محقق در پاورقی آورده
است که در مصدر به جای کلمه «العرباء»، «العراء» آمده است.

ما نیز بر اساس مصدر ترجمه کردیم. عراء به معنای مکان خالی بی حفاظ مانند
بیابان است. اما عرباء به معنی عرب خالص است. بر اساس نسخه عرباء نیز
ممکن است این گونه ترجمه شود که زنان حتی در میان عربهای خالص که از نظر
شهوت یا التزام به دین مشکل دارند، در امنیت کامل به سر می‌برند.

فِيهِ لِاسْتِغْنَاءِ النَّاسِ جَمِيعاً بِفَضْلِ اللَّهِ وَ فَضْلِ وَلِيِّهِ فَقُلْتُ وَ أَنَّى يَكُونُ ذَلِكَ - فَقَالَ عِنْدَ فَقْدِكُمْ إِمَامَكُمْ فَلَا تَزَالُونَ كَذَلِكَ حَتَّى يَطَّلِعَ عَلَيْكُمْ كَمَا تَطَّلِعُ الشَّمْسُ آيسَ مَا تَكُونُونَ فَأَيَّاكُمْ وَ الشَّكَّ وَ الْإِرْتِيَابَ وَ انْفُوا عَن أَنْفُسِكُمُ الشُّكُوكَ وَ قَدْ حَدَّرْتُكُمْ فَاحْذَرُوا أَسْأَلُ اللَّهَ تَوْفِيقَكُمْ وَ إِرْشَادَكُمْ. بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۴۷

به همدیگر بخشش کنید و نیکی نمایید و رحم نمایید، سوگند به کسی که دانه را شکاف و انسان را آفرید البته زمانی بر شما خواهد آمد که هیچ یک از شما برای انفاق دینار و درهمش کسی را پیدا نمی‌کند، یعنی هنگام ظهور قائم علیه السلام جایی برای مصرف آن نمی‌یابد، چون همه مردم به فضل خداوند و فضل ولی او بی‌نیاز شده‌اند، پس به حضرت عرض کردم چه زمانی چنین می‌شود؟ فرمود: هنگام از دست دادن امامتان، پس پیوسته چنین باشد تا این که در نهایت ناامیدی آن حضرت بر شما طلوع کند، همچنان که خورشید طلوع می‌کند، پس بپرهیزید از شک و ریب، و شکها را از خودتان بزدایید و به تحقیق به شما هشدار دادم، پس هوشیار باشید، از خداوند توفیق و ارشاد شما را خواستارم.

روایت (۲۵) مُحَمَّدِ بْنِ فَضَيْلٍ، عَنِ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ، يَأْمُرُ اللَّهُ الْمَلَائِكَةَ بِالسَّلَامِ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ، وَ الْجُلُوسِ مَعَهُمْ فِي مَجَالِسِهِمْ، فَإِذَا أَرَادَ وَاحِدٌ حَاجَةً أَرْسَلَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْضِ الْمَلَائِكَةِ أَنْ يَحْمِلَهُ، فَيَحْمِلُهُ الْمَلِكُ حَتَّى يَأْتِيَ الْقَائِمَ، فَيَقْضِي حَاجَتَهُ، ثُمَّ يَرُدُّهُ. وَ

جهان در عصر طلایی ظهور / ۱۰۱

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ يَسِيرُ فِي السَّحَابِ، وَ مِنْهُمْ مَنْ يَطِيرُ مَعَ الْمَلَائِكَةِ، وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي مَعَ الْمَلَائِكَةِ مَشْيًا، وَ مِنْهُمْ مَنْ يَسْبِقُ الْمَلَائِكَةَ، وَ مِنْهُمْ مَنْ تَتَحَاكَمُ الْمَلَائِكَةُ إِلَيْهِ؛ وَ الْمُؤْمِنُونَ أَكْرَمُ عَلَى اللَّهِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ؛ وَ مِنْهُمْ مَنْ يُصَيِّرُهُ الْقَائِمُ قَاضِيًا بَيْنَ مِائَةِ أَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ. دلائل الامامة

۴۵۴

هنگامی که قائم قیام کند، خداوند به فرشتگان فرمان دهد که بر مؤمنین سلام دهید و با آنان در مجالسشان بنشینید، پس زمانی که یکی از مؤمنین کاری نزد امام داشته باشد، قائم بعضی از فرشتگان را می‌فرستند که او را نزد حضرت بیاورد، پس فرشته او را حمل می‌کند، تا این که او را نزد قائم می‌رساند، پس حضرت حاجت او را روا می‌کند، سپس آن فرشته او را باز می‌گرداند. و از مؤمنین کسانی هستند که در ابر سیر می‌کنند و از آنان کسانی هستند که با فرشتگان پرواز می‌کنند و از آنها کسانی هستند که با فرشتگان پیاده راه می‌روند و از آنها کسانی هستند که از فرشتگان پیشی می‌گیرند و از آنان کسانی هستند که فرشتگان، اختلافاتشان را نزد آنها حل و فصل می‌کنند و مؤمنین نزد خداوند گرامی‌تر از فرشتگان هستند و از مؤمنین کسانی هستند که قائم آنها را میان صد هزار فرشته به عنوان قاضی منصوب می‌کند.

روایت (۲۶) يُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ وَ يَقَدِّسُهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ وَ هُوَ الَّذِي تَشْكُ النَّاسُ فِيهِ وَ لِوَالِدَتِهِ وَ هُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ قَبْلَ خُرُوجِهِ فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ يَضَعُ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ

أَحَدًا وَهُوَ الَّذِي تَطْوَى لَهُ الْأَرْضُ وَ لَأ يَكُونُ لَهُ ظِلٌّ وَهُوَ الَّذِي يُنَادِي
 مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يَسْمَعُهُ جَمِيعُ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالدُّعَاءِ إِلَيْهِ أَلَا إِنَّ حُجَّةَ اللَّهِ
 قَدْ ظَهَرَ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ فَإِنَّ الْحَقَّ مَعَهُ وَ فِيهِ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ
 جَلَّ إِنَّ نَشَأَ نُزِّلَ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ. بحار
 الانوار ج ۵۲ ص ۳۲۱

خداوند به وسیله قائم علیه السلام زمین را از هر ستمی پاک
 می‌سازد و از هر ظلمی منزّه می‌گرداند و قائم همان کسی است که
 مردم در تولدش تردید می‌کنند و او پیش از خروجش، صاحب غیبت
 است، زمانی که قائم علیه السلام خروج کند زمین به نور او درخشان
 می‌گردد، ترازوی عدالت را میان مردم می‌گذارد، پس هیچ کس به
 کس دیگر ستم نمی‌کند و او کسی است که زمین برای او پیچیده
 می‌شود (و طی الارض دارد) و برای او سایه نیست و او کسی است که
 (درباره او) ندا دهنده‌ای که صدای او را همه اهل زمین می‌شنوند از
 آسمان ندا می‌دهد که مردم را به سوی او می‌خواند و می‌گوید آگاه
 باشید که به راستی حجت خدا در کنار خانه او (کعبه) آشکار شده
 است، پس از او پیروی نمایید به راستی که حق با اوست و در دست
 اوست و این مصداق سخن خدای عز و جل است که می‌فرماید «اگر
 بخواهیم، معجزه‌ای از آسمان بر آنان فرود می‌آوریم، تا در برابر آن،
 گردنهایشان خاضع گردد».

روایت (۲۷) عَنْ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ فِي
 قَوْلِ اللَّهِ وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا قَالَ رَبُّ الْأَرْضِ إِمَامُ الْأَرْضِ قُلْتُ

جهان در عصر طلایی ظهور / ۱۰۳

فَإِذَا خَرَجَ يَكُونُ مَا ذَا قَالَ إِذَا يَسْتَعْنِي النَّاسُ عَنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَ نُورِ الْقَمَرِ وَ يَجْتَزِعُونَ بِنُورِ الْإِمَامِ. بحار الانوار ج ۷ ص ۳۲۶

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام شنید که حضرت درباره این سخن خدا در قرآن که «و زمین به نور پروردگارش درخشان گردد» فرمود: پروردگار زمین، امام زمین است. به امام گفتم پس زمانی که امام خروج کند چه خواهد شد؟ فرمود در این دوران مردم از پرتو خورشید و نور ماه بی‌نیاز خواهند شد و به نور امام بسنده می‌کنند.

روایت ۲۸) قَالَ الْمُفَضَّلُ يَا سَيِّدِي وَ تَظْهَرُ الْمَلَائِكَةُ وَ الْجِنُّ لِلنَّاسِ قَالَ إِي وَ اللَّهُ يَا مُفَضَّلُ وَ يُخَاطَبُونَهِمْ كَمَا يَكُونُ الرَّجُلُ مَعَ حَاشِيَتِهِ وَ أَهْلِهِ قُلْتُ يَا سَيِّدِي وَ يَسِيرُونَ مَعَهُ قَالَ إِي وَ اللَّهُ يَا مُفَضَّلُ وَ لَيَنْزِلَنَّ أَرْضَ الْهَجْرَةِ مَا بَيْنَ الْكُوفَةِ وَ النَّجْفِ وَ عَدَدُ أَصْحَابِهِ ع حِينَئِذٍ سِتَّةٌ وَ أَرْبَعُونَ أَلْفًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ سِتَّةٌ أَلْفٌ مِنَ الْجِنِّ وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى وَ مِثْلَهَا مِنَ الْجِنِّ بِهِمْ يَنْصُرُهُ اللَّهُ وَ يَفْتَحُ عَلَى يَدَيْهِ بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۰

مفضل گفت ای آقای من آیا فرشتگان و جنیان برای مردم آشکار می‌شوند؟ حضرت فرمود بله، سوگند به خدا ای مفضل، و مردم با فرشتگان و جنیان سخن خواهند گفت همچنان که انسان با اطرافیان و بستگانش سخن می‌گوید. گفتم ای آقای من آیا فرشتگان و جنیان با او حرکت (و همراهی) می‌کنند؟ فرمود بله، سوگند به خدا ای مفضل، البته که در سرزمین هجرت که میان کوفه و نجف است فرود

می آیند (و ساکن می گردند) و تعداد اصحاب حضرت در آن زمان،
چهل و شش هزار از فرشتگان و شش هزار از جنیان است...

روایت (۲۹) وَ يَقُولُ لِلْمَهْدِيِّ سِرِّ بِالْمَلَائِكَةِ وَ خُلَصَاءِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ
نُقَبَائِكَ الْمُخْتَارِينَ وَ مَنْ سَمِعَ وَ أَطَاعَ اللَّهَ لَنَا فَاحْمِلْ خَيْلَكَ فِي الْهَوَاءِ
فَإِنَّهَا تَرْكُضُ كَمَا تَرْكُضُ عَلَى الْأَرْضِ وَ أَحْمِلْهَا عَلَى وَجْهِ الْمَاءِ فِي
الْبَحَارِ وَ الْأَمْصَارِ فَإِنَّهَا تَرْكُضُ بِحَوَافِرِهَا عَلَيْهِ فَلَا يُبَلُّ لَهَا حَافِرٌ وَ إِنَّهَا
تَسِيرُ مَعَ الطَّيْرِ وَ تَسْبِقُ كُلَّ شَيْءٍ فَخُذْ بِثَارِكٍ وَ ثَارِنَا وَ اقْتَصِّ بِمَظَالِمِنَا
مِنْهُمْ وَ أَظْهِرْ حَقَّنَا وَ أَزْهِقِ الْبَاطِلَ فَإِنَّهَا دَوَّلَةٌ لَا لَيْلَ فِيهِ وَ لَا ظُلْمَةَ وَ لَا
قِتَامَ... هداية الكبرى ۴۲۹

و پیامبر صلی الله علیه و آله به مهدی علیه السلام می گوید که
همراه با فرشتگان و مؤمنان خالص جنی و انسی و همراه نقیبانت که
انتخاب شده اند و همراه هر کسی که صدای تو را شنید و خدا را
فرمان برد، حرکت کن پس سوارانت را در هوا بتازان که آنان همچنان
که در زمین می دوند در هوا نیز حرکت می کنند و همچنین سوارانت
را بر رو آب، در دریاها و سرزمین ها بتازان، پس آنان با اسبهایشان (در
دریاها) می دوند، ولی پای اسبشان تر نمی گردد و سوارانت همراه
پرندهگان پرواز می کنند و از هر چیز پیشی می گیرند، پس انتقام خون
(اجداد) خودت و انتقام خون ما را بگیر و حق های پایمال شده ما را از
ظالمین قصاص نما و حق ما را آشکار کن و باطل را نابود ساز، پس
حکومت قائم حکومتی است که در او شب و تاریکی و غبار نیست...

روایت (۳۰) وَ يَصِيرُ الدِّينُ لِلَّهِ وَ أَصِيبًا فَإِذَا صَفَتْ جَرَّتْ أَنْهَارُهَا بِالْمَاءِ

جهان در عصر طلایی ظهور / ۱۰۵

وَ اللَّبَنِ وَالْعَسَلِ وَالْخَمْرِ بِغَيْرِ بَلَاءٍ وَ لَا غَائِلَةٍ وَ تُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ بِالْبُرِّ
وَ تُمَطَّرُ السَّمَاءُ خَيْرَهَا وَ تُخْرَجُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا وَ تَعْظُمُ الْبُرَّةُ حَتَّى تَصِيرَ
حِمْلَ بَعِيرٍ وَ يَجْتَمِعُ الْإِنْسَانُ وَ السَّبْعُ وَ الطَّيْرُ وَ الْحَيَّةُ وَ سَائِرُ مَنْ يَدِبُ
فِي بُقْعَةٍ وَاحِدَةٍ فَلَا يُوحِشُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا بَلْ يُؤْنِسُهُ وَ نُحَادِثُهُ وَ يَشْرَبُ
الذُّبَّ وَ الشَّاةُ مِنْ مَوْرِدٍ وَاحِدٍ وَ يَصْدُرَانِ كَمَا يَصْدُرُ الرَّجُلَانِ الْمُتَوَاحِيَانِ
فِي اللَّهِ مِنْ وَرْدِهِمْ وَ تَخْرُجُ الْفَتَاةُ الْعَاتِقُ وَ الْعَجُوزُ الْعَاقِرُ وَ عَلَى رَأْسِهَا
مِكْيَالٌ مِنْ دَقِيقٍ أَوْ بُرٍّ أَوْ سَوِيقٍ وَ تَبْلُغُ حَيْثُ شَاءَتْ مِنَ الْأَرْضِ وَ لَا
يَمَسُّهَا نَصَبٌ وَ لَا لُغُوبٌ وَ تَرْتَفِعُ الْأَمْرَاضُ وَ الْأَسْقَامُ وَ يَسْتَغْنِي الْمُؤْمِنُ
عَنْ قَصِّ شَعْرِهِ وَ تَقْلِيمِ أَظْفَرِهِ وَ غَسْلِ أَثْوَابِهِ وَ عَنْ حَمَامٍ وَ حَجَّامٍ وَ عَنْ
طِبِّ وَ طَبِيبٍ وَ يُفْصَحُ عَنْ كُلِّ ذِي نُطْقٍ مِنَ الْبَشَرِ وَ الدَّوَابِّ وَ الطَّيْرِ وَ
الْهُوَامِّ وَ الدَّبِيبِ وَ تُفْقَدُ جَمِيعُ اللُّغَاتِ وَ لَمْ يَبْقَ إِلَّا اللُّغَةُ الْعَرَبِيَّةُ بِإِفْصَاحِ
لِسَانٍ وَاحِدٍ وَ لَا يَخْرُجُ الْمُؤْمِنُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَرَى مِنْ صَلْبِهِ أَلْفَ وَكْدٍ
ذَكَرَ مُؤْمِنٍ مُوَحَّدٍ تَقِيٍّ. هداية الكبرى ۴۳۰

و دین در تمامی جهان برای همیشه دین خدا خواهد شد، پس
هنگامی که (زمین از کفر و شرک و ظلم) پاک گردید، رودهای زمین
با آب و شیر و عسل و شراب جریان پیدا می‌کند، بدون این که بلائی
و هلاک کننده‌ای (در آنها) باشد و درهای آسمان به نیکی گشوده
می‌شود و آسمان خیرش را می‌بارد و زمین گنجهایش را خارج
می‌سازد و یک دانه گندم آن چنان رشد می‌کند که به اندازه بار یک

شتر می‌گردد و انسان و درندگان و پرندگان و مارها و بقیه جنبندگان در یک مکان اجتماع می‌کنند، بدون این که بعضی از بعضی دیگر وحشت کنند، بلکه این حیوانات، مونس انسان خواهند بود و با او سخن می‌گویند^۱ و گرگ و گوسفند از یک آبشخور آب می‌خورند و همانند دو برادر ایمانی از آبشخورشان (با همدیگر و به مهربانی) برمی‌گردند و دختر نوجوان و پیر فرتوت از خانه‌اش بیرون می‌آید در حالی که بر سرش مقداری آرد یا گندم یا سویق است و (مسیرش را طی می‌کند تا) به سرزمینی که می‌خواهد می‌رسد، در حالی که نه خستگی به او می‌رسد و نه رنجی و نه امر ناگواری، و مرضها و بیماری‌های مزمن برطرف می‌گردد و مؤمن از کوتاه کردن مو و ناخن و شستن لباسهایش و حمام رفتن و حجامت کردن و از علم پزشکی و از پزشک بی‌نیاز می‌شود و معنی زبان هر صاحب سخنی از بشر و چهارپا و پرنده و گزنده و جنبده آشکار می‌شود و (سپس) همه زبانها نابود می‌شود و جز زبان عربی باقی نمی‌ماند و مؤمن از دنیا نمی‌رود، مگر این که از نسلش هزار پسر مؤمن موحد متقی ببیند.

روایت (۳۱) عَبْدُ الْكَرِيمِ الْخَثْعَمِيُّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ كَمْ يَمْلِكُ الْقَائِمُ عَ فَقَالَ سَبْعَ سِنِينَ يَطُولُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي حَتَّى تَكُونَ السَّنَةُ مِنْ سِنِيهِ مِقْدَارَ عَشْرِ سِنِينَ مِنْ سِنِيكُمْ فَيَكُونُ سِنُو مُلْكِهِ سَبْعِينَ سَنَةً مِنْ سِنِيكُمْ هَذِهِ... بحارالانوار ج ۵۲ ص ۳۳۷

عبدالکریم خثعمی گفت به امام صادق علیه السلام گفتم قائم چند

۱- در متن نُحَادِثُهُ است اما به قرینه در آن تصرف کردیم.

جهان در عصر طلایی ظهور / ۱۰۷

سال حکومت می‌کند؟ فرمود هفت سال. (اما) روزها و شبها طولانی می‌شود آن چنان که یک سال از سالهای دوران ظهور، به اندازه ده سال از سالهای شماسست، پس سلطنت او هفتاد سال از سالهای شما می‌شود...

روایت (۳۲) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَوَّلُ مَا يُظْهِرُ الْقَائِمُ مِنَ الْعَدْلِ أَنْ يُنَادِيَ مُنَادِيَهُ أَنْ يُسَلِّمَ صَاحِبُ النَّافِلَةِ لِصَاحِبِ الْفَرِيضَةِ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ وَ الطَّوَّافَ. بحار الانور ج ۵۲ ص ۳۷۴

نخستین عدالتی که قائم علیه السلام آشکار می‌کند این است که منادی از جانب ایشان ندا می‌دهد کسی که حج مستحب دارد، مکان حجر الاسود و طواف را به کسی که حج واجب دارد واگذار کند.

روایت (۳۳) ثُمَّ يُقْبَلُ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَكُونُ مَنْزِلُهُ بِهَا فَلَا يَتْرُكُ عَبْدًا مُسْلِمًا إِلَّا اشْتَرَاهُ وَ أَعْتَقَهُ وَ لَا غَارِمًا إِلَّا قَضَى دَيْنَهُ وَ لَا مَظْلَمَةً لِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَدَّهَا وَ لَا يَقْتُلُ مِنْهُمْ عَبْدًا إِلَّا أَدَّى ثَمَنَهُ دِيَةً مُسَلَّمَةً إِلَى أَهْلِهِ وَ لَا يَقْتُلُ قَتِيلًا إِلَّا قَضَى عَنْهُ دَيْنَهُ وَ أَلْحَقَ عِيَالَهُ فِي الْعَطَاءِ حَتَّى يَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا وَ عُذْوَانَا بحار الأنوار ج ۵۲، ص: ۲۲۵

سپس رو به کوفه آورد، و منزلش در کوفه باشد و هیچ غلام مسلمانی را رها نمی‌کند مگر این که آن را بخرد و آزاد کند و هیچ مقروضی را رها نمی‌کند مگر این که قرضش را اداء نماید و هیچ مظلومه‌ای از احدی از مردم را رها نمی‌کند مگر این که آن را به صاحبش برگرداند و بنده‌ای از مردم را نمی‌کشد مگر این که دیه او را

به اهلش بدهد و کسی کشته نمی‌شود مگر این که قرضش را اداء نماید و خانواده‌اش را در فهرست عطای (بیت المال) جا دهد، تا این که زمین پر از قسط و عدل گردد، بدان سان که پیش از آن پر از ظلم و جور و عدوان شده بود.

روایت (۳۴) وَ قَالَ أَيْضاً حَدَّثَنَا يُوسُفُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ الْمُقَرِّيِّ عَنْ نُعَيْمِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ لَيْثِ بْنِ عُمَرَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ قَالَ لَا يَكُونُ ذَلِكَ حَتَّى لَا يَبْقَى يَهُودِيٌّ وَ لَا نَصْرَانِيٌّ وَ لَا صَاحِبُ مِلَّةٍ إِلَّا دَخَلَ فِي الْأِسْلَامِ حَتَّى يَأْمَنَ الشَّاةُ وَ الذُّبُّ وَ الْبَقَرَةُ وَ الْأَسَدُ وَ الْإِنْسَانُ وَ الْحَيَّةُ وَ حَتَّى لَا تَقْرَضَ فَاَرَةٌ جِرَابًا وَ حَتَّى تُوَضَعَ الْجَزِيَّةُ وَ يُكْسَرَ الصَّلِيبُ وَ يُقْتَلَ الْخِنْزِيرُ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ وَ ذَلِكَ يَكُونُ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ ع. بحار الأنوار ج ۵۱، ص: ۶۱

ابن عباس درباره این آیه قرآن «تا دین خدا را بر تمام ادیان پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند» گفت این امر محقق نمی‌شود، تا این که یهودی و نصرانی و صاحب دینی باقی نماند جز این که در اسلام داخل گردد، و تا این که گوسفند و گرگ و گاو و شیر و انسان و مار در امان باشند و حتی موشی هم کیسه‌ای را سوراخ نکند و تا این جزیه برداشته شود و صلیب شکسته شود و خنزیر کشته شود و این است مصداق این آیه که «تا دین خدا را بر تمام ادیان پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند» و این امر هنگام قیام قائم خواهد بود.

جهان در عصر طلایی ظهور / ۱۰۹

روایت (۳۵) ثُمَّ يَأْمُرُ مَنْ يَخْفِرُ مِنْ ظَهْرِ مَشْهَدِ الْحُسَيْنِ ع نَهْرًا يَجْرِي
إِلَى الْغُرَيْبِينَ حَتَّى يَنْزِلَ الْمَاءُ فِي النَّجْفِ وَ يَعْمَلُ عَلَى فَوْهَتِهِ الْقَنَاطِيرُ وَ
الْأَرْحَاءُ فَكَأَنِّي بِالْعَجُوزِ عَلَى رَأْسِهَا مِكْتَلٌ فِيهِ بُرٌّ تَأْتِي تِلْكَ الْأَرْحَاءُ
فَتَطْحَنُهُ بِلَا كِرَاءٍ. الارشاد ج ۲ ص ۳۸۰

سپس مهدی علیه السلام فرمان می‌دهد کسی از پشت کربلا
نهری را تا نجف حفر نماید، تا آب به نجف برسد و در دو طرف آن
پل‌ها و آسیاب‌هایی بسازند. پس گویا پیری را می‌بینم که بر سرش
ظرفی گذاشته که در آن گندم است پس این آسیابها بدون هیچ
اجرتی آن را برایش آرد می‌کنند.

روایت (۳۶) عَنْ عُبَايَةَ الْأَسَدِيِّ أَنَّهُ سَمِعَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع يَقُولُ «وَلَهُ
أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا- وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ» أ كَانَ
ذَلِكَ بَعْدَ قِلْتٍ: نَعَمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، قَالَ: كَلَّا وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ- حَتَّى
يَدْخُلَ الْمَرْأَةُ بِنِ عَذْبِ آمَنِينَ- لَا يَخَافُ حَيَّةً وَ لَا عَقْرَبًا فَمَا سَوَى
ذَلِكَ. تفسير عیاشی ج ۱ ص ۱۸۳

ممکن است تصحیفی در روایت باشد و احتمال می‌رود صحیح آن
یدخل المرأة بماء عذب باشد. عذب خاشاک و سبزه‌هایی است روی
آب را می‌گیرد و داخل آب دیده نمی‌شود. بر اساس این احتمال
معنای روایت این می‌شود که:

عبایه اسدی از امیرالمؤمنین علیه السلام (درباره این آیه) شنید
که حضرت می‌فرمود: (آیا جز دین خدا را می‌جویند؟) با آنکه هر که

در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است، و به سوی او بازگردانیده می‌شوند. (در این باره حضرت از من، یعنی عبایه، پرسید:) آیا آن زمان فرا رسیده است؟ گفتم آری ای امیرالمؤمنین. فرمود سوگند به کسی که جانم به دست اوست هرگز (زمان آن فرا نرسیده است) تا زمانی که زن وارد آبی می‌شود که سطح آن پوشیده است و نمی‌بیند چیزی خطرناکی داخل آن هست یا نه؟ اما امنیت آن چنان است که با اطمینان کامل و بدون ترس از ماری، عقربی و... وارد آب می‌شود.

روایت ۳۷) عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ مَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي مِنْ ذِي

عَاهَةِ بَرَأَ وَ مِنْ ذِي ضَعْفٍ قَوِيَ. خرائج ج ۲ ص ۸۳۹

هر بیماری که (دوران) قائم اهل بیت مرا درک کند، خوب می‌شود و هر ناتوانی که او را درک کند توانا می‌گردد.

روایت ۳۸) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ أَبِيهِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع أَنَّهُ

قَالَ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ الْعَاهَةَ وَ رَدَّ إِلَيْهِ قُوَّتَهُ.

زمانی که قائم قیام کند خداوند بیماری را از هر مؤمنی می‌برد و نیروی (از دست رفته) او را باز می‌گرداند.

روایت ۳۹) ثُمَّ لَأَقْتُلَنَّ كُلَّ دَابَّةٍ حَرَّمَ اللَّهُ لَحْمَهَا حَتَّىٰ لَا يَكُونَ عَلَىٰ

وَجْهِ الْأَرْضِ إِلَّا الطَّيِّبُ وَ أَعْرَضُ عَلَىٰ الْيَهُودِ وَ النَّصَارَىٰ وَ سَائِرِ الْمِلَلِ وَ

لَأُخَيِّرَهُمْ بَيْنَ الْإِسْلَامِ وَ السَّيْفِ فَمَنْ أَسْلَمَ مَنَنْتُ عَلَيْهِ وَ مَنْ كَرِهَ الْإِسْلَامَ

أَهْرَقَ اللَّهُ دَمَهُ وَ لَا يَبْقَىٰ رَجُلٌ مِنْ شِيعَتِنَا إِلَّا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْهِ مَلَكًا يَمْسَحُ

عَنْ وَجْهِهِ التُّرَابَ وَ يُعَرِّفُهُ أَزْوَاجَهُ وَ مَنْزِلَتَهُ فِي الْجَنَّةِ وَ لَا يَبْقَىٰ عَلَىٰ

جهان در عصر طلایی ظهور / ۱۱۱

وَجَهِ الْأَرْضِ أَعْمَىٰ وَ لَا مُقَعَدٌ وَ لَا مُبْتَلَىٰ إِلَّا كَشَفَ اللَّهُ عَنْهُ بَلَاءَهُ بِنَا أَهْلَ
الْبَيْتِ وَ لِيَنْزِلَنَّ الْبَرَكَاتُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ حَتَّىٰ إِنَّ الشَّجَرَةَ لَتَقْصِفُ
بِمَا يُرِيدُ اللَّهُ فِيهَا مِنَ الثَّمَرَةِ وَ لَتَأْكُلَنَّ ثَمَرَةَ الشِّتَاءِ فِي الصَّيْفِ وَ ثَمَرَةَ
الصَّيْفِ فِي الشِّتَاءِ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَىٰ وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا
لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا
كَانُوا يَكْسِبُونَ ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ لِيَهَبُ لِشِيعَتِنَا كَرَامَةً لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِمْ شَيْءٌ فِي
الْأَرْضِ وَ مَا كَانَ فِيهَا حَتَّىٰ إِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ يُرِيدُ أَنْ يَعْلَمَ عِلْمَ أَهْلِ بَيْتِهِ
فَيُخْبِرَهُمْ بِعِلْمِ مَا يَعْمَلُونَ.

البته که هر جنبنده‌ای که خداوند گوشت آن را حرام کرده،
می‌کشم، تا این که بر زمین جز پاک و پاکیزه باقی نماند و بر یهودیان
و مسیحیان و سایر ملل، دین را (با ادله و برهان) عرضه می‌کنم (آن
چنان که اتمام حجت شود و آنان حقانیت دین را آشکارا بیابند) و
آنان را میان مسلمان شدن (پس از اتمام حجت از برهان و دلیل) و
کشته شدن (به خاطر دشمنی کور با حق و حقیقت) مخیر می‌سازم،
پس هر که مسلمان شود بر او منت می‌گذارم (و گناهان گذشته‌اش را
عفو می‌کنم) و هر کس (به خاطر عناد و دشمنی با حق) اسلام را
خوش ندارد، خداوند خونس را می‌ریزد و هیچ مردی از شیعیان ما
باقی نمی‌ماند مگر این که خداوند فرشته‌ای به سوی او می‌فرستد تا
گرد و خاک (خستگی) از چهره او بزدايد و همسران و خانه‌اش در
بهشت را به او بنماید و بر روی زمین کور و زمینگیر و مبتلایی باقی
نماند، جز این که خداوند به برکت ما اهل بیت، بلایش را از او برطرف

سازد و قطعا برکت از آسمان به سوی زمین فرود می‌آید، آن چنان که درخت به خاطر فراوانی میوه‌ای که خداوند در آن قرار داده (شاخه‌هایش از سنگینی) می‌شکند و قطعا میوه زمستانی را در تابستان می‌خورید و میوه تابستانی را در زمستان و این (دوران، مصداق) این گفته خدای عز و جل است که: و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم، ولی تکذیب کردند؛ پس به [کیفر] دستاوردها [گریبان] آنان را گرفتیم. یقیناً (در دوران امام زمان علیه السلام) خداوند به خاطر کرامت شیعیان، هدیه‌ای (آگاهی) به آنان می‌بخشد که چیزی در زمین و درون زمین از آنان پوشیده نخواهد بود. آن چنان که اگر مردی از آنان اراده کند بداند خانواده‌اش چه می‌کنند، خواهد دانست، و به خانواده‌اش اطلاع خواهد داد که نسبت به کارهای آنان آگاهی می‌یابد.

(توجه به این نکته لازم است که دوران ظهور و دوران رجعت مشترکات فراوانی دارند. از این رو به روایات رجعت هم استشهاد می‌کنیم.)

روایت (۴۰) قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع يَقَاتِلُونَ وَاللَّهِ حَتَّى يُوَحِّدَ اللَّهُ وَ لَا يُشْرِكَ بِهِ شَيْءٌ وَ حَتَّى يَخْرُجَ الْعَجُوزُ الضَّعِيفَةُ مِنَ الْمَشْرِقِ تُرِيدُ الْمَغْرِبَ وَ لَا يَنْهَاهَا أَحَدٌ وَ يُخْرِجُ اللَّهُ مِنَ الْأَرْضِ بَذْرَهَا وَ يُنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ قَطْرَهَا وَ يُخْرِجُ النَّاسَ خَرَابَهُمْ عَلَى رِقَابِهِمْ إِلَى الْمَهْدِيِّ وَ يُوسِّعُ اللَّهُ عَلَى شِيعَتِنَا وَ لَوْ لَا مَا يُدْرِكُهُمْ مِنَ السَّعَادَةِ لَبَغَوْا... بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۴۵

سوگند به خدا (پس از ظهور، امام زمان علیه السلام و یارانش)

جهان در عصر طلایی ظهور / ۱۱۳

می‌جنگند تا این که وحدانیت خدا حاکم شود و چیزی شریک او نگردد (و عدالت و امنیت آن چنان حاکم گردد که) پیرزنی ناتوان از (خانه‌اش در) مشرق بیرون آید به طرف مغرب (سفر) کند (آن چنان امنیت اجتماعی بر جامعه حاکم است که همگی به سلامت رسیدن او اطمینان دارند و از این رو) احدی او را از این سفر نهی نمی‌کند.

روایت (۴۱) عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ يَتَنَعَّمُ أُمَّتِي فِي زَمَنِ الْمَهْدِيِّ ع نِعْمَةً لَمْ يَتَنَعَّمُوا قَبْلَهَا قَطُّ يُرْسَلُ السَّمَاءُ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَ لَا تَدَعُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنْ نَبَاتِهَا إِلَّا أَخْرَجَتْهُ. بحار الانوار ج ۵۱ ص ۸۳

امت من در زمان مهدی آن چنان متنعم می‌شوند که هرگز پیش از آن متنعم نشده‌اند، آسمان بر آنان فراوان ببارد و زمین چیزی از گیاهش را فرو گذار نکند، مگر آن که بیرون آورد.

روایت (۴۲) عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ الشَّامِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ لِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ - يُكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۶

آن زمان که قائم ما قیام کند، خداوند چنان توانی به گوش‌ها و دیدگان آنان می‌دهد که میان آن‌ها و قائم علیه السلام پیام‌رسانی نخواهد بود، (چرا که در هر کجا که باشند مستقیماً) قائم علیه السلام با آن‌ها صحبت می‌کند و آنان هم صدای او را می‌شنوند و او را می‌بینند، انگار که آنجا هستند.

روایت (۴۳) ابْنِ مُسْكَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّ الْمُؤْمِنَ

فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَ هُوَ بِالْمَشْرِقِ لِيَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ وَ كَذَا الَّذِي

فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَشْرِقِ. بحار الانوار ج ۳۹۱ ص ۵۲

به راستی که مؤمن در زمان قائم علیه السلام از مشرق (زمین) بردارش را که در مغرب است می بیند و همچنین مؤمنی که در مغرب است برادرش را که در مشرق است می بیند.

روایت (۴۴) قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَكُونُ شِيعَتُنَا فِي دَوْلَةِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ

السَّلَامُ سَنَامَ الْأَرْضِ وَ حُكَامَهَا يُعْطَى كُلُّ رَجُلٍ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا.

بحار الانور ج ۵۲ ص ۳۷۲

شیعیان ما در دولت قائم علیه السلام بزرگان زمین و و حاکمان آن هستند. به هر مردی از آنان نیروی چهل مرد عطا می شود.

روایت (۴۵) قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع أَلْقَى الرَّعْبُ فِي قُلُوبِ شِيعَتِنَا مِنْ عَدُوِّنَا

فَإِذَا وَقَعَ أَمْرُنَا وَ خَرَجَ مَهْدِيُنَا كَانَ أَحَدُهُمْ أَجْرَى مِنَ اللَّيْثِ وَ أَمْضَى مِنَ

السَّنَانِ يَطَأُ عَدُوِّنَا بِقَدَمَيْهِ وَ يَقْتُلُهُ بِكَفَّيْهِ. بحار الانور ج ۵۲ ص ۳۷۲

اکنون رعب و ترس از دشمنان ما در دلهای شیعیان ما افتاده شده است. اما آن زمان که امر ظهور ما اتفاق افتد و مهدی ما خارج شود، هر یک از شیعیان ما جسورتر از شیر و برنده تر از نیزه خواهد بود، با قدمش پا بر دشمن ما می گذارد و با دو دستش (بدون نیاز به اسلحه) او را می کشد.

روایت (۴۶) عَنْ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ قَالَ: قِيلَ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع إِنَّ أَصْحَابَنَا

بِالْكُوفَةِ جَمَاعَةٌ كَثِيرَةٌ فَلَوْ أَمَرْتَهُمْ لِأَطَاعُوكَ وَ اتَّبَعُوكَ فَقَالَ يَجِيءُ

جهان در عصر طلایی ظهور / ۱۱۵

أَحَدُهُمْ إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ مِنْهُ حَاجَتَهُ فَقَالَ لَا قَالَ فَهُمْ بِدِمَائِهِمْ أَبْخَلُ
ثُمَّ قَالَ إِنَّ النَّاسَ فِي هُدْنَةٍ نُنَاكِحُهُمْ وَنُوَارِثُهُمْ وَنُقِيمُ عَلَيْهِمُ الْحُدُودَ وَ
نُؤَدِّي أَمَانَاتِهِمْ حَتَّى إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتِ الْمُزَامَلَةُ وَ يَأْتِي الرَّجُلُ إِلَى
كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ لَا يَمْنَعُهُ. (بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۳۷۲)

برید عجلی گفت به امام باقر علیه السلام گفته شد این چنین
است که یاران ما در کوفه جمعیت فراوانی هستند، اگر فرمان دهی از
تو اطاعت و پیروی می کنند (پس چرا خروج نمی کنید؟). حضرت
فرمود آیا یکی از آنها می آید از کیسه بردارش (پولی به مقدار) نیازش
را بردارد؟ (و مورد اعتراض واقع نشود؟) پاسخ داد نه، چنین نیست.
حضرت فرمود پس اینان نسبت به خونشان بخیل تر (از مالشان)
هستند. (چگونه در اطاعت و یاری ما حاضر به کشته شدن خواهند
بود؟! سپس فرمود به راستی که مردم (در حال حاضر) در صلح و
سازش و آرامش هستند، با آنها ازدواج می کنیم و از آنها ارث می بریم
و بر آنها اقامه حد می کنیم و امانتهای آنها را اداء می کنیم، تا آن زمان
که قائم قیام نماید (آنگاه) یک رنگی می آید، آن چنان که مردی
دست در جیب برادرش می کند و به مقدار نیاز از آن بر می دارد و
برادرش او را منع نمی کند.

روایت ۴۷) زَيْدِ الزَّرَّادِ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع نَخْشَى أَنْ لَا نَكُونَ
مُؤْمِنِينَ قَالَ وَ لِمَ ذَاكَ فَقُلْتُ وَ ذَلِكَ أَنَا لَا نَجِدُ فِيْنَا مَنْ يَكُونُ أَخُوهُ عِنْدَهُ
آثَرَ مِنْ دِرْهِمِهِ وَ دِينَارِهِ وَ نَجِدُ الدِّينَارَ وَ الدِّرْهَمَ آثَرَ عِنْدَنَا مِنْ أَخٍ قَدْ
جَمَعَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ مُوَالَاةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ كَلَّا إِنَّكُمْ مُؤْمِنُونَ وَ لَكِنْ لَا

تُكْمِلُونَ إِيمَانَكُمْ حَتَّىٰ يَخْرُجَ قَائِمُنَا فَعِنْدَهَا يَجْمَعُ اللَّهُ أَحْلَامَكُمْ فَتَكُونُونَ
مُؤْمِنِينَ كَامِلِينَ... بحار الانوار ج ۶۴ ص ۳۵۱

زید زراد می گوید به امام صادق علیه السلام گفتم می ترسیم که مؤمن نباشیم. حضرت فرمود چرا؟ گفتم به خاطر این که ما در میان خودمان کسی را نمی یابیم که برادر دینی اش نزد او عزیزتر از درهم و دینارش باشد و دینار و درهم نزد ما عزیزتر از برادری است که ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام ما و او را در (یک گروه) جمع کرده است. حضرت فرمود هرگز چنین نیست. واقعا که شما مؤمن هستید و لکن ایمان شما کامل نمی شود تا این که قائم ما خروج کند، پس در آن هنگام خداوند، درک شما را جمع (و متمرکز و کامل) می کند، پس از آن شما مؤمن کامل می گردید.

روایت ۴۸) عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ ع قَالَ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهَا أَحْلَامَهُمْ. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۲۸

امام باقر علیه السلام فرمود: هنگامی که قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان قرار می دهد و خداوند به واسطه آن، عقول آنها را جمع می کند و درکها را کامل می نماید.

یادآوری: احلام جمع حلم است، این ماده دارای معانی متفاوتی است. معنای چهارم آن ارتباط بسیار نزدیکی با خرد دارد. به دلیل روشن نشدن دقیق معنای آن، آن را با واژه «درک» ترجمه کردیم.

روایت ۴۹) عَنْ أَبِي جَعْفَرِ ع قَالَ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ

جهان در عصر طلایی ظهور / ۱۱۷

الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَ أَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۶

هنگامی که قائم ما قیام کند، دستش را بر روی سر بندگان قرار می‌دهد و به (برکت) دست آن حضرت، عقول آن‌ها را تجميع (و کامل) می‌کند و اخلاق آن‌ها را کامل می‌نماید.

روایت ۵۰) عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ ع قَالَ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهَا أَخْلَامَهُمْ. (بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸)

هنگامی که قائم ما قیام کند، دستش را بر روی سر بندگان قرار می‌دهد و به (برکت) دست آن حضرت، عقول آن‌ها را جمع می‌کند و درک آن‌ها را کامل می‌نماید.

روایت ۵۱) عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْحَسَنِ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع أَيَجِيءُ أَحَدُكُمْ إِلَى أَخِيهِ فَيَدْخُلُ يَدُهُ فِي كَيْسِهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ فَلَا يَدْفَعُهُ فَقُلْتُ مَا أَعْرِفُ ذَلِكَ فِينَا فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع فَلَا شَيْءَ إِذَا قُلْتُ فَأَلْهَكَ إِذَا فَقَالَ إِنَّ الْقَوْمَ لَمْ يُعْطُوا أَخْلَامَهُمْ بَعْدُ. بحار الأنوار ج ۷۱ ص ۲۵۵

امام باقر علیه السلام از یکی از اصحابش پرسید آیا (شما به این کمال رسیده‌اید که) یکی از شما نزد برادر (دینی‌اش) بیاید و دست در جیب او کرده و آن چه نیاز دارد، بردارد و برادرش (اعتراضی نکند) و او را از این کار باز ندارد؟! به حضرت پاسخ دادم که من چنین چیزی را در میان خودمان نمی‌شناسم. حضرت فرمود پس اگر چنین است چیزی (از کمال در شما) نیست. به حضرت عرض کردم پس هلاکت و نابودی (نصیب ما) است. حضرت فرمود به راستی که تا

کنون (آن چنان که باید و شاید) خرد، به آنها عطا نشده است.
 روایت ۵۲) عَنْ جَابِرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عِ إِنَّ اللَّهَ نَزَعَ الْخَوْفَ مِنْ
 قُلُوبِ شِيعَتِنَا وَ أَسَكَّنَهُ قُلُوبَ أَعْدَائِنَا فَوَاحِدُهُمْ أَمْضَى مِنْ سِنَانٍ وَ أَجْرَى
 مِنْ لَيْثٍ يَطْعَنُ عَدُوَّهُ بِرُمْحِهِ وَ يَضْرِبُهُ بِسَيْفِهِ وَ يَدُوسُهُ بِقَدَمِهِ. بحار الأنوار
 ج ۲، ص ۳۳۶

به راستی که خداوند ترس را از دل‌های شیعیان ما می‌کند و در
 دل‌های دشمنان ما ساکن می‌گرداند پس یکی از شیعیان ما برنده‌تر از
 نیزه و جسورتر از شیر است، دشمنش را با نیزه‌اش زخمی می‌کند و با
 شمشیرش می‌زند و با پایش لگد مال می‌کند.

روایت ۵۳) عَنْ أَبَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عِ قَالَ الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَ عِشْرُونَ
 حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ
 الْحَرْفَيْنِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَ الْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَثَّهَا فِي النَّاسِ وَ
 ضَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبْثَّهَا سَبْعَةٌ وَ عِشْرِينَ حَرْفًا. بحار الأنوار ج ۲،
 ص ۳۳۶

علم بیست و هفت حرف است. تمامی آن چه پیامبران آورده‌اند دو
 حرف علم است و مردم تا کنون به غیر دو حرف، نمی‌شناسند. آن
 زمان که قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را آشکار سازد و
 آنها را در میان مردم منتشر می‌کند و دو حرف (پیشین) را به آن
 ضمیمه نماید تا تمام آن بیست و هفت حرف را منتشر نماید.

روایت ۵۴) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عِ هَذِهِ التُّجُومُ
 الَّتِي فِي السَّمَاءِ مَدَائِنٌ مِثْلُ الْمَدَائِنِ الَّتِي فِي الْأَرْضِ مَرْبُوطَةٌ كُلُّ مَدِينَةٍ

جهان در عصر طلایی ظهور / ۱۱۹

إِلَى عَمُودٍ مِنْ نُورٍ طُولُ ذَلِكَ الْعَمُودِ فِي السَّمَاءِ مَسِيرَةُ مِائَتَيْنِ وَ خَمْسِينَ
سَنَةً. بحار الانور ج ۵۵ ص ۹۱

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود این ستارگانی که در آسمان است، شهرهایی هستند همانند شهرهای زمین. هر شهری به ستونی از نور به هم پیوسته (و بسته شده و ثبات پیدا کرده) است. طول این ستون در آسمان به اندازه فاصله دویست و پنجاه سال است.

روایت ۵۵) عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ فَقَالَ سَبْعُ سَمَاوَاتٍ لَيْسَ مِنْهَا سَمَاءٌ إِلَّا وَ فِيهَا خَلْقٌ وَ بَيْنَهَا وَ بَيْنَ الْأُخْرَى خَلْقٌ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى السَّابِعَةِ قُلْتُ وَ الْأَرْضُ قَالَ سَبْعٌ مِنْهُنَّ خَمْسٌ فِيهِنَّ خَلْقٌ مِنْ خَلْقِ الرَّبِّ وَ اثْنَتَانِ هَوَاءٌ لَيْسَ فِيهِمَا شَيْءٌ.
بحار الانور ج ۵۵ ص ۹۷

ابوبصیر می گوید از امام صادق علیه السلام درباره آسمانهای هفتگانه پرسیدم. حضرت پاسخ داد: هفت آسمان، هیچ آسمانی نیست مگر این که در آن مخلوقاتی وجود دارد و میان هر آسمانی با آسمان دیگر (نیز) مخلوقاتی وجود دارد، تا این که به آسمان هفتم برسد. پرسیدم زمین (نیز این چنین است)؟ فرمود زمین نیز هفت تاست، در پنج تای آنها آفریدگانی از آفریدگان پروردگار وجود دارد و دو تای آنها هواء (و خالی) است در آن دو چیزی نیست.

روایت ۵۶) عَنْ عَبْدِ الرَّحِيمِ أَنَّهُ قَالَ: ابْتَدَأَنِي أَبُو جَعْفَرٍ ع فَقَالَ أَمَا إِنَّ ذَا الْقَرْنَيْنِ قَدْ خَيْرَ السَّحَابَيْنِ فَاخْتَارَ الذُّلُولَ وَ ذَخَرَ لِصَاحِبِكُمْ الصَّغْبَ قُلْتُ

وَمَا الصَّعْبُ قَالَ مَا كَانَ مِنْ سَحَابٍ فِيهِ رَعْدٌ وَبَرْقٌ وَصَاعِقَةٌ فَصَاحِبِكُمْ
 يَرْكَبُهُ أَمَا إِنَّهُ سَيَرْكَبُ السَّحَابَ وَ يَرْقَى فِي الْأَسْبَابِ السَّبَابِ السَّمَاوَاتِ
 السَّبْعِ خَمْسَةَ عَوَامِرٍ وَ اثْنِينَ [اثنان] خَرَابٌ. بصائر الدرجات ج ۱ ص ۴۰۹
 امام باقر علیه السلام فرمود: آگاه باشید که ذوالقرنین در انتخاب
 یکی از دو (نوع) ابر آزاد گذاشته شد. پس او ابر رام را برگزید و ابر
 دشوار (و سخت و نیرومند) برای صاحب شما (امام زمان علیه السلام)
 ذخیره شده است. از امام پرسیدم ابر دشوار چیست؟ ابرهایی که در
 آن رعد و برق و صاعقه است. پس صاحب شما بر آن سوار خواهد شد.
 آگاه باشید که به راستی که او به زودی بر ابر سوار خواهد شد و در
 اسباب، اسباب آسمانهای هفتگانه، بالا خواهد رفت که پنج آسمان آن
 آباد و دو آسمان آن متروکه است.

روایت (۵۷) وَ لَأُطَهِّرَنَّ الْأَرْضَ بِآخِرِهِمْ مِنْ أَعْدَائِي وَ لَأَمْلِكَنَّ مَشَارِقَ
 الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا وَ لَأَسْخَرَنَّ لَهُ الرِّيَّاحَ وَ لَأَذْكَنَنَّ لَهُ السَّحَابَ الصَّعَابَ وَ
 لَأَرْقِيَنَّ فِي الْأَسْبَابِ وَ لَأَنْصُرَنَّهُ بِجُنْدِي وَ لَأَمُدَّهُ بِمَلَائِكَتِي حَتَّى يُعْلِنَ
 دَعْوَتِي وَ يَجْمَعَ الْخَلْقَ عَلَيَّ تَوْحِيدِي ثُمَّ لَأُدِيمَنَّ مُلْكَهُ وَ لَأُدَاوِلَنَّ الْأَيَّامَ
 بَيْنَ أَوْلِيَائِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. بحار الانور ج ۵۲ ص ۳۱۲

و صد البته که به وسیله آخرین فرد از آل محمد، زمین را از
 دشمنانم پاک خواهم ساخت و او را مالک تمام شرق و غرب زمین
 خواهد ساخت و بادهای را مسخر او خواهم ساخت و ابرهای دشوار را
 رام او خواهم ساخت و او را در اسباب، بالا خواهم برد و او را با
 سربازانم پیروز خواهم ساخت و با فرشتگانم مدد خواهم کرد تا این

جهان در عصر طلایی ظهور / ۱۲۱

که دعوت من آشکار گردد و تمامی خلائق بر (اعتقاد به) وحدانیت من مجتمع شوند.

سپس فرمانروایی او را ادامه خواهیم داد و روزگاران را تا روز قیامت میان اولیائهم دست به دست خواهیم کرد.

روایت ۵۸) عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَجَلَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ لَا يَحْتَاجُ إِلَى بَيِّنَةٍ يُلْهِمُهُ اللَّهُ تَعَالَى فَيَحْكُمُ بِعِلْمِهِ. بحار الانوار ج ۱۴ ص ۱۴

آن زمان که قائم آل محمد علیهم السلام قیام نماید، میان مردم به حکم داود قضاوت کند، نیازی به بیئنه ندارد، خداوند تعالی به او الهام نماید، پس او به علم خودش حکم نماید.

روایت ۵۹) عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَجَلَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ ع حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ لَا يَحْتَاجُ إِلَى بَيِّنَةٍ يُلْهِمُهُ اللَّهُ تَعَالَى فَيَحْكُمُ بِعِلْمِهِ وَ يُخْبِرُ كُلَّ قَوْمٍ بِمَا اسْتَبْطَنُوهُ وَ يَعْرِفُ وَلِيَّهُ مِنْ عَدُوِّهِ بِالتَّوَسُّمِ قَالَ اللَّهُ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۲

چون قائم آل محمد علیهم السلام قیام نماید، به حکم داود میان مردم حکم کند، نیازمند به گواه نباشد، خدای تعالی به او الهام فرماید و او از روی علم خود، داوری کند و هر قومی را به آن چه که پنهان کرده‌اند خبر می‌دهد...

روایت ۶۰) عَنْ أَبَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لَا يَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِّنِّي يَحْكُمُ بِحُكُومَةِ آلِ دَاوُدَ لَا يَسْأَلُ عَنْ

بَيِّنَةٌ يُعْطَى كُلَّ نَفْسٍ حُكْمَهَا. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۲۰

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

دنیا تمام نمی شود تا این که مردی از (نسل) من خروج کند که به حکم آل داود حکم می کند و (از همین رو در تشخیص حق) از شاهی نمی پرسد (بلکه) به هر کسی حکم (واقعی) خودش را عطا می کند.

روایت (۶۱) عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْهُ ع قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ حَكَمَ

بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ لَا يَسْأَلُ النَّاسَ بَيِّنَةً. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۲۰

هنگامی که قائم آل محمد قیام کند به حکم داود و سلیمان حکم می کند از مردم شاهی نمی طلبد.

روایت (۶۲) وَ عَنْهُ ع قَالَ يَمْلِكُ الْقَائِمُ ثَلَاثِمِائَةَ سَنَةٍ وَ يَزِدَادُ تِسْعًا كَمَا

لَبِثَ أَهْلُ الْكَهْفِ فِي كَهْفِهِمْ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ

جَوْرًا فَيَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ شَرْقَ الْأَرْضِ وَ غَرْبَهَا وَ يَقْتُلُ النَّاسَ حَتَّى لَا يَبْقَى إِلَّا

دِينَ مُحَمَّدٍ وَ يَسِيرُ بِسِيرَةِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ وَ يَدْعُو الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ

فَيُجِيبَانِهِ وَ تَطْوِي لَهُ الْأَرْضُ وَ يُوحَى إِلَيْهِ فَيَعْمَلُ بِالْوَحْيِ بِأَمْرِ اللَّهِ. بحار

الانوار ج ۵۲ ص ۳۹۰

قائم علیه السلام سیصد و نه سال حکومت می کند، همانند خواب

اصحاب کهف در غارشان. زمین را از عدل و داد پر می کند، همچنان

که از ظلم و جور پر شده بود.

و خداوند، شرق و غرب زمین را برای او فتح می کند و مردم (کافر

و منافق) را می کشد، تا این که جز دین محمد صلی الله علیه و آله

جهان در عصر طلایی ظهور / ۱۲۳

باقی نماند و به روش و سیره سلیمان بن داود حکم و داوری می‌کند و خورشید و ماه را فرا می‌خواند و آن دو (فرمانبرداری کرده و) به حضرت پاسخ می‌دهند و زمین برای آن حضرت پیچیده می‌شود (و با طی الارض حرکت می‌کند) و به او وحی می‌شود، پس به فرمان خداوند عمل خواهد کرد.

روایت ۶۳) وَ هُوَ الَّذِي تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ وَ يَذِلُّ لَهُ كُلُّ صَعْبٍ... بحار

الانوار ج ۵۲ ص ۲۸۳

قائم علیه السلام کسی است که زمین برایش پیچیده می‌شود (و با طی الارض حرکت می‌کند) و هر (گره کور و) دشواری برایش گشوده می‌گردد...

روایت ۶۴) سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: ... إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ يَصِيرُ إِلَى مَنْ يُلَوَّى لَهُ الْحَنَكُ، فَإِذَا كَانَتْ مِنَ اللَّهِ فِيهِ الْمَشِيئَةُ خَرَجَ، فَيَقُولُ النَّاسُ: مَا هَذَا الَّذِي كَانَ؟! وَ يَضَعُ اللَّهُ لَهُ يَدًا عَلَى رَأْسِ رَعِيَّتِهِ.

آن زمان که مشیت الهی درباره (ظهور قائم علیه السلام) تحقق یابد، خروج می‌کند. پس مردم از تعجب می‌گویند این چه امری بود که اتفاق افتاد؟ و خداوند به خاطر قائم علیه السلام دستی بر سر شهروندانش می‌گذارد.

روایت ۶۵) عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: كَأَنِّي بِأَصْحَابِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَدْ أَحَاطُوا بِمَا بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ، فَلَيْسَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ هُوَ مُطِيعٌ لَهُمْ حَتَّى سِبَاعُ الْأَرْضِ وَ سِبَاعُ الطَّيْرِ، يَطْلُبُ رِضَاهُمْ فِي كُلِّ شَيْءٍ، حَتَّى تَفْخَرَ الْأَرْضُ عَلَى الْأَرْضِ وَ تَقُولَ: مَرَّ بِي الْيَوْمَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ

الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۲۷

من گویا یاران قائم علیه السلام را می بینم که بر مابین مشرق و مغرب سیطره پیدا کرده اند، پس چیزی نیست مگر این که فرمانبردار یاران حضرت باشد، حتی درندگان زمین و آسمان. (همگی) در همه امور به دنبال جلب خشنودی اینان هستند، حتی زمینی بر زمین دیگر افتخار می کند و می گوید امروز مردی از یاران قائم علیه السلام از روی من گذشت.

آخِرُ دَعْوَانَا أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ

فهرست مطالب

۳	مقدمه ناشر.....
۷	اشراق خورشید.....
۱۰	دوران ظهور و اوج امنیت.....
۱۰	امنیت جانی و برطرف شدن کشت و گشتار.....
۱۱	امنیت جانی انسان از حیوانات درنده و گزنده.....
۱۲	امنیت جانی حیوانات از درندگان (رام شدن درندگان).....
۱۳	امنیت اشیاء از فساد و خسارت.....
۱۴	امنیت بهداشتی و برطرف شدن بیماری‌ها، معلولیتها و.....
۱۵	امنیت غذایی (نابودی پلیدی‌ها و...).....
۱۶	امنیت ناموسی.....
۱۷	امنیت راه‌ها.....
۱۸	امنیت اقتصادی.....
۱۹	امنیت روانی واقعی در جامعه.....
۲۱	امنیت نظامی.....
۲۱	امنیت اخلاقی (دل‌های بی کینه).....
۲۲	امنیت از شیاطین (پایان حکومت شیطان).....
۲۳	دوران ظهور و اوج شکوفایی.....
۲۳	اوج پربری آسمان.....
۲۶	جریان رودها و جوشش چشمه‌ها.....
۲۶	اوج باروری گیاهان.....
۲۸	زیبایی زمین.....
۲۹	باران طلا از آسمان.....
۳۰	آشکار شدن گنج‌ها از زمین.....

۳۱ آشکار شدن تمام ثروت زمین
۳۱ اوج صلح و سازش تمامی موجودات
۳۳ تسویه همه دیون و رد مظالم عباد
۳۴ تقسیمی مضاعف
۳۵ سخاوت بی پایان
۳۷ نعمت بی سابقه
۳۸ نابودی فقر
۴۰ نظام حمایتی
۴۰ رودهای شگفت انگیز
۴۰ تغذیه شگفت انگیز
۴۲ پوشاک شگفت انگیز
۴۲ شهرسازی سالم
۴۳ مدیریت ازدحام جمعیت
۴۴ آزادی همه بردگان
۴۵ اوج طول عمر (امید به زندگی)
۴۵ اوج باروری نسل
۴۶ بدن شگفت انگیز
۴۶ اوج شنوایی و بینایی
۴۷ اوج توانایی های جسمی
۴۸ اوج شادمانی
۴۸ پر شدن قلبها از غنی
۵۰ اوج توانایی های روحی
۵۱ شکوفایی ایمان و اخلاق (اوج یک رنگی)
۵۲ علم به تمام لغت
۵۳ اوج آگاهی
۵۴ سرازیر شدن همه ی دانش ها
۵۵ عدم نیاز به آموزش
۵۵ اوج شکوفایی خرده ها
۵۷ دست خدا بر سر رعیت امام زمان

جهان در عصر طلایی ظهور / ۱۲۷

- پرواز در آسمان و حرکت بر روی آب..... ۵۸
- حضور فرشتگان در میان مردم..... ۵۸
- سفر با ابر و پرواز با فرشتگان..... ۵۹
- ربودن گوی سبقت از فرشتگان..... ۶۰
- مرجعیت و قضاوت مؤمن بر فرشتگان..... ۶۱
- دوران ظهور و عدالت حقیقی و واقعی (حکم داودی)..... ۶۲
- حکومت فرازمینی..... ۶۴
- ظهور و بی نیازی از نور خورشید..... ۶۸
- فرمانبرداری نظام کیهانی از قائم ع و طولانی شدن زمان..... ۶۹
- فخر فروشی زمین..... ۷۱
- رضایت عمومی..... ۷۲
- شکستن طلسم مشکلات..... ۷۳
- آرزوی بازگشت مردگان..... ۷۳
- گشوده شدن درهای آسمان..... ۷۴
- دوران ظهور، بهشت زمینیان..... ۷۴
- رمز گشایی از ویژگی‌های حکومت آسمانی قائم..... ۷۵
- منابع روایی عصر طلایی ظهور..... ۷۸